



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

مکتبہ اسلامیہ

# سورۃ فاتحہ

سورۃ فاتحہ: ذکر، تفسیر، بیان، طلسمات و برکتیں

محمد رفیع اعجازی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# همسران همراه : سیره خانوادگی همسران علما و بزرگان دین

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

حوزه علمیه قم - مرکز مدیریت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۰	همسران همراه : سیره خانوادگی همسران علما و بزرگان دین
۱۰	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۷	فهرست
۲۶	مقدمه
۲۸	فصل اول : ازدواج با طلبه
۲۸	اشاره
۳۰	ارزش والای ازدواج
۳۱	ازدواج بی پیرایه و آسان
۳۳	آشنایی با واقعیت زندگی طلبگی
۳۷	آشنایی با محدودیت های ازدواج با طلبه
۴۴	فصل دوم : خودسازی
۴۴	اشاره
۴۷	الف) ارتقای علمی و معرفتی
۴۷	اشاره
۵۰	تقویت مبانی اعتقادی
۵۳	رضا و تسلیم در برابر خداوند
۵۷	ب) ارتقای اخلاقی و معنوی
۵۷	اشاره
۵۸	۱. قرائت قرآن
۶۰	۲. اهتمام به نماز اول وقت
۶۳	۳. تقویت روحیه ی فناخت و توکل
۶۳	اشاره

۶۸	فنون دست یابی به قناعت در زندگی
۶۸	اشاره
۶۸	الف) مقایسه های خوش بینانه و پرهیز از مقایسه های بدبینانه
۶۹	ب) امیدواری به آینده
۷۰	ج) برنامه ریزی برای دخل و خرج زندگی
۷۰	د) توجه به الگوها و سرمشق گرفتن از آنها
۷۰	ح) هم خوان سازی خواسته ها و انتظارات با واقعیت ها
۷۲	۴. تقویت روحیه ی ایثار و فداکاری
۷۷	۵. خویشتنداری در تغییرات
۷۹	۶. توسل به اهل بیت علیهم السلام
۸۲	۷. پرهیز از اسراف و تبذیر
۸۳	۸. همت بلند
۸۴	۹. توجه به الگوهای اخلاقی و سبک زندگی اسلامی
۸۵	ج) فراگیری مهارت های زندگی
۸۵	اشاره
۸۶	۱. یادگیری روش های درست آداب معاشرت
۸۷	۲. یادگیری روش های حل تعارض
۸۷	اشاره
۹۰	شناسایی زمینه های بروز تعارض
۹۲	فصل سوم : همسرداری
۹۲	اشاره
۹۶	الف) مدیریت منزل
۹۶	اشاره
۹۶	۱. تقسیم کار
۹۸	۲. تدبیر و درایت
۱۰۰	ب) آرامش بخشی

- ۱۰۰ ..... اشاره
- ۱۰۱ ..... ۱. سنگ صبور بودن
- ۱۰۲ ..... ۲. شادی آفرینی و ایجاد نشاط در خانه
- ۱۰۲ ..... اشاره
- ۱۰۲ ..... ۲-۱. مثبت نگری
- ۱۰۳ ..... ۲-۲. ایجاد فضای امن و شاد
- ۱۰۳ ..... اشاره
- ۱۰۴ ..... ۲-۲-۱. ابراز محبت و خوش اخلاقی
- ۱۰۴ ..... ۲-۲-۲. زدودن تنش ها
- ۱۰۶ ..... ۲-۲-۳. فضاسازی مناسب
- ۱۰۶ ..... ۲-۲-۴. شوخی کردن
- ۱۰۷ ..... ۳. آزرده نساختن همسر
- ۱۰۸ ..... ج) مهرورزی
- ۱۱۰ ..... د) پرهیز از منت گذاشتن
- ۱۱۲ ..... ه-) پاسداشت حقوق و اخلاق
- ۱۱۲ ..... ۱. پاسداشت حقوق
- ۱۱۲ ..... اشاره
- ۱۱۲ ..... ۱-۱. اطاعت
- ۱۱۴ ..... ۲-۱. تمکین
- ۱۱۵ ..... ۳-۱. رعایت عفاف و حیا در معاشرت با نامحرم
- ۱۱۹ ..... ۴-۱. امانت داری و حفظ اموال شوهر
- ۱۱۹ ..... ۲. پاسداشت اخلاق
- ۱۱۹ ..... اشاره
- ۱۲۰ ..... ۲-۱. احترام متقابل
- ۱۲۱ ..... ۲-۲. ابراز عملی محبت
- ۱۲۲ ..... ۲-۳. آراستگی

- ۱۲۵ ..... ۲-۴. عیب پوشی
- ۱۲۷ ..... ۲-۵. قدرشناسی و پرهیز از مقایسه‌ی شوهر با دیگران
- ۱۳۰ ..... ۲-۶. صداقت و پرهیز از دروغ‌گویی
- ۱۳۱ ..... ۲-۷. خوش‌خلقی و معاشرت‌پسندیده
- ۱۳۳ ..... ۲-۸. وفاداری
- ۱۳۵ ..... (و) همدلی و همراهی
- ۱۳۵ ..... اشاره
- ۱۳۵ ..... ۱. درک و پذیرش شرایط همسر
- ۱۳۵ ..... اشاره
- ۱۴۱ ..... ۱-۱. درک متقابل، عامل محبت
- ۱۴۲ ..... ۱-۲. پذیرش لباس روحانیت
- ۱۴۴ ..... ۱-۳. مسئولیت‌پذیری
- ۱۴۵ ..... ۲. یاری و همراهی
- ۱۴۵ ..... اشاره
- ۱۴۶ ..... ۲-۱. داشتن انتظارات متناسب با موقعیت
- ۱۴۶ ..... ۲-۲. همکاری روحی و معنوی
- ۱۴۹ ..... ۲-۳. مشورت و هم‌فکری
- ۱۴۹ ..... ۲-۴. رازداری
- ۱۵۰ ..... ۲-۵. صبر و تحمل در مشکلات مادی
- ۱۵۱ ..... ۲-۶. مهاجرت
- ۱۵۲ ..... ۲-۷. مجاهدت و دفاع
- ۱۵۲ ..... اشاره
- ۱۵۲ ..... ۲-۷-۱. همراهی در مجاهدت علمی
- ۱۵۵ ..... ۲-۷-۲. همراهی در تبلیغ
- ۱۵۸ ..... ۲-۷-۳. همراهی در مبارزه
- ۱۶۴ ..... فصل چهارم: فرزند‌پروری



۱۶۴	-----	اشاره
۱۶۸	-----	۱. استمداد از خداوند در تربیت
۱۶۹	-----	۲. تربیت فرزند بهترین عبادت مادر
۱۷۰	-----	۳. نقش مادر در تربیت انسان های والا
۱۷۱	-----	۴. اثر روحیات و معنویت مادر بر فرزند
۱۷۲	-----	۵. دقت در لقمه ی حلال
۱۷۴	-----	۶. آموزش احکام اسلامی
۱۷۵	-----	۷. دقت در گزینش مربی شایسته برای فرزند
۱۷۸	-----	۸. تقویت روحیه ی انقلابی و جهادی فرزندان
۱۸۰	-----	فهرست منابع
۱۹۶	-----	درباره مرکز

## همسران همراه : سیره خانوادگی همسران علما و بزرگان دین

### مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : همسران همراه : سیره خانوادگی همسران علما و بزرگان دین / جمعی از نویسندگان ؛ به سفارش و نظارت مدیریت مطالعات و برنامه ریزی تهذیبی معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه.

مشخصات نشر : قم: مرکز مدیریت حوزه های علمیه، 1397.

مشخصات ظاهری : 178ص.: مصور؛ 21×5/14 س م.

شابک : 120000 ریال 978-600-7550-68-7 :

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : چاپ سوم.

یادداشت : کتابنامه: 165 - 176؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : مجتهدان و علما -- ایران -- اخلاق

موضوع : 'Ulama -- Iran -- Ethics

موضوع : مجتهدان و علما -- ایران -- روابط خانوادگی

موضوع : 'Ulama -- Iran -- Family relationships

موضوع : همسران مجتهدان و علما

موضوع : 'Ulama spouses

موضوع : همسران روحانیت -- زندگی مذهبی

موضوع : Spouses of clergy -- Religious life

موضوع : زناشویی (اسلام)

موضوع : Marriage -- Religious aspects -- Islam

موضوع : خانواده ها -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع : Families -- Religious aspects -- Islam

موضوع : خانواده ها -- جنبه های اخلاقی

موضوع : Families -- Moral and ethical aspects

شناسه افزوده : مرکز مدیریت حوزه های علمیه. مدیریت مطالعات تربیتی و فرهنگی

شناسه افزوده : مرکز مدیریت حوزه های علمیه

رده بندی کنگره : 1397 8/BP55/2

رده بندی دیویی : 297/996

شماره کتابشناسی ملی : 4636484

خیراندیش دیجیتال : انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب : خانم نرگس قمی

ص: 1

**اشاره**



همسران همراه

سیره خانوادگی همسران علما و بزرگان دین

جمعی از نویسندگان

ص: 3

شابک : 978-600-7550-68-8

شماره کتابشناسی ملی: 4636484

عنوان و نام پدیدآور: همسران همراه: همسران همراه سیره خانوادگی همسران علما و بزرگان دین / جمعی از نویسندگان به سفارش و نظارت مدیریت مطالعات و برنامه ریزی تهذیبی معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه

مشخصات نشر: قم مرکز مدیریت حوزه های علمیه 1395

مشخصات ظاهری: 176 ص 21/5414/51 س م.

موضوع: مجتهدان و علما -- ایران -- اخلاق

موضوع: 'Ulama--Iran--Ethics

موضوع: مجتهدان و علما -- ایران - روابط خانوادگی

موضوع: Ulama -- Iran -- Family relationships

موضوع: همسران مجتهدان و علما

موضوع: Ulama spouses

موضوع: همسران روحانیت -- زندگی مذهبی

موضوع: Spouses of clegy -- Religious life

موضوع: زناشویی (اسلام)

موضوع: Marriage - Religious aspects -- Islam

موضوع: خانواده ها -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: Families - Religious aspects - Islam

موضوع: خانواده ها -- جنبه های اخلاقی

موضوع: Families -- Moral and ethical aspects

رده بندی دیویی: 297/966

رده بندی کنگره: 81395 هـ - / 255/B

شناسنامه افزوده: مرکز مدیریت حوزه های علمیه مدیریت مطالعات تربیتی و فرهنگی

شناسنامه افزوده: مرکز مدیریت حوزه های علمیه

وضعیت فهرست نویسی: فیا

همسران همراه

سیره خانوادگی همسران علما و بزرگان دین

به سفارش و نظارت :

مدیریت مطالعات و برنامه ریزی تهذیبی معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه

زیر نظر شورای کارشناسی :

مهدی محمدی صیفار کاظم علی محمدی و هادی حسین خانی

مؤلف: جمعی از نویسندگان

ناشر: مرکز مدیریت حوزه های علمیه

طراحی و صفحه آرایی: فرهود مقدم

نوبت چاپ: چاپ دوم، تابستان 1396

شمارگان: 1000 نسخه

قیمت: 60000 ریال

تمامی حقوق برای معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه محفوظ است \*

نشانی: قم، انتهای بلوار پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله وسلم (جمکران)، مجتمع دارالولاية، معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه

[www.tahzib-howzeh.ir](http://www.tahzib-howzeh.ir)

مراکز پخش :

معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه

قم، مدرسه علمیه دارالشفاء، فروشگاه انتشارات مرکز مدیریت حوزه های علمیه: 025-37748383

ص: 4



فصل اول : ازدواج با طلبه

ارزش والای ازدواج 15

ازدواج بی پیرایه و آسان 16

آشنایی با واقعیت زندگی طلبگی 18

آشنایی با محدودیت های ازدواج با طلبه 22

فصل دوم : خودسازی

الف) ارتقای علمی و معرفتی 32

تقویت مبانی اعتقادی 35

رضا و تسلیم در برابر خداوند 38

ب) ارتقای اخلاقی و معنوی 42

1. قرائت قرآن 43

2. اهتمام به نماز اول وقت 45

3. تقویت روحیه قناعت و توکل 48

فنون دست یابی به قناعت در زندگی 53

الف) مقایسه های خوش بینانه و پرهیز از مقایسه های بدبینانه 53

ب) امیدواری به آینده 54

ج) برنامه ریزی برای دخل و خرج زندگی 55

د) توجه به الگوها و سرمشق گرفتن از آنها 55

ح) هم‌خوان سازی خواسته‌ها و انتظارات با واقعیت‌ها 55

4. تقویت روحیه ایثار و فداکاری 57

5. خویشتن‌داری در تغییرات 62

6. توسل به اهل بیت علیهم السلام 64

7. پرهیز از اسراف و تبذیر 67

8. همّت‌بلند 68

9. توجه به الگوهای اخلاقی و سبک زندگی اسلامی 69

ج) فراگیری مهارت‌های زندگی 70

1. یادگیری روش‌های درست آداب معاشرت 71

2. یادگیری روش‌های حل تعارض 72

شناسایی زمینه‌های بروز تعارض 75

فصل سوم: همسرمداری

الف) مدیریت منزل 81

تقسیم کار 81

تدبیر و درایت 83

ب) آرامش بخشی 85

1. سنگ‌صبور بودن 86

2. شادی‌آفرینی و ایجاد نشاط در خانه 87

1-2. مثبت‌نگری 87

2-2. ایجاد فضای امن و شاد 88

1-2-2. ابراز محبت و خوش اخلاقی 89

2-2-2. زدودن تنش ها 89

2-2-3. فضاسازی مناسب 91

ص: 6

4-2-2. شوخی کردن 91

3. آزردن نساختن همسر 92

ج) مهرورزی 93

د) پرهیز از منت گذاشتن 95

ه) پاسداشت حقوق و اخلاق 97

1. پاسداشت حقوق 97

1-1. اطاعت 97

1-2. تمکین 99

1-3. رعایت عفاف و حیا در معاشرت با نامحرم 100

1-4. امانت داری و حفظ اموال شوهر 104

2. پاس داشت اخلاق 104

1-2. احترام متقابل 105

2-2. ابراز عملی محبت 106

2-3. آراستگی 107

2-4. عیب پوشی 110

2-5. قدرشناسی و پرهیز از مقایسه ی شوهر با دیگران 112

2-6. صداقت و پرهیز از دروغ گویی 115

2-7. خوش خلقی و معاشرت پسندیده 116

2-8. وفاداری 118

و) همدلی و همراهی 120

1. درک و پذیرش شرایط همسر 120

1-1. درک متقابل عامل محبت 126

1-2. پذیرش لباس روحانیت 127

1-3. مسئولیت پذیری 129

ص: 7

2. یاری و همراهی 130

1-2. داشتن انتظارات متناسب با موقعیت 131

2-2. همکاری روحی و معنوی 131

3-2. مشورت و هم فکری 134

4-2. رازداری 134

5-2. صبر و تحمل در مشکلات مادی 135

6-2. مهاجرت 136

7-2. مجاهدت و دفاع 138

1-7-2. همراهی در مجاهدت علمی 138

2-7-2. همراهی در تبلیغ 140

3-7-2. همراهی در مبارزه 143

فصل چهارم: فرزندپروری

1. استمداد از خداوند در تربیت 153

2. تربیت، فرزند بهترین عبادت مادر 154

3. نقش مادر در تربیت انسانهای والا 155

4. اثر روحیات و معنویت مادر بر فرزند 156

5. دقت در لقمه ی حلال 157

6. آموزش احکام اسلامی 159

7. دقت در گزینش مربی شایسته برای فرزند 160

8. تقویت روحیه ی انقلابی و جهادی فرزندان 163

منابع 165



تقدیم به

یگانه بانوی دو عالم، سرور زنان اهل بهشت

صدیقہ طاہرہ حضرت فاطمہ زہرا علیہا السلام

ص: 9





در مکتب‌الاسلام، خانواده محبوب‌ترین و گرامی‌ترین بنیان اجتماعی نزد خداوند متعال است و خانواده بیشترین تأثیر و مهم‌ترین مسئولیت را در باب تربیت بر عهده دارد.

بنیان خانواده به وجود مرد و زنی بنا نهاده شده است که هر کدام نقش بسیار مهم و قابل توجهی در آن ایفا میکنند ایفای نقش‌ها نیازمند مهارت، معرفت و دانشی است که بتوان به وسیله‌ی آن روابط درون خانواده را بهبود بخشید و خانواده را به سوی کمال هدایت نمود این تلقی که مردان دانش یا مهارت‌های خود را ارتقا دهند؛ ولی زنان همچنان بی بهره بمانند تصور نادرست و اشتباه بزرگی است. همراهی همسران در زندگی زناشویی، همواره بر درک متقابل استوار است و هنگامی توازن برقرار می‌گردد که دانش، معرفت یا مهارت‌های زندگی مشترک در هر دو موجود باشد و به اصطلاح، زن و شوهر از لحاظ فکری هم‌تا بوده و افق فکری‌شان به هم نزدیک باشد. اگر مرد خانه تنها به فکر تقویت و ارتقای دانش و مهارت‌های خود باشد و روز به روز فاصله‌ی دانشی و مهارتی خود را از همسرش زیاد کند، به تدریج رابطه‌ها به عدم درک متقابل می‌انجامد و این جاست که اختلاف‌ها و عدم تفاهم‌ها خود را نشان خواهد داد. از این رو، زن خانواده نیز لازم است هم‌زمان، بردانش و مهارت‌های زندگی خود بیفزاید و خود را از لحاظ معنوی

و اخلاقی بالا بکشد تا بتواند در وظایف اصلی خود که همسررداری و تربیت فرزندان صالح است، موفق باشد.

طلاب و روحانیان که به عنوان الگوی اخلاقی، معنوی و رفتاری در جامعه نگریسته می شوند، افزون بر خود باید به همسران خود نیز توجه کرده و زمینه های رشد آنان را فراهم سازند؛ چرا که رشد و کمال معنوی همسر، موجب استحکام، پویایی و تعالی خانواده گشته و تربیت نسلی پاک و صالح را در پی دارد.

از سوی دیگر، بهره گیری از توان و ظرفیت همسران برای تبلیغ دین نیز وابسته به آن است و البته بر خود همسران لازم است به نقش الگویی خود در جامعه توجه داشته و همواره بکوشند توانایی هایشان را افزایش دهند تا بتوانند عضوی مؤثر، فعال و سازنده باشند.

کتاب «همسران همراه» می کوشد فضاهایی از دانش و مهارت ها را در برابر دیدگان همسران طلاب و روحانیان با استفاده از زندگی همسران موفق علما و بزرگان دین ترسیم کند تا بدان وسیله بتوانند به اهمیت نقش خود در خانواده، تربیت نسل و نیز در جامعه پی برده و برای رسیدن به جایگاه الگویی تلاش کنند.

در پایان، از پژوهش گران بزرگواری که در تهیه ی اثر حاضر ما را یاری کردند به ویژه حجج الاسلام و المسلمین آقایان مهدی محمدی صیفار و کاظم علی محمدی که اصلاح، ویرایش و تدوین نهایی کتاب را بر عهده داشتند و نیز حجت الاسلام والمسلمین هادی حسین خانی که زحمت نظارت و ارزیابی پژوهش را کشیدند، صمیمانه تشکر و قدردانی می نمایم.

مدیریت مطالعات و برنامه ریزی تهذیبی

معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه





در آیین حیات بخش اسلام بر ازدواج و تشکیل خانواده، بسیار اهمیت داده شده و تأکید شده هیچ بنایی، دوست داشتنی تر از ازدواج نزد خداوند متعال نیست. (1) در روایات متعددی آمده که ازدواج از سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم است. (2) از سوی دیگر، مجرد ماندن ناپسند شمرده شده و حتی به کسانی که توانایی مالی دارند، سفارش شده که به ازدواج جوانان کمک کنند (3) و براساس روایات یکی از وظایف پدر، همسر دادن فرزند است. (4)

ارزش ازدواج آن قدر والا دانسته شده که در زندگی دنیوی موجب رشد

معنوی (5) و در آخرت به ارتقای درجه ی بهشتی فرد منجر می شود. بانوی مجتهد نصرت امین (6) در ضمن خاطره های خود می گوید:

ص: 15

- 1- پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: مَا بُنِيَ بِنَاءً فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ التَّزْوِيجِ فِي الْإِسْلَامِ، هیچ بنایی ساخته نشده که نزد خدای بزرگ، محبوب تر از [بنای] ازدواج باشد. (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 383)
- 2- پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: مَنْ أَحَبَّ فِطْرَتِي فَلَيْسَتْ بِسُنَّتِي، وَ مِنْ سُنَّتِي النِّكَاحُ هَرَكَةَ آيِنٍ مَرَا دَوْسْت دَارِد بَايِدَازِ سُنْتِ مَن پِیرو ی کَند و از جملِه سنت مَن ازدواج کُردن است. (کلینی، الکافی، ج 5، ص 494)
- 3- مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید و همچنین غلامان و کنیزان صالح را اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد؛ خداوند گشایش دهنده و آگاه است. (نور، آیه 32)
- 4- پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: مِنْ حَقِّ الْوَالِدِ عَلٰی وَالِدِهِ ثَلَاثَةٌ: يُحْتَنِ اسْمَهُ، وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَةَ وَيُزَوِّجُهُ إِذَا بَلَغَ؛ از حقوق فرزند بر پدرش این سه چیز است نام نیکو بر او بنهد، به او سواد بیاموزد و هنگامی که بالغ شد، او را همسر بدهد. (طبرسی، مکارم الاخلاق، ج 1، ص 474)
- 5- عن رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم: رُكْعَتَانِ يُصَلِّيَهُمَا الْمُتَزَوِّجُ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رُكْعَةً يُصَلِّيَهَا أَعْرَبٌ؛ دو رکعت نمازی که انسان متأهل می خواند، برتر از هفتاد رکعتی است که مجرد میخواند. (کلینی، الکافی، ج 5، ص 328)
- 6- از بانوان تحصیل کرده حوزوی و مجتهده و از شاگردهای مرحوم آیت الله سید محمد باقر درچه ای، آیت الله آخوند محمد کاشی و میرزا جهانگیرخان قشقایی بوده اند.

روزی آمدم بر سر مزار آقای کاشی رحمه الله و برای مرحوم کاشی هدایایی آورده بودم؛ یک ختم قرآن و صد مرتبه قرائت سوره ی قدر. به او گفتم: جناب آخوند! دوست دارم که پاداش خوبی به من بدهی.

پس از اتمام زیارتان به خانه بازگشتم و شب، خواب مرحوم آخوند کاشی رحمه الله را دیدم. در خواب دیدم که یک باغ بسیار وسیع و بزرگ در اختیار اوست. پرسیدم اینجا کجاست و این باغ متعلق به کیست؟ ایشان در پاسخ فرمود: متعلق به من است. دیدم که درخت های زیبا، قصرهای باشکوه و مناظر دیدنی فراوانی دارد؛ اما ناگهان متوجه شدم که بالاتر از این باغ دیگری است که به مراتب، عالی تر و زیباتر است.

از جناب آخوند پرسیدم: آن باغ متعلق به کیست؟ فرمود: آن باغ برای آیت الله خانی است. بانو امین پرسیده بودند که جناب آقای خانی! این بزرگوار که ما دیده بودیم، درسشان خیلی شلوغ نبود؛ اما پاداش بیشتری برده اند؟ مرحوم آخوند کاشی در پاسخ فرموده بودند: آری، اما او دو امتیاز بر من داشت: نخست این که او ازدواج کرده بود و من ازدواج نکردم و دیگری این که او از سادات و ذریه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم است و من نیستم. (1)

## ازدواج بی پیرایه و آسان

متأسفانه با وجود مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراوانی که امروزه دامنگیر جامعه شده، امر ازدواج و تشکیل خانواده بر بسیاری از جوانان دشوار گردیده و سبب بالا رفتن سن ازدواج و بروز ناهنجاری های مختلف در بین آنان گشته است. سیره ی پسندیده ی علما و گذشتگان ما بر این بوده که با تسهیل شرایط و سخت نگرفتن بر جوانان، زمینه ی ازدواج آسان و به هنگام آنان را فراهم می کردند.

ص: 16

---

1- «ازدواج جهت یابی افکار انسان» پایگاه اطلاع رسانی مرتضی آقاهرانی شناسه: 10987، 1394/2/5.

علامه محمدتقی مجلسی رحمه الله از افرادی است که دخترش را به سادگی به ازدواج شاگردش ملاصالح که در نهایت فقر زندگی میکرد، درآورد و در این مسأله، تنها ایمان و دیانت او را ملاک قرار داد.

ملاصالح رحمه الله از شاگردان ملا محمدتقی مجلسی رحمه الله بود و در فضل و کمال، شایستگی فراوان داشت پیوسته در درس شرکت میکرد و به پیشرفت زیادی در علم و تقوا دست یافت، تا این که میل به ازدواج پیدا کرد. استادش، از او پرسید که آیا مایل است برایش همسری شایسته پیدا کند؟ و ملا صالح قبول کرد.

ملا محمدتقی وارد منزل شده و دخترش آمنه بیگم - را که در علم و فضیلت و تقوا به حد کمال رسیده بود - خواست و فرمود ای دختر! برای تو شوهری فقیر، ولی با کفایت و فضل و صلاح در نظر دارم، نظر شما چیست؟ دختر در جواب پدر گفت: فقر عیب مرد نیست. مرحوم مجلسی مراسمی گرفت و دختر خود را به عقد ملا صالح درآورد....

آمنه بیگم زنی پرهیزکار و مجتهده بوده است. او کتابی در فقه و احکام دینی تألیف کرد. وی در جمع آوری اخبار بعضی از مجلدات بحارالانوار، به برادرش، علامه محمد باقر مجلسی کمک کرد بعدها نیز شوهرش با همه علم و فضلی که داشت، در حل بعضی از مسائل علمی با وی مباحثه و مذاکره می نمود. (1)

ازدواج آسان و ساده، سنت علمای بزرگ دین است؛ به طوری که همواره می کوشیدند هم در ازدواج خود و هم در ازواج فرزندانشان، آن را مراعات کنند.

برای دخترها که خواستگار می آمد، شهید آیت الله مدنی رحمه الله سه تا نکته را دقت می کردند: یکی تقوای داماد، دیگر اخلاق او و سوم این که خسیس نباشد. تحقیق می کردند و با خانم مشورت می کردند و بعد با مهریه ای اندک،

ص: 17



مقام معظم رهبری دام ظلّه، با تأکید بر ازدواج آسان، جوان ها را به آن سفارش کرده و می فرمایند :

جوان ها وقتی صحبت می شود، می گویند اگر ازدواج کنیم بعدش چه کار کنیم برای خانه، برای شغل؟ اینها همان قیودی است که همیشه جلوی کارهای اصلی و اساسی را میگیرد فرمود: «ان یَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»؛ (2) یعنی خدای متعال اینها را کفایت خواهد کرد ازدواج بکنید و ازدواج در معیشت آنها دشواری خاصی به وجود نمی آورد، بلکه به عکس، خداوند آنها را از فضلش غنی هم می کند. این را خدای متعال فرموده است. بله، ما برای خودمان به قول معروف، به جای خرج، برج درست می کنیم. اضافه های زندگی و نیازهای کاذب به وجود می آوریم. بله، البته مشکل پیش می آید. تقصیر کیست؟ در درجه اول، تقصیر متمکن است. آن کسانی که امکانات دارند، سطوح را بالا می برند، سطوح خواهش ها و توقعات و نیازهای کاذب را بالا می برند. ... این که دخترها بگویند ما هنوز آماده ازدواج نشده ایم، پسرها بگویند ما هنوز عقل زندگی نداریم، حرف های منطقی آن چنانی نیست. در خیلی از مسائل زندگی، ما می بینیم که نه، جوان ها آمادگی هم دارند، خیلی هم خوبند، می فهمند؛ منتهی این ازدواج یک مسئولیت پذیری هم هست. این حس گریز از مسئولیت، مقداری مانع میشود از این که این کار انجام شود. (3)

### آشنایی با واقعیت زندگی طلبگی

طلبه، محصل علوم اسلامی است و علاوه بر این که باید به آموخته ها و دانسته های خود عمل کند، وظیفه دارد آن چه را که آموخته به مردم منتقل

ص: 18

1- نکته هایی از زندگی حضرت آیت الله «مدنی»، ماهنامه امتدادش 36، ص 10 - 14.

2- اگر فقیر باشند، خداوند آنان را از فضل خویش بی نیاز خواهد کرد. (نور، آیه 32)

3- بیانات در اجرای خطبه عقد، 1379/6/28 به نقل از: پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری.

کند. طلبه پس از سال ها تحصیل، یا باید به پژوهش و تفقه در علوم اسلامی و انسانی پردازد و دانشمند و مجتهد شده، از مرزهای اندیشه اسلامی محافظت کند؛ یا به کار تبلیغ و تربیت مشغول شود و مردم را با احکام و معارف اسلامی آشنا سازد و یا در یکی از ارگان ها و نهادهای حکومتی به فعالیت های اجرایی فرهنگی پردازد.

در هر حال، تحصیل بخش مهمی از زندگی طلبگی را تشکیل می دهد که چندین سال طول می کشد و طلاب غالباً پس از طی سطح یک؛ یعنی پس از شش هفت سال از آغاز تحصیل، اقدام به ازدواج می کنند. مهم ترین معیار طلبه ها در انتخاب همسر، تدین و ایمان فرد است و ملاک های دیگر در مراتب بعدی قرار می گیرند. طلبه ای که ازدواج می کند، می کوشد موارد ذیل را در زندگی خانوادگی خود مراعات کند و برای به دست آوردن و ایجاد آنها سخت به تلاش می پردازد و انتظار دارد همسرش نیز در این راه همگام گردد:

1. مبنای زندگی طلاب، بر اساس اخلاق و دین محوری، تکلیف گرایی و مسئولیت مداری است و البته خانواده های ایشان به رعایت این موارد از همه سزاوارتر هستند.

البته معنای این سخن آن نیست که همه ی طلبه ها به طور کامل به تمام خواسته های دین در همه ی عرصه ها از جمله زندگی خانوادگی عمل می کنند، بلکه آنها نیز از جنس همین مردم هستند و مثل همه ی افراد و اقشار جامعه دارای نقاط قوت و ضعف هایی در ایمان، اخلاق و رفتار هستند و به فراخور زحمتی که در کسب معارف دینی و یادگیری علوم اسلامی و تربیت نفس خود

می کشند، دارای مراتب و سطوح مختلف ایمانی و رفتاری هستند و میزان پایبندی شان به دین و رفتار بر اساس آن، می تواند متفاوت باشد.

2. زندگی ساده و بدون تجملات خواسته اکثر طلبه هاست. بنابراین برای کسی که با طلبه ازدواج می کند، توقع داشتن زندگی اشرافی، خانه ی مجلل، لباس های فاخر و گران قیمت و... نابجا است.

3. طلاب عمدتاً به خانواده همسر و فرزندان اهمیت میدهند و به اصطلاح، خانواده دوست هستند. خانواده از نظر آنان بر خویشان و دوستان اولویت دارد و به همین منظور، هرگاه بخواهند به مسافرت تفریحی یا زیارتی بروند، همسر و فرزندان را نیز با خود می برند. اگر پیش از ازدواج، گعده های دوستانه داشته اند، پس از ازدواج، گعده های دوستانه را به گعده های خانوادگی تبدیل می کنند.

4. نشاط و شادابی و تفریح سالم برای خانواده، موجب تمدد اعصاب، همبستگی اعضای خانواده، تولید خاطره های مشترک و استحکام خانواده می شود؛ البته طلبه ها برخلاف بعضی از خانواده ها، ضمن اینکه می کوشند شادابی و تفریح را در خانواده ایجاد کنند، آنها را از تفریح های ناسالم و گناه آلود دور می سازند.

5. تلاش طلبه ها آن است که از لحاظ روحی و جسمی، یک زندگی سالم برای اعضای خانواده فراهم سازند. از این رو می کوشند همسر و فرزندان را از محیط های ناسالم دور سازند تا گرفتار آسیب های اخلاقی و اجتماعی نگردند.

6. برقراری یک رابطه خوب مؤثر و سازنده با همسر، فرزندان و خویشان به سبب آثار و برکات زیاد آن، از اولویت های زندگی طلبگی است. احترام، ادب، محبت و دوست داشتن متقابل نیز به شدت ارزشمند محسوب می شود.

نتیجه سخن این که، ازدواج و زندگی با طلبه از جهاتی با سایر اقشار جامعه متفاوت است و روشن است که این تفاوت ناشی از انتساب آنان به دین، انتظارهای مردم و همچنین به سبب جایگاهی است که در جامعه دارند.

بنابراین، کسانی که مشتاق ازواج با طلبه و در پی زندگی ایمانی هستند، باید پیش از ازدواج، مانند همه مردم، تحقیق کنند و تمام جوانب زندگی با طلبه را از جهت مزایا و محدودیت های آن، خوب بسنجند و با چشمی باز و ناظر به واقعیت های زندگی طلبگی، تصمیم بگیرند.

آقای دکتر غلامعلی حداد عادل در نقل خاطره ای از مقام معظم رهبری دام ظلّه می گوید:

چند روز پس از خواستگاری خانواده ی بزرگوار حضرت آیت الله خامنه ای دام ظلّه از دختر بنده، خدمت مقام معظم رهبری رسیدم ایشان فرمودند: آقای دکتر! اگر خدا بخواهد با هم خویشاوند می شویم. عرض کردم چطور؟ فرمودند: آقامجتبی و دختر خانم شما ظاهراً یک دیگر را پسندیده اند و در گفت و گو به نتیجه رسیده اند. حالا نظر شما چیست؟ عرض کردم: آقا اختیار ما هم دست شماست! آقا فرمودند: شما و همسران استاد دانشگاه هستید و زندگی شما با زندگی ما متفاوت است. تمام زندگی ما غیر از کتاب هایم، یک وانت لوازم کهنه است. خانه ما هم دو اتاق اندرونی دارد و یک اتاق بیرونی که مسئولان می آیند و با من دیدار می کنند. من پولی برای خرید خانه ندارم. خانه ای اجاره کرده ایم که قرار است، در یک طبقه ی آن آقامصطفی و در طبقه ی دیگر آقا مجتبی زندگی کنند. ما زندگی معمولی داریم و شما زندگی خوبی دارید. مثل ما زندگی نکرده اید. آیا دختر شما حاضر است با این وجود زندگی کند؟! زیبایی و دقت سخن رهبر معظم انقلاب برای من بسیار جالب بود. موضوع را به دخترم گفتم و او با روی باز استقبال کرد. (1)

ص: 21

---

1- «نگاهی به سلوک و ساده زیستی مقام معظم رهبری»؛ خبرگزاری تسنیم شناسه خبر: 390623، 1393/3/13.

## آشنایی با محدودیت های ازدواج با طلبه

همان طور که افراد مشهور در جامعه دارای محدودیت هایی هستند و به سبب موقعیت های اجتماعی شان، هر جایی نمی توانند بروند، هر کاری نمی توانند بکنند و هر حرفی را نمی توانند بزنند؛ طلبه ها و روحانیان و خانواده های ایشان نیز با توجه به موقعیت خاص اجتماعی شان و به اقتضای مسئولیت و رسالتی که بر دوش دارند، محدودیت هایی دارند. طلبه ها و روحانیان، از آن جهت نماینده و نمایانده دین هستند، باید بیشتر زندگی خود را با آموزه های دین تطبیق دهند. طبیعی است این انتساب، محدودیت هایی را برای آنها و خانواده شان در جامعه تحمیل می کند.

خداوند متعال همه ی مردم را به زندگی دین مدارانه دعوت می کند و از آنان می خواهد که زندگی خود را با آموزه های دین وفق دهند. این انطباق و عمل به دستورهای دین، به طور طبیعی محدودیت هایی را در پی دارد؛ ولی از طلبه و روحانی که شدت انتسابشان به دین بیشتر است، بیشتر انتظار می رود که به آموزه های دین تعهد و التزام داشته باشند. این مسأله، خانواده ی آنان را نیز شامل می شود. از این روست که خداوند متعال همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ... (1) ای همسران پیامبر، شما مانند هیچ يك از زنان [دیگر] نیستید.

سپس در این آیه و آیه های دیگر، محدودیت هایی را برای زنان پیامبر بر می شمارد که یا باید آنها را مراعات کنند یا از پیامبر طلاق گیرند و دنبال

ص: 22

زندگی دنیایی خود بروند. همسران طلاب و روحانیان به سبب موقعیت

اجتماعی شان، شباهت هایی با زنان پیامبر دارند. همان طور که موقعیت اجتماعی پیامبر برای زنانش محدودیت ایجاد می کند، موقعیت روحانیان نیز برای همسرانشان محدودیت آور است. (1)

البته آن طرف قضیه هم همین طور است:

وَمَنْ يَفْعَلْ مِنْكُمْ خَيْرًا فَلْيَصِلْ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا؛ (2) و هر کس از شما برای خدا و پیامبرش خضوع کند و عمل صالح انجام دهد، پاداش او را دو چندان خواهیم ساخت، و روزی پرارزشی برای او آماده کرده ایم.

یعنی نماز زن پیامبر به طور معمولی دو برابر نماز دیگران اجر دارد و عبادتش دو برابر عبادت دیگران پاداش دارد.

مقام معظم رهبری دام ظلّه در ذیل این آیه ی شریفه می فرماید:

این، خطاب به زن های پیغمبر است. اما زنهای پیغمبر خصوصیتی ندارند؛ خصوصیت زن های پیغمبر، انتصاب به پیغمبر است. من و شما هر کدام انتصاب بیشتر و موقعیت خطیر و ممتازی در جامعه داشته باشیم، همین خصوصیت در ما هم هست. البته نمی گویم دو برابر - این را ادعا نمی کنم - اما با دیگر مردم فرق داریم و من از شما بیشتر. اگر ما خطایی انجام دهیم، خطای ما مثل خطای مردم عادی نیست؛ سنگین تر و سخت تر است. اگر ما خدای نکرده کسی را به وادی ضلالت و گمراهی انداختیم، با عمل مشابه

ص: 23

---

1- البته تمام کسانی که در جامعه دارای موقعیت اجتماعی هستند، ملزم به پذیرفتن محدودیت ها می باشند و میان روحانی، استاد دانشگاه نظامی، پزشک و ... فرقی وجود ندارد. هر کسی به تناسب شغلش، محدودیت هایی دارد؛ ولی بعضی از موقعیت ها حساس بوده و انتظارهای زیادی از آنها وجود دارد.

2- احزاب، آیه 31.

بعضی از محدودیت ها که در زندگی با یک طلبه ممکن است وجود داشته باشد، با استفاده از چند آیه به صورت مختصر توضیح داده می شوند.

1. پرهیز از دنیاگرایی: خداوند زنان پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را از دنیاگرایی پرهیز می دهد و می فرماید اگر خواهان دنیا و زینتهای آن هستید، از پیامبر جدا شوید. جدایی از پیامبر، به معنای جدا شدن از موقعیت اجتماعی پیامبر و قرار گرفتن در موقعیت اجتماعی دیگر است. چون در موقعیت دیگر، انتساب به پیامبر از بین رفته آن محدودیت نیز وجود ندارد.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأَسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا. (2) ای پیامبر به همسرانت بگو اگر خواهان زندگی دنیا و زینت آنید، بیایید تا مهرتان را بدهم و [خوش و] خرم شما را رها کنم.

به دنبال کسب غنایم جنگی به وسیله ی مسلمانان، همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به توسعه ی زندگی رو آوردند و از آن حضرت، وسایل و امکانات رفاهی طلب کردند. رسول خدا با خواسته ی آنان مخالفت کرد و به مدت یک ماه از آنان فاصله گرفت تا آیات مورد بحث نازل شد.

این آیه بیان می دارد که رهبران جامعه، حتی در صورت داشتن امکانات رفاهی، باید ساده زندگی کنند و الگوی تهی دستان باشند. همسر مقام معظم رهبری دام ظلّه می گوید:

سال هاست که ما اشیای تجملاتی را به خانه مان راه نداده ایم. زیبایی خوب است؛ اما نباید خودمان را درگیر زندگی تجملاتی بکنیم. ما در خانه مان

ص: 24

---

1- بیانات در دیدار جمعی از مداحان ، 1384/05/05.

2- احزاب، آیه 28 و

دکوراسیون به معنای متداول آن، فرش ها و پرده های قیمتی، مبلمان و غیره نداریم. سال ها پیش خودمان را از این چیزها رها کرده ایم. والدین آقای خامنه ای در این رابطه سرمشق ما بوده اند و مادر ایشان چنین تجملاتی را مورد انتقاد قرار می دادند و من نیز همین عقیده را دارم. همیشه به فرزندانمان توصیه می کنم که آنها هم باید در رفتار شخصی شان این گونه باشند؛ زیرا اشیای لوکس، غیر ضروری می باشد.

(1)

2. پرهیز از رفتارهای نامتناسب با جایگاه مناسب است همسران طلاب و روحانیان در ارتباط با نامحرمان و در انظار عمومی، از صحبت غیر ضروری، آشکار کردن زینت ها، آرایش کردن، پوشیدن لباس های تنگ و نامناسب و براساس مد روز و امثال اینها بیش از سایر زنان پرهیزند و به طور کلی از رفتارهایی که خلاف شأن روحانیت، است، دوری کنند.

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ ... (2) ای همسران پیامبر! شما مانند هیچ یک از زنان دیگر نیستید. اگر سر پروا دارید، پس به ناز سخن مگویید.

احتمال دارد بعضی از روحانیان، به سبب موقعیت های علمی، شغلی و خانوادگی، از امکانات رفاهی خوبی برخوردار باشند و همسران آنها بخواهند اشرافی زندگی کنند؛ ولی این کار آنها به دلیل توصیه های دین به زندگی ساده، سیره معصومین علیهم السلام، رعایت حال عموم مردم و به ویژه تهی دستان و انتظارهای مردم از روحانیت، توجیه ناپذیر است.

زندگی در خانه های مجلل تعویض سالانه اثاث و مبلمان منزل، خرید

ص: 25

---

1- تبریزی، خانواده و وظایف مبلغان دینی مجله مبلغان، 1382، ص 98؛ برگرفته از مجله محبوبه (نشریه ای به زبان انگلیسی برای خارج از کشور)، 1372.

2- احزاب، آیه 32.



بیش از اندازه‌ی لباس‌های نوگران قیمت و مد روز و تعویض زود هنگام آنها، اهمیت دادن بیش از حد به لوازم دکوری خانه، خرید ماشین‌های گران قیمت و سایر موارد، از زی طلبگی به دور است و پیامدهای منفی جبران ناپذیری دارد.

3. اولویت داشتن در رعایت آداب و اخلاق اسلامی: همسران روحانیان نسبت به انجام رفتارهای اخلاقی و آداب اسلامی و مناسب‌شان روحانیت اولویت دارند. رعایت احکام اسلامی، اهمیت دادن به نماز اول وقت، احترام به همسر، بزرگترها و خویشان، رعایت نظافت و تمیزی، خیرخواهی و... از جمله‌ی این رفتارها است. مردم، نه تنها از روحانیان، بلکه از خانواده‌ی آنان به ویژه همسرانشان انتظار دارند الگوی زنان جامعه باشند. همان‌طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نخست خانواده و نزدیکان خود را به اسلام دعوت کرد، یا دخترشان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام وقتی برای درخواست کنیز به پدرشان رجوع کرد تا کمک حال او در خانه باشد؛ ولی پیامبر توجه او را به آخرت جلب نمود؛ روحانیان و همسران آنان نیز چنین وظیفه‌ای دارند.

4. برخلاف دیدگاه نادرست بعضی از مردم اکثر طلبه‌ها و روحانیان، زندگی ساده و زاهدانه دارند و به علت تحصیل و به ویژه در اوایل زندگی مشترک از مشکلات مالی رنج می‌برند؛ ولی این مشکلات به تدریج با انجام دادن فعالیت‌های علمی تبلیغی و اجرایی کمتر می‌شود.

5. محدودیت دیگر، مربوط به هجرت تحصیلی یا تبلیغی طلبه‌ها است که گاهی همسران آنان را رنج می‌دهد. اگر طلبه‌ای به دور از شهر خود به

تحصیل می پردازد و پس از ازدواج همسرش را نیز به آن شهر می برد؛ ممکن است غم غربت و دوری از پدر و مادر و بستگان همسر را اذیت کند یا سفرهای تبلیغی کوتاه مدت چند روزه تا یکی دو ماهه به بعضی از مناطق شهری و روستایی دوردست، موجب دوری از خانواده و همسر گردد. البته اگر همسر طلبه همه ی این سختیها را در راه خدا تحمل کند، اجر و پاداش زیادی نزد خداوند خواهد داشت و در اجر فعالیت های علمی و فرهنگی همسرش شریک خواهد بود.

6. همسر طلبه همانند خود طلبه باید بپذیرد که جزئی از خانواده ی بزرگ روحانیت شده و احتمال دارد بر اثر سختی های زمانه و تبلیغات سوء و ناروای دشمنان در تیررس نیش و کنایه ها، ناسزاهای، نگاه های بدبینانه و رفتارهای زشت دیگران قرار گیرد. تحمل این سختی ها در راه خدا، پذیرش همسری طلبه را آسان کرده و از او شیرزنی خواهد ساخت که همانند زنان صدر اسلام و انقلاب اسلامی در راه اسلام و انقلاب جان فشانی کنند و روشنگر راه برای سایر دختران و زنان باشند.

ص: 27







انسان مجموعه ای از توانایی ها و استعدادهای فراوانی است که در طول زندگی باید به فعلیت و شکوفایی برسند خودسازی، فراهم آوردن زمینه های پرورش استعدادهای درونی و به ظهور و فعلیت رساندن امکانات بالقوه ای است که خدای متعال در فطرت انسان قرار داده است تا در نتیجه ی آن، به کمال حقیقی نایل و از لذت سعادت در دنیا و آخرت برخوردار گردد.

منظور از خودسازی و به طور کلی پرداختن به خویش، شکل دادن و جهت بخشی به فعالیت های حیاتی و تصحیح و تقویت انگیزه ها، در نظر گرفتن مقصد نهایی و سوگیری فعالیت ها برای قرب به خداوند است. (1)

پرورش استعدادها از طریق علم آموزی و کسب معارف و نیز تربیت معنوی خود (با عبادت و پرستش) به دست می آید. وظیفه ی هر کسی است که با کسب معارف الهی و رشد معنوی خود، برای رسیدن به سعادت حقیقی تلاش کند و ضرورت این امر برای همسران طلبه ها و روحانیان از هر قشر دیگری آشکارتر است. بنابراین آنان برای همگامی با شوهرانشان، لازم است به ارتقای علمی و معرفتی، اخلاقی و معنوی و مهارت های زندگی اقدام کنند.

ص: 31

طلبه ها پس از سال ها تحصیل در حوزه و بهره گیری از اساتید و از جمله اساتید اخلاق، خود را از لحاظ علمی و معنوی رشد می دهند و سپس به ازدواج اقدام می کنند. برای داشتن زندگی مشترک موفق، تناسب سطح فکری زوجین ضروری است و تا افق فکری آنها به هم نزدیک نباشد، خانواده از استحکام و پایداری لازم برخوردار نخواهد شد تا چه رسد به اینکه چنین خانواده ای بتواند در سطح جامعه برای دیگران الگو نیز باشد یا فرزندانی صالح و مؤمن تربیت کرده و به جامعه تحویل دهد.

ارتقای سطح فکری، مستلزم علم آموزی (1) و کسب معرفت (2) می باشد. اگر همسر طلبه، چه پیش از ازدواج یا پس از آن نتواند خود را از لحاظ فکری ارتقا دهد، به تدریج زبان هم دیگر را درک نخواهند کرد و میان آنها فاصله عاطفی و آنگاه جدایی ایجاد خواهد شد. بنابراین همسر طلبه اگر از لحاظ علمی و معرفتی در سطح پایینی قرار دارد، باید بکوشد از راه های ممکن، علم و معرفت خود را ارتقا داده و هم افق همسر خویش گردد یا این که خود طلبه آموزش های دینی را به همسر یاد دهد. همسر حضرت امام خمینی قدس سره در خاطرات خویش می گوید:

یک سال بعد از گرفتن تصدیق ششم، به دبیرستان بدریه رفتم و کلاس هفتم را خواندم. دو ماه بعد از اینکه کلاس هشتم را شروع کردم، برای فرانسه معلم گرفتم. ... پدرم که از قم به تهران آمدند، «جامع المقدمات» (3) را مدتی پیش

ص: 32

---

1- علم در اینجا به معنای داشتن تحصیلات رسمی و کسب آگاهی ها و مهارت های مربوط به زندگی است.

2- به معنای داشتن آگاهی و شعور و فهم لازم از طریق تجربه های زیستی است.

3- جامع المقدمات شامل چند کتاب درباره صرف و نحو عربی است که طلاب در سال اول طلبگی، شروع به خواندن آن می کنند.

ایشان خواندم. بعد از ازدواجم امام به من تعلیم می دادند. پس از مدتی به من گفتند که به من چون با استعدادم، احتیاج به تعلیم ندارم و شروع کردند به تدریس جامع المقدمات. همه درس های جامع المقدمات را خواندم. البته سال اول «هیئت» خواندم و بعد از آن، شروع به خواندن جامع المقدمات کردم. دو بچه داشتم که «سیوطی» (1) را شروع کردم و وقتی سیوطی تمام شد، چهار بچه داشتم. وقتی بچه چهارم ... به دنیا آمد، دیگر وقت مطالعه و درس خواندن نداشتم؛ ولی ایشان «شرح لمعه» (2) را شروع کردند. (3)

از امور ضروری که همسران طلاب باید به آنها اهتمام بورزند و آگاهی و دانش خود را افزایش دهند، عقاید، احکام (به ویژه احکام ویژه بانوان)

و معارف اسلامی است. امروزه با وجود اینترنت، شبکه های اجتماعی، لوح های فشرده، کتاب های متعدد و روشهای گوناگون دیگر، بهانه ای برای ندانستن عقاید و احکام وجود ندارد. کسب آگاهی های لازم، نخست برای خود همسران سودمند است و در مرحله ی بعد، سایر بانوان می توانند پرسش های خود را از آنان پرسند.

ص: 33

---

1- کتاب «البهجه المرضیه فی شرح الفیه بن مالک»، نوشته عبدالرحمن بن ابوبکر سیوطی مشهور به کتاب «سیوطی»، درباره علم نحو به زبان عربی است. این کتاب در سال دوم طلبگی خوانده می شود.

2- کتاب فقهی «الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة»، نوشته زین الدین جبل عاملی (911-966 ق) معروف به شهید ثانی که هم اکنون یکی از کتاب های درسی حوزه است.

3- ستوده، پایه پای آفتاب، ج 1، ص 51.



شهید آیت الله قدوسی رحمه الله چنین دیدگاهی داشته است. همسر ایشان میگوید:

شهید قدوسی نخستین کسی بود که مکتب توحید (1) را علی رغم مخالفت بسیاری از بزرگان حوزه راه اندازی کرد و معتقد بود زنان برای رشد بهتر آینده ی جامعه، باید به مسائل دینی خصوصاً نهج البلاغه اشراف داشته باشند. (2)

مقام معظم رهبری دام ظلّه نیز درباره ی اهمیت توجه به رشد معرفتی و اخلاقی بانوان می فرماید:

اولاً فکر رشد زنان از لحاظ معنوی و اخلاقی، بایستی یک فکر رایج در میان خود زنان باشد. خود بانوان باید بیشتر به این مسأله بیندیشند. خود آنها به معارف، به معلومات، به مطالعه و به مسائل اساسی زندگی رو کنند. همان تربیت غلط غربی موجب شد که در دوران حکومت طاغوت در این کشور، زنان به آرایش، تجملات، زینت های بی خودی، تبرج و خودنمایی تمایل پیدا کنند؛ که این هم از نشانه های مردسالاری است. یکی از نشانه های مردسالاری غربی ها همین است که زن را برای مرد می خواهند؛ لذا می گویند زن آرایش کند، تا مرد التذاذ ببرد! این مرد سالاری است؛ این آزادی زن نیست؛ این در حقیقت آزادی مرد است. می خواهند مرد آزاد باشد، حتی برای التذاذ بصری؛ لذا زن را به کشف حجاب و آرایش و تبرج در مقابل مرد تشویق می کنند! البته این خودخواهی را بسیاری از مردان در جوامعی که از دین خدا بهره مند نبودند، از دوران های قدیم هم داشتند، امروز هم دارند. غربی ها هم مظهر اعلا ی این بودند. پس، این مسأله که زن به سمت معرفت، علم، مطالعه، آگاهی، کسب معلومات و معارف حرکت کند، باید در میان خود بانوان خیلی جدی گرفته

ص: 34

---

1- از فعالیت های آیت الله قدوسی برای آشنایی بانوان با اعتقادات و مبانی فکری اسلام، تأسیس «مکتب توحید» در سال 1352 ش بود. مکتب توحید در طول سالهای پیش از انقلاب با آموزش اسلامی به زنان توانست نیروهایی را تربیت کند که در بسیج زنان برای تحقق انقلاب نقش داشتند. بعد از انقلاب این مرکز تبدیل به حوزه علمیه خواهران شد (گلشن ابرار، ج 2، ص 833)

2- خبرگزاری رسمی حوزه شناسه خبر 355816، 1394/05/15.

شود و به آن اهمیت بدهند.

اگر کشور بتواند جامعه‌ی زنان را با تکیه بر تعلیمات اسلامی، با همان معارفی که اسلام خواسته است، آشنا کند، من تردیدی ندارم که پیشرفت و ترقی و تعالی کشور مضاعف و چند برابر خواهد شد. در هر میدانی که بانوان مسئولانه وارد شوند، پیشرفت در آن میدان چند برابر خواهد شد. خصوصیت حضور خانم‌ها در میدان‌های مختلف این است که وقتی زن خانواده وارد میدان می‌شود، یعنی همسر و فرزندان او هم واردند. حضور مرد به این معنا نیست، اما حضور زن به این معناست. در هر میدانی که زن وارد شود - زنی که خانم کدبانوی یک خانه است - در حقیقت همه آن خانه را در آن میدان وارد می‌کند. حضور زنان در بخش‌های مختلف بسیار مهم است. (1)

## تقویت مبانی اعتقادی

نخستین گام در تقویت دینداری و مؤمن شدن، ارتقای سطح مبانی

اعتقادی است. منظور از مبانی اعتقادی همان اصول دین (توحید، عدل، نبوت امامت و معاد) است که هر کسی باید با دلیل آنها را بپذیرد و ایمان داشته باشد. توحید پایه‌ی تمام مسائل اعتقادی است و تا این مشکل حل نشود، رفتار انسان‌ها مشرکانه خواهد بود.

زنانی که از هویت فکری مستقل خویش آگاهند و ساختار اعتقادی خود را بر پایه‌ی آگاهی و تحقیق بنا نموده‌اند، در یافتن حقیقت از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزند و پس از رسیدن به آن، بی‌درنگ قلب و دل را به آن می‌سپارند، به آسانی در برابر باورهای نادرست تسلیم نمی‌شوند و در دفاع از مبانی اعتقادی خویش، از خطرهای استقبال می‌کنند و تا پای جان از آن دست برنمی‌دارند.

ص: 35

---

1- بیانات در دیدار با جمعی از زنان، 1376/07/30 به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری.

نمونه بارز این استقامت، آسیه همسر فرعون است که وقتی فرعون از ایمان او آگاه شد، بارها او را نهی کرده و اصرار داشت تا از آیین موسی علیه السلام دست بردارد و خدای او را رها کند؛ ولی این زن با اعتقادی راسخ، هرگز تسلیم خواسته ی فرعون نشد تا سرانجام فرعون دستور داد در زیر آفتاب سوزان، دست و پای او را با میخ ها ببندند و سنگ عظیمی بر سینه اش بیفکنند. اما این زن راست قامت و مقاوم، هنگامی که آخرین لحظه های عمر خود را می گذراند، دعایش این بود: «رَبِّ اِنَّ لِيْ عِنْدَكَ بَيِّنًا فِي الْبَحْتِ وَ نَجْنِيْ مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجْنِيْ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِيْنَ» (1) پروردگارا! برای من خانه ای در بهشت در جوار خودت بنا کن؛ و مرا از فرعون و کردار او نجات بده و از قوم ستمگر رهایی بخش». (2)

وقتی انسان در عمل، خود را به خدا سپرد و هر چیزی را از او دانست، آنگاه تحمل سختی ها بسیار آسان خواهد شد؛ چراکه می داند همه چیز نزد اوست و از بین نخواهد رفت. (3) تسلیم محض در برابر خداوند، همان بنده ی او شدن است و حضرت خدیجه علیها السلام چنین بینش توحیدی داشت و در عمل آن را به ظهور رساند؛ به طوری که سال ها پس از رحلت حضرت خدیجه علیها السلام، زمانی که می خواستند خبر خواستگاری علی علیه السلام از فاطمه علیها السلام را به پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم بدهند و یادی از حضرت خدیجه شد، چشمان حضرت پر از اشک شد و زمانی که ام سلمه از علت گریه اش پرسید، فرمود:

خَدِيْجَه وَ اَيْنَ مِثْلَ خَدِيْجَهَ؟ صَدَّقْتَنِيْ حِيْنَ يَكْذِبُنِي النَّاسُ وَاَيْدَتْنِي عَلَي دِيْنِ اللّٰهِ

ص: 36

- 
- 1- تحریم، آیه 11.
  - 2- حسین خانی، تربیت الگویی زنان در قرآن ص 34-35.
  - 3- مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ بَاقٍ.... آن چه پیش شماست، تمام می شود و آن چه پیش خداست، پایدار است. (نحل، آیه 96)

وَاعَانَتَنِي عَلَيْهِ بِمَالِهَا إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَمَرَنِي أَنْ أَبَشِّرَ خَدِيجَةَ بِنَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصْرِ الزُّمُرْدِ لَا صَعْبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ؛ (1) خدیجه و ککجاست مثل خدیجه؟ زمانی که مردم تکذیب کردند مرا تصدیق کرد بر دین خدا یاری ام کرد و با مالش به کمک شتافت. خدا به من فرمان داد تا او را به قصری زمردین در بهشت که سختی و محنتی در آن نیست، بشارت دهم.

و دلیل این همه عشق و محبت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به حضرت خدیجه علیها السلام را در نوع نگرش وی به ازدواج با پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می توان یافت، آنجا که می گوید:

يَا بَنَ عَمِّ إِنِّي رَعَبْتُ فِيكَ لِقَرَابَتِكَ وَ سَعَلْتِكَ فِي قَوْمِكَ وَ أَمَانَتِكَ وَ حُسْنِ خُلُقِكَ وَ صِدْقِ حَدِيثِكَ؛ (2) ای پسر عمو! من به خاطر خویشاوندی، شرافت تو در بین مردم، امانت داری، خوش خلقی و راستگویی ات به تو تمایل پیدا کردم.

نگرش توحیدی، چه در زندگی و چه در از دست دادن عزیزان می تواند خود را نشان دهد. همسر شهید قدوسی رحمه الله درباره ی شهادت همسرش آیت الله شهید قدوسی و فرزند شهیدش محمد حسن قدوسی چنین بیان می دارد:

تحمل فقدان چنین کسی [شهید قدوسی]، خاصه پس از 26 سال زندگی مشترک، برای انسان دشوار است. لکن من از همان ابتدا از خدا صبر و شکیبایی خواستم و خدای بزرگ نیز در این مورد کمک و لطف خود را از من دریغ نکرد و واقعاً صبر به من عطا کرد. من به راستی احساس می کنم که در این مدت، به خدا بیش از پیش نزدیک شده ام. اکنون نه تنها از فقدان این دو ناراحت و پشیمان نیستم، بلکه از این که بهترین چیزهایم را در راه خدا داده ام، خوشحالم؛ و اگر اینها دوباره زنده شوند و بخواهند به این راه بروند و دوباره شهید شوند برایم کوچک ترین ناگواری و ناراحتی نخواهد بود. (3)

ص: 37

1- قمی، سفینه البحار، ج 1، ص 381 .

2- ابن هشام، سیره نبوی، ج 1، ص 201 و طبری، تاریخ طبری، ج 1، ص 521 .

3- گفت وگو با نجمه السادات طباطبایی (همسر شهید آیت الله قدوسی)، نشریه شاهد یاران، ش 38، ص 76.

کسی که به خداوند ایمان دارد و در برابر او امر الهی تسلیم است و اراده‌ی خود را به اراده‌ی او گره زده و هر آن چه می‌خواهد به آن عمل می‌کند، دارای مقام رضا است. این مقام ناشی از معرفتی است که فرد نسبت به پروردگار خود دارد و رضایت الهی را بر رضایت خود ترجیح می‌دهد.

یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی مادر حضرت موسی علیه السلام، تسلیم محض بودن او در برابر حق و اطاعت بی‌چون و چرا از دستورهای الهی است. او هنگامی که با الهام از سوی خداوند، دریافت که باید موسی را در صندوقی قرار داده و به دریا افکند، با دلی آرام و اعتمادی کامل به خدا، دست به این کار خطرناک زد، با این که خدا به او گفته بود که کسی او را از آب می‌گیرد که دشمن خدا و آن طفل است و این احتمال بسیار قوی بود که حتی اگر در دریا غرق نشود، گرفتار فرمانروای ستمگری شود که هزاران نوزاد بی‌گناه را برای نابود ساختن او از بین برده است؛ (1) ولی این زن، مطمئن به وعده‌ی الهی، بدون هیچ‌گونه اضطرابی، به فرمان خدا عمل نمود و فرزند دلبندهش را به دریا افکند و با دلی سرشار از سکینه و آرامش، منتظر ماند تا وعده‌ی

الهی به تدریج تحقق پذیرد. (2)

این حالت، شبیه اطاعت حضرت ابراهیم علیه السلام از فرمان الهی در ذبح کردن فرزندش اسماعیل است که با دلی مطمئن و ایمانی سرشار، اقدام به قربانی کردن

ص: 38

---

1- بقره، آیه 49.

2- «وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِعًا إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَّنَا عَلَيَّ قَلْبُهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ و دل مادر موسی [ از هر چیز جز از فکر فرزند] تهی گشت. اگر قلبش را استوار نساخته بودیم تا از ایمان آورندگان باشد، چیزی نمانده بود که آن راز را افشا کند. (قصص، آیه 10)

او نمود و در واقع، نفس خود را در برابر رضای الهی به قربانگاه عشق برد. (1)

همسر شهید آیت الله محمد باقر صدر رحمه الله می گوید:

شهید صدر برای درس و نوشتن و مباحثه پشتکار فراوانی داشت. یک مدت، هر شب شهید به منزل آیت الله خویی می رفت. یکی از شب ها هوا بسیار سرد بود و سید نیز مریض شده بود. من از ایشان خواهش کردم که آن شب به مباحثه نرود و در خانه استراحت کند تا بهبود یابد؛ اما در جواب خواسته ی من گفت: قرآنی بیاور تا استخاره کنم [وقتی استخاره گرفت] آیه شریفه ی «إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُنُوا إِنِّي نَارٌ أَلْعَلِّي ءَاتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدُ عَلَى النَّارِ هُدًى» (2) آمد؛ رو به من کرد و گفت: حالا رو به من کرد و گفت حالا چی بروم یا نروم؟! من جواب دادم: بروید خدا نگهدارتان باشد! (3)

همسر شهید آیت الله سعیدی رحمه الله نیز می گوید:

... يك وقت می دیدی شب، نصفه شب، مأموران می ریختند توی خانه. گلایه کردم که چندتا بچه داریم، شما هم يك کمی رعایت کنید و خلاصه حسابی درد دل کردم خدا رحمت کند آقای سعیدی هیچ چی نگفتند و فردا صبح آمدم صبحانه درست کنم دیدم آقای سعیدی دارند لبخند می زنند. پرسیدم: قضیه از چه قرار است؟ گفتند: شما که می گوئید چرا این کارها را می کنی، دیشب خواب دیدم مجلسی برگزار شده. اسم يك آقای را هم گفتند که الآن یادم نمی آید. خلاصه ایشان گفت که: این آقا گفت: سعیدی! بیا پهلوی من بنشین. من رفتم پهلویشان نشستم و ایشان گفتند: سعیدی! من دیشب حضرت امام حسین را در خواب دیدم که به من فرمودند به سعیدی پیغام بده که با ما باش، ما از تو نگهداری می کنیم آقای سعیدی گفتند:

ص: 39

---

1- ابراهیم هلال، من بطولات المرأة في القرآن الكريم، ص 23 .

2- هنگامی که آتشی، دید پس به خانواده خود گفت درنگ کنید؛ زیرا من آتشی دیدم. امید که پاره ای از آن برای شما بیاورم یا در پرتو آتش راه [خود را باز] یابم. (طه، آیه 10)

3- گفت وگو با سیده فاطمه صدر (همسر شهید آیت الله سید محمد باقر صدر)، شاهد یاران ش 18، 1386، ص 35 .

ببینید! امام حسین به من بی لیاقت بگویند از تو نگه داری می کنیم و من کاری نکنم؟ من گفتم دیگر حرفی نمیزنم و هر کاری را که صلاح می دانید، بکنید». از آن روز به بعد دیگر هیچ چی نگفتم. (1)

مجاهد نستوه سید حسن نصر الله در جریان شهادت فرزندش سیدهادی، می گوید:

صبح فردای آن روز من به مادرش گفتم: «سید هادی در عملیاتی شرکت کرده و تماس ما با او قطع است. ممکن است به شهادت رسیده باشد یا اسیر شده باشد؛ البته شاید هم برگردد. شما در جریان باشید. ایشان هم وقتی این را شنید، گفت: بسیار خوب من دعا میکنم که یا برگردد یا شهید شود؛ ولی به دست صهیونیست ها نیفتد؛ چرا که اسارت او پیروزی بزرگی برای دشمن خواهد بود و ممکن است از آن برای تخریب روحیه ی حزب الله و مجاهدان سوء استفاده کنند. البته من برای شهادت فرزندم دعا می کنم. دو سه ساعت بعد، خبر شهادت سید هادی را به او دادم. (2)

مادر سید محمدهادی در پاسخ به این سؤال که آیا به هنگام تنهایی در خانه، برای فرزندش گریه می کند یا نه؟ می خندد و می گوید: «تاکنون گریه نکرده ام و تظاهر به گریه هم نمی کنم. صبر و شکیبایی نعمتی ارزشمند است که خداوند به من ارزانی داشته است. از خدا می خواهم که این نعمت را از من دریغ نکند.»

فاطمه یاسین، همسر سید حسن نصرالله با افتخار چنین بیان می کند:

گمان می کنم در تربیت فرزندم موفق بوده ام. با شهادت او بهره مند شدم. زیان نکرده ام و بی تردید روز قیامت، نزد اهل بیت علیهم السلام از من شفاعت خواهد کرد. این دنیا گذرگاه آخرت است و هادی راه را کوتاه کرد.

ام هادی در برابر نگاه های خیره و پراستفهام دیگران می کوشد آنان را متقاعد کند که به احساسات و عواطف خود اجازه نمی دهد بر او چیره شوند. او چنین می گوید:

ص: 40

- 
- 1- گفت و شنود با خدیجه طباطبایی (همسر شهید آیت الله سعیدی)، شاهد یاران، ش 32، ص 62.
  - 2- روایت سید حسن نصرالله از شهادت پسرش خبرگزاری فارس شناسه خبر: 797، 1393/06/24.

هنگامی که احساسات بر من هجوم می آورند، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و صحنه ی وداع حضرت زینب علیها السلام در کربلا را به یاد می آورم. حضرت زینب با از دست دادن برادران و اهل بیتش، اراده اش را از دست نداد. او در برابر فاجعه ی کربلا صبر و شکیبایی نشان داد. من فقط یک فرزندم را از دست داده ام و در مقابل این بزرگان چیزی نیستم. باید از این عزیزان الگو بگیریم.

وی در واکنش به اسارت پیکر فرزندش سیدهادی توسط نظامیان صهیونیست می گوید:

این پیکر هم مانند اجساد سایر شهیدان مقاومت است. تفاوتی میان آنان نیست. من نیز مادری چون مادر سایر شهیدان هستم. در اخبار شنیده ام که دشمن پیشنهاد مبادله پیکر فرزندم با اجساد نظامیان صهیونیست را کرده که در جریان عملیات ناکام «انصاریه» در لبنان مانده اند. او کور خوانده است و باید پیکر همه شهیدان را بدهد و اسیران را آزاد کند. تنها یک پیکر را قبول نداریم و تسلیم پیشنهادات وقیحانه اشغالگران نمی شویم.

بانو فاطمه یاسین بر تصمیم خویش برای ادامه ی راه شهید سیدهادی

نصر الله و فراهم نمودن زمینه ی پیوستن پسر دوم خود سید محمد جواد نصرالله به گروههای مقاومت تأکید دارد. (1)

فاطمه دختر شهید عماد مغنیه در مورد مادرش می گوید:

مادر من یک زن فوق العاده است. خبر شهادت بابا که رسید، رفت و دو رکعت نماز خواند. همه ی ما را مامان آرام کرد. بدون اینکه حرفی مستقیم به ما بزند، وقتی دید در مواجهه با پیکر بابا بیتاب شده ایم، خطاب به بابا گفت: «الحمد لله که وقتی شهید شدی، کسی خانواده ات را به اسارت نگرفت و به ما جسارت نمی کند!» همین یک جمله ما را آن قدر خجالت داد که آرام شدیم.

ص: 41



بعد خودش رفت و وقتی مراسم تشییع برگزار می شد، یک ساعت در قبری که برای بابا آماده کرده بودند، ماند و قرآن و زیارت عاشورا خواند.

خبر شهادت [برادرم] «جهاد را هم که شنید، همین طور. دلم سوخت وقتی دیدمش؛ مثل بابا شده بود. خون ها را شسته بودند، ولی جای زخم ها و پارگی ها بود؛ جای کبودی و خون مردگی ها. تصاویر شهادت بابا و «جهاد» با هم یکی شده بودند و یک لحظه به نظرم رسید من دیگر نمی توانم تحمل کنم. باز مادر غیر مستقیم من و مصطفی را آرام کرد. وقتی صورت جهاد را بوسید و گفت: «بین دشمن چه بلایی سر جهادم آورده. البته هنوز به اربا اربا نرسیده». باز خجالت آرامان کرد. (1)

## ب) ارتقای اخلاقی و معنوی

### اشاره

در زمینه ی مسائل معنوی، زنان جزو پیشگامان حرکت معنوی انسان به سوی پیشرفت ها هستند. در قرآن وقتی می خواهد برای انسانهای مؤمن مثال بزند، از یک زن مثال می زند و می فرماید: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةٌ فِرْعَوْنَ». (2) آن جایی که بحث ایمان و اسلام و صبر و صدق و مجاهدت در راه به دست آوردن ارزش های انسانی و اسلامی و معنوی است می فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ». (3) در این آیه، ده عنوان برای ارزش های معنوی ذکر می شود: اسلام، ایمان، قنوت، صدق، صبر، خشوع و ... که زن و مرد در این میدان، دوش به دوش هم حرکت می کنند و پیش می روند.

ص: 42

1- پایگاه اطلاع رسانی افسران شناسه خبر: 1009832 ، 1394/4/27.

2- و برای کسانی که ایمان آورده اند خدا همسر فرعون را مثل آورده... (تحریم، آیه 11)

3- مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان عبادت پیشه و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکیبا .... (احزاب، آیه 35).

این بتِ مردگرایی را که در جاهلیت همیشه به وسیله ی مردان و حتی به وسیله ی زنان پرستیده می شد اسلام در این آیات می شکند. در میدان مسائل سیاسی و اجتماعی بیعت زن را یک امر لازم و یک مسأله ی زنده معرفی می کند. (1)

زنان در کسب ارزش های انسانی و اسلامی، هم دوش مردان هستند و از این جهت، هیچ تمایزی میان آنان نیست و هر که از زن و مرد، با تقواتر باشد، نزد خداوند کرامت و ارزش بیشتری دارد بنابراین همسران طلاب نسبت به خطاب آیه، نزدیک تر از زنان دیگر هستند و لازم است در نسبت به کسب ارزش های اخلاقی و معنوی اقدام کرده و در زندگی خود به کار برند.

برای کسب ارزشهای اخلاقی و معنوی انجام دادن امور زیر پیشنهاد می شود:

## 1. قرائت قرآن

سبک زندگی اسلامی اقتضا دارد که یک مسلمان در زندگی خود، روزانه با قرآن مأنوس شود و درمان دردهای اخلاقی و معنوی خود را در آن بیابد؛ چرا که خود قرآن فرمود: **يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ**؛ (2) ای مردم به یقین برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی و درمانی برای آن چه در سینه هاست و رهنمود و رحمتی برای گروندگان [به خدا] آمده است. انس با قرآن مسأله ای است که بزرگان دین، همواره به آن اهتمام داشته اند

ص: 43

---

1- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از بانوان به مناسبت میلاد حضرت زهر علیها السلام، 1379/06/30؛ به نقل از زن و بازیابی هویت حقیقی، ص 60.

2- یونس، آیه 57 .

و توصیه می کردند که به طور حتم، روزانه آیه هایی از آن قرائت شود. امروزه با وجود گوشی های همراه و شیوع فراگیر آن میان مردم، وقت زیادی صرف گشت و گذار در اینترنت و شبکه های اجتماعی می شود؛ ولی با این حال، امکاناتی نیز برای خواندن قرآن فراهم آمده است و بهتر است در طول روز، زمانی برای قرائت قرآن اختصاص داده شود. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:

قرآن، پیمان خدا با بندگانش است؛ پس برای انسان مسلمان سزاوار است که در پیمانش نظر افکنده و در هر روز پنجاه آیه از آن بخواند. [\(1\)](#)

انس با قرآن و خواندن آن، تأثیرهای زیادی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی دارد. این تأثیر در قلب و روح فرد، در تربیت فرزندان و در زندگی خانوادگی ملموس و مشهود می باشد. براساس روایاتی، خواندن قرآن، کفاره گناهان، [\(2\)](#) بارور شدن ایمان، [\(3\)](#) گفت وگو با خداوند، [\(4\)](#) نورانی شدن منزل، [\(5\)](#) زدودن زنگار از قلب [\(6\)](#) و... را در پی دارد.

مقام معظم رهبری دام ظلّه درباره ی مادر مکرّمه شان می فرمایند:

پدر و مادرم، پدر و مادر خیلی خوبی بودند. مادرم یک خانم بسیار فهمیده،

ص: 44

---

1- کلینی اصول کافی، ج 4، ص 590.

2- همان، ص 592.

3- امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند بارور شدن ایمان به خواندن قرآن است. (تمیمی آمدی غرر الحکم و دررالکلم ص 552، ح 8193)

4- پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: هر که دوست دارد با خدایش سخن بگوید قرآن بخواند. (متقی هندی، کنز العمال، ج 21، ص 510، ح 2257)

5- پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: خانه هایتان را با تلاوت قرآن نورانی کنید.... (مجلسی، بحارالانوار، ج 89، ص 200)

6- پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: بدون شک این دل ها زنگار می گیرند، همچنان که آهن زنگ می زند. عرض شد: صیقل آن به چیست؟ فرمود: قرائت قرآن. (راوندی، الدعوات، ص 237)

با سواد، کتاب خوان، دارای ذوق شعری و هنری، حافظ شناس - البته حافظ شناس که می‌گوییم، نه به معنای علمی و این‌ها؛ به معنای مأنوس بودن با دیوان حافظ - با قرآن کاملاً آشنا بود و صدای خوشی هم داشت. ما وقتی بچه بودیم، همه می‌نشستیم و مادرم قرآن می‌خواند. خیلی هم قرآن را شیرین و قشنگ می‌خواند. ماها دورش جمع می‌شدیم و برای ما به مناسبت، آیه‌هایی را که در مورد زندگی پیامبران هست، می‌گفت. من خودم اولین بار، زندگی حضرت موسی، زندگی حضرت ابراهیم و بعضی پیامبران دیگر را از مادرم شنیدم. قرآن که می‌خواند، به این جا که می‌رسید، بنا می‌کرد به شرح دادن بعضی از شعرهای حافظ که الآن هنوز یادم هست - بعد از سنین نزدیک شصت سالگی - از شعرهایی است که آن وقت از مادرم شنیدم؛ از جمله، این یک بیت یادم هست :

سحر چون خسرو خاور علم در کوه ساران زد

به دست مرحمت یارم در امیدوارن زد

\*\*\*\*\*

دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند

گل آدم بسرشتند و به پیمانہ زدند

غرض، خانمی بود خیلی مهربان خیلی فهمیده و فرزندانش را هم - البته [مثل] همه‌ی مادران - دوست می‌داشت و رعایت آنها را می‌کرد... (1)

## 2. اهتمام به نماز اول وقت

تأثیر نماز در رشد معنوی انسان بیش از آن است که به توصیف درآید. سیره‌ی علما و بزرگان دین، علاوه بر اهتمام به اصل نماز، اقامه‌ی آن در اول وقت بود. طلبه و همسر او برای آنکه بتوانند با سختی‌ها مبارزه کنند

ص: 45

و تسلیم ناملایمات روزگار نشوند، نیازمند عنایت ویژه ی خداوند مهربان هستند. برای دست یابی به عنایت خاص باید بتوانند به درگاه الهی تقرب جویند و هیچ عملی چون نماز، آن هم نماز اول وقت آنها را محبوب خداوند نمی سازد امام صادق علیه السلام می فرماید:

هر که نمازهای واجب را در اول وقت بخواند و درست ادا کند، فرشته آن را پاک و درخشان به آسمان رساند و آن نماز فریاد زند: خدا تو را حفظ کند، چنان چه حفظ کردی و تو را به خدا سپارم، چنان چه مرا به فرشته ای کریم سپردی و هر که بدون عذر بعد از وقتش، آن را بدون دقت و ارتباط معنوی لازم بخواند، فرشته آن را سیاه و تاریک بالا برد و آن نماز فریاد کشد: خدا ضایعت کند، چنان چه ضایع کردی و رعایت نکند، چنان چه رعایت نکردی. (1)

همسر امام خمینی قدس سره درباره توصیه های امام در اوایل زندگی می گوید:

اوایل زندگی مان، یادم نیست هفته ی اول یا ماه اول، به من گفت: من کاری به کار تو ندارم. به هر صورت که میل داری، لباس بخر و بپوش؛ اما آن چه از تو می خواهم این است که واجبات را انجام بدهی و محرمات را ترک بکنی؛ یعنی گناه نکنی. (2)

نماز یکی از واجبات الهی است که اهمیت و شأنی بسیار ارزشمند میان سایر واجبات دارد. یکی از نوه های امام خمینی قدس سره تعریف می کند:

امام قدس سره همیشه می فرمودند: در مورد نمازتان اهمال نکنید.

و به ما می گفتند: همین که شما می گوئید اول این کار را بکنم بعد نماز بخوانم این خلاف است. نگوئید این حرف را به نمازتان اهمیت دهید. اول نماز. (3)

ص: 46

---

1- شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 4، ص 123-124.

2- ستوده پایه پای آفتاب، ج 1، ص 51-52.

3- رجایی، برداشت هایی از سیره امام خمینی، ج 3، ص 70، به نقل از خانم فریده مصطفوی (دختر امام).

علامه جعفری در سال 1326 شمسی با خانم «جمیله فرشباف انتظار» ازدواج کرد جمیله درس نخوانده بود؛ اما قدر درس و اهل علم و فضیلت را می دانست. او مدرک نداشت؛ اما ارزش های متعالی را به درستی درک کرده بود. خانم فرشباف انتظار در زندگی با استاد، در نجف، کربلا، کاظمین، تبریز قم، مشهد و تهران، سختی ها و مشکلات بسیاری کشید؛ اما هیچگاه از این بابت گله نکرد. جمیله خانم کمالاتی داشت؛ از جمله آن که استاد جعفری به فرزندان و اقوامش توصیه می کرد که: «از جمیله خانم نماز اول وقت را یاد بگیرید!» (1)

مرحوم شیخ محمدتقی بهلول با بیان خاطره ای از شدت تقید مادر در

رعایت نماز اول وقت و تأثیر آن در جلب عنایات الهی می گوید:

ما با کاروان و کجاوه به «گناباد» می رفتیم. وقت نماز شد. مادرم کاروان دار را صدا کرد و گفت: کاروان را نگه دار، می خواهم اول وقت نماز بخوانم. کاروان دار گفت: بی بی! دو ساعت دیگر به فلان روستا می رسیم، آن جا نگه می دارم تا نماز بخوانید. مادرم گفت که: نه! می خواهم اول وقت نماز بخوانم. کاروان دار گفت: نه مادر، الان نگه نمی دارم. مادرم گفت: نگه دار. او گفت: اگر پیاده شوید، شما را می گذارم و می روم. مادرم گفت: بگذار و برو! می خواهم نماز را اول وقت بخوانم. من و مادرم پیاده شدیم. کاروان حرکت کرد. وقتی کاروان دور شد، رعب و وحشتی به دل من نشست که چه خواهد شد؟! من هستم و مادرم! دیگر کاروانی نیست! شب دارد فرا می رسد و ممکن است حیوانات حمله کنند؛ ولی مادرم با خیال راحت، با کوزه ی آبی که داشت، وضو گرفت و نگاهی به آسمان کرد، رو به قبله ایستاد و نمازش را خواند. لحظه به لحظه رعب و وحشت، در دل من شش هفت ساله افزون می شد. در همین فکر بودم

ص: 47

که صدای سم اسبی را شنیدم و دیدم یک درشکه خیلی مجلل پشت سرمان می آید. کنار جاده ایستاد و گفت: بی بی کجا می روی؟ مادرم گفت: گناباد. او گفت: ما هم به گناباد می رویم، بیا سوار شو. یک نفس راحتی کشیدم. گفتم: خدایا شکر! مادرم نگاهی کرد و دید که یک نفر در قسمت مسافر درشکه نشسته و تکیه داده است. به سورچی گفت: من پهلوی مرد نامحرم نمی نشینم. سورچی گفت: خانم! فرماندار گناباد است، بیا بالا مانند شما این جا خطر دارد! کسی نیست که شما را ببرد. مادرم گفت: من پهلوی مرد نامحرم نمی نشینم. در دلم می گفتم: مادر بلند شو برویم. خدا برایمان درشکه فرستاده است؛ ولی مادرم راحت، رو به قبله نشسته بود و تسبیح می گفت! آقای فرماندار رفت کنار سورچی نشست، گفت: مادر! بیا بالا. اینجا دیگر کسی ننشسته است. مادرم بالای درشکه نشست و من هم کنار او نشستم و رفتیم. در بین راه از کاروان سبقت گرفتیم و زودتر به گناباد رسیدیم! (1)

آیت الله مصباح یزدی فرمودند:

مرحوم علامه [طباطبایی] و [آیت الله العظمی] آقای بهجت از مرحوم آقای قاضی نقل می کردند که ایشان می فرمودند: اگر کسی نماز واجبش را اول وقت بخواند و به مقامات عالیه نرسد، مرا لعن کند (و یا فرمودند: به صورت من تف بیندازد)! (2)

### 3. تقویت روحیه ی قناعت و توکل

#### اشاره

قناعت مربوط به استفاده ی بهینه از امکانات زندگی و اجتناب از زیاده روی در هزینه ها و مصارف و رضایت به نعمت های الهی است، اگر چه اندک باشد. قناعت نمود مناعت طبع و بزرگواری و زهد و تحمل آدمی است.

ص: 48

---

1- حسینی، «حریم نامحرمان: سلسله گفتارهای تربیتی و اخلاقی» شماره 44، مدیریت تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ص 10-11.

2- حسن زاده، اسوه عارفان، ص 87.

مقام معظم رهبری دام ظلّه در توصیه ای که به زوج های جوان دارند، می فرمایند:

قناعت کنید، از قناعت خجالت نکشید. بعضی ها خیال می کنند که قناعت مالِ آدم های تهی دست و فقیر است و اگر آدم داشت، دیگر لازم نیست قناعت کند. نه، قناعت یعنی در حد لازم، در حد کفایت، انسان توقف کند. (1) توقعات مادی زیاد و بالا، موجب تنگی معیشت و موجب ناراحتی خود انسان می شود. اگر انسان توقع خودش را از زندگی، توقع کمی قرار دهد، این مایه ی سعادت خواهد بود. نه فقط برای آخرت انسان خوب است، که برای دنیای انسان هم خوب است. (2)

در روایت آمده است که فردی به نام ابراهیم کرخی به حضور امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: «همسر موفقی داشتم که از دنیا رفت و اینک قصد ازدواج دارم. حضرت فرمودند: بین خود را کجا قرار می دهی .... زنان سه دسته اند: زن زایای مهربان که شوهر خود را در کار دنیا و آخرتش یاری می رساند و روزگار را بر او سخت نمی کند. زن نازا و بی بهره از زیبایی که شوهرش را در امور خیر یاری نمی رساند و زن پرسروصدا پا به در و عیب جو که زیاد را اندک می شمارد و کم

را نمی پذیرد.» (3)

فراز آخر روایت اخیر تصریح می کند، زنی که خدمات زیاد همسر را کم به شمار آورد و خدمات کم او را نپذیرد، شایسته همسری نیست. در روایتی آمده است:

يك روز صبح علی علیه السلام به فاطمه علیها السلام فرمود: آیا غذایی نزد تو هست تا از آن تناول کنیم؟ حضرت فاطمه علیها السلام گفتند: قسم به آن کسی که پدرم را به نبوت

ص: 49

---

1- بیانات در اجرای خطبه عقد زوج های جوان، 1376/1/1.

2- همان، 1379/12/21.

3- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 20، ص 27.



و تو را به وصایت و خلافت گرامی داشت، چیزی نزد من نیست تا آن را در اختیار تو بگذارم. دوروز است که آن چه داشته ایم، به رغم نیاز خود و حسن و حسینم، به دیگران داده ایم. پس علی علیه السلام فرمود: ای فاطمه! چرا مرا از این قضیه آگاه نکردی تا غذایی برایتان تهیه کنم؟ حضرت فاطمه علیها السلام گفت: ای ابا الحسن! من از خدای خود حیا دارم که تو را بر کاری تکلیف کنم که بر آن قادر نیستی. (1)

کتمان نیازها و بازگو نکردن آن نزد همسر به ویژه هنگامی که تأمین آن برای او ممکن نیست و عدم مقایسه سطح زندگی خود با دیگران از مصادیق بارز قناعت و موجب آرامش هر چه بیشتر زندگی مشترک خواهد بود.

همسر شهید مطهری رحمه الله درباره ی قناعت همسر علامه طباطبایی رحمه الله می گوید:

همسر علامه، خانم قمرالسادات مهدوی با اینکه در خانواده ی متمولی بزرگ شده بود و ظاهراً دختر یکی از تجار تبریز بود، بسیار زن فهیم و قانعی بود. یادم است همسر علامه، که از بستگان ایشان هم بودند، برای من تعریف می کردند که ما در تبریز، سالی چند من روغن حیوانی مصرف می کردیم. به قم که آمدیم، در منزل کوچکی ساکن شدیم که امکانات زیادی هم نداشت. حداکثر می توانستیم روزی پنج سیر گوشت بخیریم. من دنبه های گوشت را جدا می کردم و داخل سبدی که از سقف آشپزخانه آویزان کرده بودم، می انداختم. هر چند روز یک بار دنبه ها را آب می کردم و از آن به عنوان روغن استفاده می کردم. هیچ وقت هم به علامه نمی گفتم ما روغن نداریم که ایشان ناراحت شود و از کار و مطالعه باز بماند. می خواستم فکرش آزاد باشد. (2)

ص: 50

---

1- مجلسی، بحارالانوار، ج 43، ص 59.

2- سایت بنیاد علمی و فرهنگی شهید مرتضی مطهری شناسه مطلب: 1309، 1392/08/24.

هم چنین وقتی می بینند که علامه برای تحصیل در نجف اشرف، خرج سفر را ندارند و ناراحت هستند می گوید:

شما چرا این قدر ناراحت می کنید خودتان را؟ پول نمیدهند خوب ندهند. بالاخره يك مقدار اثاثیه داریم اینها را می فروشیم، خرج سفرمان در می آید.

اثاثیه همان جهازیه بود که بعد از فروش، حالا چند صد تومان پول داشتند که می توانستند بدهند خرج کجاوه و کاروان و خورد و خوراك تا برسند به نجف. (1)

آیت الله بنایی در پاسخ به سؤالی درباره ی مشکلات معیشتی طلاب می گویند:

همسر طلبه ای که در فشار مادی و محرومیت به سر می برد، با نگاه کردن به دوستان و آشنایان خود می بیند که زندگیاش يك دوم زندگی آنها نیست؛ قهراً این مقایسه موجب اختلافات خواهد بود.

این جا این سؤال پیش می آید که [شاید طلبه ای بگوید] ما نسبت به خودمان می توانیم برخی مشکلات را تحمل کنیم، اما تحمل به مشقت افتادن خانواده و فرزندان را نداریم وظیفه چیست؟

راه حلی که به نظر می رسد، این است که بایستی روح توکل و قناعت را در خانواده تقویت کرد. این هم با چند راه ممکن است: یکی اینکه طلبه بنشیند و با زبان همسرش، این آیات (2) را بخواند و معنا کند. دوم، تاریخ امامان معصوم، حالات اصحاب و تاریخ عالمان دین که چه ریاضت ها کشیدند، چه سختی ها برجان خریدارند و را بیان کند. (3)

ص: 51

---

1- جعفریان، زندگی نامه سید محمد حسین طباطبایی، ص 11 و 12.

2- وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا. (طلاق، آیه 2 و 3) و احزاب، آیه 28-29.

3- دیدگاه های تربیتی آیت الله عبدالمجید باقری بنایی در مورد امور معیشتی طلاب به نقل از سایت مدیریت مطالعات معاونت تهذیب حوزه های علمیه شناسه متن: 14956.

ایشان در ادامه سخنشان می افزایند :

يك وقت بنده برای همسران طلاب عزیز صحبت میکردم آنجا جریان همسران پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را عرض کردم این جریان در سوره ی مبارکه ی احزاب می باشد. خداوند این آیات را به شخصی نازل کرده که محبوب اولش بوده آن همه مقام در پیش خدا داشته است. در این آیات به پیامبرش چنین دستور می دهد :

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَوِّجَكُ مِنْ كُنُتٍ تَرْضَوْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّتْهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَمِعُكُنَّ وَأَسَرَّحَكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا وَإِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالذَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا. (1)

ای پیامبر! به همسرانت بگو که اگر شما خیلی طالب دنیا هستید، من نمی توانم خواسته های شما را برآورده سازم، معاش شما را آن گونه که می خواهید، تأمین کنم. بیا بید به هر يك از شما هدیه ای بدهم و شما را رها کنم تا بروید و آن گونه که دلتان می خواهد زندگی کنید. اگر می خواهید با من بمانید، زندگی من این است و بهتر از این نخواهد شد. اگر چیزی پیدا کردیم، می خوریم و اگر نبود، گرسنه می مانیم. زندگی من اینگونه است. اما اگر آمدید و نظرتان واقعاً خدا و رسول او بود، اگر طالب رضای خداوند هستید، آن موقع خدا هم در عوض پاداش بزرگی برای شما آماده کرده است. خداوند سعادت ابدی را برایتان مهیا ساخته است.

یکی از مراجع معاصر می گفت: در يك خانه مستاجر بودم. روزی موجر و صاحب خانه آمد و گفت که باید خانه را تخلیه کنی، نمی خواهم اینجا بمانی. لذا ما هم اثاث کشی کردیم و اثاث خانه را روی يك گاری سوار کردیم! گاری کوچکی که یک حمال هم می توانست آن را حمل کند. اثاث ما آن قدر بود. تازه اکثر آنها هم وسایل ارزشمند و قیمتی نبود. (2)

ص: 52

1- احزاب، آیه 28-29.

2- دیدگاه های تربیتی آیت الله بنابی در مورد امور معیشتی طلاب، به نقل از: همان.

بسیاری از طلاب در اوایل زندگی به دلیل اشتغال تمام وقت به تحصیل و کسب علم و دانش، مشکلات مالی دارند و اغلب زندگی را به سختی می گذرانند؛ ولی همسرانشان با توکل به خداوند متعال و با قناعت و ساده زیستی می کوشند بر مشکلات غلبه کنند و زندگی دلشین و پر از مهر و صفا برای خانواده فراهم نمایند.

## **فنون دست یابی به قناعت در زندگی**

### **اشاره**

برای دست یابی به قناعت، لازم است نیازهای واقعی خود را از نیازهای

کاذب بازشناسی کنیم. باید برای رسیدن به خواسته های حقیقی، تلاش و از درخواست های نابجا صرف نظر کنیم این هدف را میتوان از طریق فنون زیر تحقق بخشید :

### **الف) مقایسه های خوش بینانه و پرهیز از مقایسه های بدبینانه**

مقایسه ی خوش بینانه به معنای قدر دانستن روابط با دیگران و متقاعد ساختن خویش مبنی بر این که به مرور زمان روابط در زندگی اجتماعی بهتر خواهد شد.

یکی از عواملی که موجب میشود تا انسان ها از موقعیت اقتصادی در

زندگی خود احساس رضایت کنند و با کمبودهای احتمالی به گونه ای

مطلوب کنار بیابند، مقایسه موقعیت اقتصادی خود با کسانی است

که به لحاظ ویژگی های مالی با مشکلاتی به مراتب بیشتر از ما دست و پنجه نرم می کنند. این مقایسه، زمینه ی رضایت از موقعیت اقتصادی فعلی و اجتناب از بلند پروازی ها را فراهم می کند. البته معنای این سخن،

دست برداشتن از تلاش و کوشش برای تأمین نیازها در زندگی نیست، بلکه جلوگیری از زیاده طلبی و تجمل گرایی است. امام صادق علیه السلام می فرماید:

أَنْظِرْ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ فِي الْمَقْدِرَةِ... فَإِنَّ ذَلِكَ أَفْنَعُ لَكَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَكَ؛ (1) از نظر امکانات به کسی بنگر که فروتر از تو است...؛ چرا که این امر تو را به روزی مقدر از جانب خداوند قانع تر می سازد.

## ب) امیدواری به آینده

یکی از عواملی که موجب میشود تا فرد بتواند با دشواری های معیشتی حاکم بر زندگی کنار آید و بر آنها غلبه کند، این است که امید به آینده بهتر را در خود زنده نگه دارد. او باید بداند که مشکلات همیشگی نیست و با مقاومت می توان بر آنها فایق آمد و دوران سخت را پشت سر نهاد. هیچ انسانی نمی تواند ادعا کند که در طول زندگی هیچگاه با مشکل مواجه نشده؛ زیرا رسم روزگار بر این است که آدمی با دست و پنجه نرم کردن با سختی ها مس وجودش تبدیل به طلا گشته و در معرکه امتحان میزان صبر خود را بسنجد.

انسان همواره باید در خاطر داشته باشد که در گذشته نیز مشکلاتی بوده که به امر خدا برای او سهل و آسان شده است و هیچ سختی ماندنی نیست. خداوند متعال می فرماید:

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا؛ (2) پس [بدان که] با دشواری آسانی است، آری با دشواری آسانی است.

ص: 54

---

1- مجلسی همان، ج 75، ص 242.

2- انشراح، آیه 5 و 6.

## ج) برنامه ریزی برای دخل و خرج زندگی

نوشتن هزینه های ضروری زندگی، حذف مخارج زاید و برنامه ریزی معقول و منطقی برای استفاده درست و بهینه از درآمدها از دیگر فنون قناعت در زندگی است. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

ما مِنْ نَفَقَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ نَفَقَةٍ قَصِدَ؛ (1) هیچ خرجی نزد خدا، محبوب تر از خرجی نیست که با میانه روی همراه باشد.

## د) توجه به الگوها و سرمشق گرفتن از آنها

مطالعه و مرور زندگی و سیره ی خانوادگی بزرگان، علما و انسان های موفق و سرمشق گرفتن از سبک زندگی و روشهای قناعت ورزی آنان، مهارت دیگری است که روحیه قناعت را در افراد تقویت می کند و فرد را از ناشکیبایی در برابر دشواری های زندگی باز می دارد. به ویژه اندیشه در زندگی کسانی که با وجود توانایی برای برخورداری از زندگی مرفه، نیل به ارزش های اخلاقی و معنوی را در اولویت قرار داده و توجه به نیازمندان و شریک کردن مستمندان جامعه در زندگی خود را بر رفاه شخصی ترجیح دادند در ادامه و در بخش های بعدی با نمونه های متعددی از سیره این الگوها آشنا خواهیم شد.

## ح) هم خوان سازی خواسته ها و انتظارات با واقعیت ها

از آفت هایی که هر خانواده ای را تهدید می کند، رشد خواسته ها و انتظارات اعضای خانواده از یکدیگر است، همسران جوان اغلب از این جنبه آسیب می بینند که مرز منطقی و غیر منطقی بودن انتظاراتشان از یکدیگر مشخص

ص: 55

نیست و احساساتشان در این رهگذر جریحه دار می شود. نقطه بحران در زندگی زمانی فرا میرسد که انتظارات غیرمنطقی و تأمین نشده بر روی هم انباشته شود و در این صورت ممکن است به تدریج و به مرور زمان، شکیبایی و بردباری فرد در زندگی کمتر شود و به قول معروف «کاسه صبرش به سرآید» و در زمانی غیرقابل پیش بینی، احساسات و هیجانات منفی شعله ور گردد. درک درست از واقعیت های زندگی طلبگی تکیه بر ارزش های دینی و هم خوان سازی انتظارات با واقعیت ها، راه را بر ورود هر عامل تفرقه و تزلزل در زندگی می بندد. (1)

همسر شهید مطهری از همسر علامه طباطبایی رحمه الله نقل می کند:

روزی مهمان خانم بودم. لباس هایشان خیلی مندرس و کهنه شده بود و ایشان نیاز داشت که لباسی برای خودش بدوزد. زمانی که علامه بیرون می رفت، به ایشان گفتم: از درس که بر می گردید در راه برای من پارچه بخرید. علامه برای ایشان سه متر پارچه خرید. پارچه را که دیدم به نظرم پارچه خوبی نیامد و اساساً برای لباس مناسب نبود. به خانم گفتم که به نظر من این پارچه مناسب پیراهن نیست و حتماً خود خانم هم فهمیدند که این پارچه، برای لباس مناسب نیست. همسر علامه با لبخند و با تأکید خاصی به من گفتم که «این را "حاج آقا" خریده اند و آن چه را که حاج آقا بخرند، حتماً خوب است. چرا به درد پیراهن نمی خورد؟» همان روز ایشان لباس ساده ای از آن پارچه دوختند و بر تن کردند. این قدر ایشان به علامه با محبت و فداکاری برخورد می کردند و به خاطر محبتی که بینشان بود، زندگی خوبی داشتند. (2)

ص: 56

---

1- اقتباس از حسین زاده، نقش قناعت در بهره مندی از زندگی معرفت، اخلاقی، ش 4، ص 155-135.

2- سایت بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری، شناسه متن 1309، 1392/08/24.

#### 4. تقویت روحیه ی ایثار و فداکاری

ایثار به معنای «غرض دیگران را بر غرض خویش مقدم داشتن و منفعت غیر را بر مصلحت خود مقدم داشتن» (1) است و این نهایت درجه ی سخاوت می باشد. فداکار نیز به کسی می گویند که خود را یا مال خویش را در راه دیگری فدا کند. (2)

امام علی علیه السلام ایثار و فداکاری را بهترین کرامت اخلاقی برای انسان ها

دانسته ، می فرمایند:

خَيْرُ الْمَكَارِمِ الْإِثَارُ؛ بهترین مکارم اخلاق ایثار است. (3)

مقام معظم رهبری دام ظلّه در ضمن سخنانی این روایت را از زبان امام حسن مجتبی علیه السلام نقل می کنند که :

شبى، شب جمعه اى، مادرم به عبادت ایستاد و تا صبح عبادت کرد. «حَتَّىٰ انْفَجَرَتْ عَمُودُ الصُّبْحِ»؛ تا وقتی که طلوع فجر شد. مادر من از سر شب تا صبح مشغول عبادت بود و دعا و تضرع کرد. امام حسن علیه السلام می گوید: شنیدم که دائم مؤمنین و مؤمنات را دعا کرد؛ مردم را دعا کرد؛ برای مسائل عمومی دنیای اسلام دعا کرد. صبح که شد گفتم: «یا أمّاه!»؛ مادرم! «لِمَ لَا تَدْعِينِ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينَ لِغَيْرِكَ»؛ یک دعا برای خودت نکردی! یک شب تا صبح دعا، همه برای دیگران؟! در جواب فرمود: «یا بُنَى! الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ»؛ (4) اول دیگران، بعد خود ما! این، آن روحیه والاست»؛ روحیه ای که نیاز دیگران را به نیاز خود مقدم می دارد. (5)

ص: 57

1- دهخدا، لغت نامه، ذیل واژه ی ایثار.

2- همان، ذیل واژه ی فداکار عمید فرهنگ فارسی، ذیل واژه ی فداکار.

3- تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص 354.

4- همان، ص 81، ح 3.

5- بیانات در دیدار جمعی از زنان، 1371/9/25.



درباره ی ثروت حضرت خدیجه علیها السلام نوشته اند هشتاد هزار شتر، اموال تجاری او را حمل و نقل می کردند. بارگاهی از حریر سبز با ابریشم بر بام خانه اش برافراشته بودند که مردم رفت و آمد می کردند و به فقرا کمک می شد. چهارصد غلام و کنیز امور اقتصادی و شخصی او را اداره می کردند. (1) با این همه او بلافاصله بعد از ازدواج، نزد عمویش ورقة بن نوفل رفت و اموال فراوانی به او داد و گفت: اینها را نزد محمد صلی الله علیه وآله وسلم ببر و بگو این اموال هدیه به شماست و هرگونه بخواهی در آنها تصرف کن و هر چه غلام و کنیز و ثروت و ملک دارم، همه را به احترام حضرت به او بخشیدم. ورقة بن نوفل نیز کنار کعبه آمد و بین زمزم و مقام ابراهیم ایستاد و با صدای بلند گفت: ای عرب! بدانید که خدیجه شما را شاهد میگیرد که خود و همه ی ثروت خود از غلامان، کنیزان، املاک، دام ها، مهریه و هدایایش را به محمد صلی الله علیه وآله وسلم بخشیده است و همه ی آنها هدیه ای است که محمد آن را پذیرفته است و این کار خدیجه به خاطر علاقه و محبت او به محمد صلی الله علیه وآله وسلم است. شما در این باره گواه باشید و گواهی دهید. (2)

دامنه ی این یاری مالی به سال های اولیه ازدواج ختم نیافت، بلکه هنگام محاصره ی اقتصادی در شعب ابی طالب و حتی بعد از آن نیز اموال

ص: 58

- 
- 1- و كان لخديجة في كل ناحية عبید و مواشی حتی قيل إن لها أزيد من ثمانين ألف جمل متفرقة في كل مكان... وكان لخديجة دار واسعة تسع أهل مكة جميعا وقد جعلت أعلاها قبة من الحرير الأزرق وقد رقمت في جوانبها صفة الشمس والقمر و النجوم وقد ربطته من حبال الإبريسم و أوتاد من الفولاذ... و كان لكل واحد منهما أربع مائة عبد و أمة... (مجلسی، بحار الأنوار، ج 16، ص 22)
  - 2- «نگاهی به ویژگی های رفتاری اولین بانوی مسلمان نسبت به پیامبر» نشریه مبلغان آذر 1380، ش 23، ص 39 - 49، به نقل از همان، ص 75 - 77.

خدیجه، نقش اساسی در نجات اسلام و مسلمانان از نابودی ایفا کرد تا آنجا که پیامبر در ماجرای شعب فرمود: «هیچ ثروتی هرگز مثل ثروت خدیجه به من سود نرساند».

طبق بعضی از روایات، در ماجرای محاصره، از اموال خدیجه چیزی نماند و به نقل از حضرت خدیجه علیها السلام: «چیزی جز دو پوست باقی نماند که هنگام استراحت، یکی را زیرانداز و دیگری را روانداز قرار می دهیم». در این مدت ابوالعاص بن ربیع، داماد حضرت خدیجه، شترها را با گندم و خرما با شگردهای مختلف به آنها می رساند و در طول سه سال محاصره، مصارف آنان از اموال خدیجه تأمین می شد. (1)

این مطلب علاوه بر روحیه ایثارگری، بیانگر آن است که کسی که خود را فقیر محض و عبد خدا و او را بر طرف کننده ی همه ی نیازهای خود بداند در مسیر عبادت و بندگی حق هیچگونه خستگی و کسالتی در خود احساس نمی کند؛ زیرا او در آفرینش، هدفی جز عبادت نمی شناسد و کمالی جز قرب به حق سراغ ندارد در ماجرای نذر امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیها السلام برای بهبودی حسنین % آمده که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم، زهرای اطهر علیها السلام را پس از سه روز روزه ی پیایی و بدون افطاری در محراب عبادت یافت، در حالی که چشمانش گود افتاده و شکمش از گرسنگی به دنده های پشتش

چسبیده بود. (2) همه این موارد حاکی از معرفت و عشق سرشار آنان به کمال

ص: 59

---

1- همان؛ به نقل از ریاحین الشریعه، ج 2، ص 211.

2- رازی، التفسیر الکبیر، ج 8، ص 40.

مطلق است، نه صرف یک عمل صوری خشک و بی محتوا. (1)

انفاق مالی و کمک به محرومان گرچه عملی بسیار ستوده است؛ ولی آنگاه که در شرایط تنگ دستی و سختی و نیاز کامل به آن مال صورت

پذیرد، از ارزشی بسیار بالاتر برخوردار شده و تحت عنوان «ایثار»، در زمره ی یکی از والاترین افعال اخلاقی قرار می گیرد. (2)

همسر طلبه ای که از آرزوها و خواسته های شخصی و زندگی راحت خود به خاطر اهداف و آرمان های بلند و مقدس شوهرش می گذرد، از این ویژگی به خوبی برخوردار است. همسر محترم حضرت امام خمینی قدس سره نمونه ای از این بانوان فداکار است. نوه ی ایشان نقل می کند:

... مثل این که خانم [امام]، قم را دوست نداشتند؛ ولی هرگز این مسأله را نزد امام اظهار نکرده بودند! امام همیشه در پاسخ ما که می پرسیدیم چه کنیم که شوهرانمان به ما این همه علاقه مند باشند؟ ایشان می گفتند: «اگر شما این قدر فداکاری کنید، همسرانتان تا آخر، همین قدر به شما علاقه مند خواهند بود» (3).

هم چنین نقل شده که:

امام قدس سره به همسرشان علاقه وافری داشتند؛ به طوری که از نظر امام همسرشان در يك طرف قرار داشت و بچه هایشان در طرف دیگر و این دوست داشتن با احترام خاصی توأم بود یادم هست يك بار که خانم مسافرت رفته بودند، آقا خیلی دلتنگی می کردند. وقتی آقا اخم می کردند، ما به شوخی می گفتیم: اگر خانم باشند، آقا می خندند و وقتی خانم نباشند، آقا ناراحتند و اخم می کنند.

ص: 60

---

1- حسین خانی، تربیت الگویی زنان در قرآن، ص 46.

2- همان، ص 154.

3- محمدی صیفار، مشق عشق، ص 45.

خلاصه، ما هر چه سربه سر آقا گذاشتیم، اخم آقا باز نشد. بالاخره من گفتم: خوشا به حال خانم، که شما این قدر دوستش دارید. ایشان گفتند:

خوش به حال من که چنین همسری دارم. فداکاری ای که خانم در زندگی کرده اند، هیچ کس نکرده است. شما هم اگر مثل خانم باشید، همسران شما را این قدر دوست خواهد داشت. (1)

یکی از فرزندان استاد شهید مطهری می گوید:

نقش مادر در توفیقات استاد یک نقش عادی نبود. به همین نمونه ی صبر و فداکاری شگفت انگیز ایشان اکتفا می کنم که در روزهایی که استاد در انتظار تولد یکی از فرزندان خود بودند، از ظهر تا غروب در منزل مشغول مطالعه بودند. پس از بازگشت از سخنرانی در مسجد، می بینند فرزندشان به دنیا آمده است. تعجب می کنند که چگونه تا غروب هیچ خبری نبود. متوجه می شوند که اتفاقاً مادر از حدود ظهر درد شدید داشته اند؛ اما به خاطر این که تمرکز استاد هنگام مطالعه از دست نرود و به سخنرانی ایشان لطمه ای نخورد، درد زایمان خود را از ایشان پنهان کرده بودند. (2)

هم چنین خود همسر شهید مطهری می گوید:

من هفت بچه داشتم. یک دختر من که به دنیا آمد، ایشان [ شهید مطهری ] در مسجد آذربایجانی ها سخنرانی داشتند. با آنکه من در آن شب، سخت ناراحت بودم، چیزی نمی گفتم که مبادا سخنرانی ایشان بر هم بخورد و ایشان از کارشان باز بمانند. (3)

ص: 61

---

1- همان، ص 15 .

2- شعر همسر شهید مطهری درباره امام رضا علیه السلام، خبرگزاری فارس شناسه خبر: 1149، 1394/06/02.

3- «شهید مطهری در نگاه همسر»، پایگاه جامع استاد شهید مطهری، شناسه متن: 78747، 1389/07/25؛ به نقل از ستوده و سید ناصری پاره ای از خورشید ص 97 .

## 5. خویشتنداری در تغییرات

زندگی همواره با تغییرات توأم بوده است؛ ولی این تغییر و تحولات با توجه به گسترده شدن روزافزون ارتباطات و آگاهی از فرهنگ های دیگر، سرعت فزاینده و برق آسایی گرفته است. زندگی خانوادگی نیز از این تحولات به دور نبوده و تحت تأثیر آن، دست خوش تغییر گردیده است. اما آن چه خانواده را از دگرگونی های فروپاشاننده نگه میدارد همراهی و همدلی اعضای خانواده و به ویژه زوجین است. همراهی همسران بسیاری از بزرگان و علمای دین و سختی های بسیاری که آنان در راه اعتلای اسلام کشیده اند، گواه بر این مطلب است.

علامه طباطبایی رحمه الله بعد از مدتی اقامت در تبریز، تصمیم می گیرد به قم عزیمت نماید و بالأخره این تصمیم خود را در سال 1325 (ه.ش) عملی می کند. فرزند علامه طباطبایی رحمه الله در این مورد می گوید:

هم زمان با آغاز سال 1325ه- . ش وارد شهر قم شدیم.... در ابتدا به منزل یکی از بستگان که ساکن قم و مشغول تحصیل علوم دینی بود، وارد شدیم؛ ولی به زودی در کوچه ی یخچال قاضی در منزل یکی از روحانیان که هنوز هم در قید حیات است، اتاق دو قسمتی که با نصب پرده قابل تفکیک بود، اجاره کردیم. این دو اتاق قریب بیست متر مربع بود.

در این باره آمده است:

در قم یک اتاق دراز بیست متری اجاره کردند که قمر سادات [ همسر علامه ] وسطش را پرده زد که بشود یک طرف آشپزی کرد. صاحب خانه هم همان جا زندگی می کرد؛ ساختمان آن طرف حیاط . یکی دو ماه اول خیلی سخت گذشت . آب قم شور بود، میوه کم و گران و درخت ها از آن هم کم تر و همه خاک گرفته.

برای آنها که از باغ و سبزه ی تبریز و بریز و پاش آن خانه درندشت آمده بودند، کمی طول می کشید به این چیزها عادت کنند. (1)

طبقه ی زیر این اطاق ها انبار آب شرب منزل بود که در صورت لزوم، بایستی از درب آن به داخل خم شده و ظرف آب شرب را پر کنیم. چون خانه فاقد آشپزخانه بود، پخت و پز هم در داخل اطاق انجام می گرفت؛ در حالی که مادر ما به دو مطبخ (آشپزخانه) 24 متر مربعی و 35 متر مربعی عادت کرده بود که در میهمانی های بزرگ از آنها به راحتی استفاده می کرد. (2)

نجمه سادات طباطبایی [ دختر علامه ] با اشاره به مهاجرت علامه طباطبایی از تبریز به قم اظهار داشت:

من شش ساله بودم که به قم آمدم و مادرم با تلاش فراوان، زندگی مرفه تبریز را کنار گذاشت و به زندگی ساده در قم رضایت داد و هرگز نگذاشت پدرم از شرایط سخت زندگی چیزی بداند. در اتاقی که کرایه کرده بودیم در طرفی، پدرم برای طلاب تدریس می کرد و مادر پشت پرده زندگی می کردیم؛ ولی با تمام این مشکلات، زندگی بسیار شادی داشتیم و تمامی این ها مرهون فداکاری مادرم بود. (3)

حجت الاسلام و المسلمین راشد یزدی نقل می کند:

آقا (مقام معظم رهبری) خودشان فرمودند: هنگامی که من زندان بودم، همسرم یک کلمه درباره ی زندگی و مشکلات آن سخنی نگفت! (4)

ص: 63

---

1- مهرافروخته: روایتی تازه از زندگی و شخصیت علامه طباطبایی نشریه معارف شماره 72 دی ماه 1388 .

2- جام نیوز شناسه خبر: 253554، 1392/08/25.

3- خبرگزاری حوزه 1394/5/15 .

4- مدیریت تربیتی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی خانه کانون مهر و محبت؛ سلسله گفتارهای تربیتی و اخلاقی شماره 45، ص11.

توسل به معنای «واسطه قرار دادن شیء یا شخصی است برای وصول به مطلوب با استفاده از همه اسباب و وسایل عادی و غیر عادی» (1) چنانچه خداوند در قرآن کریم می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ... (2) ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا بپرهیزید و وسیله ای برای تقرب به او بجویید.

بی تردید انسان برای دست یابی به بسیاری از کمالات مادی و معنوی به خارج از محدوده وجودی خویش نیازمند است. عالم هستی براساس نظام اسباب و مسببات استوار شده و تمسک به سبب ها و وسایل برای رسیدن به کمالات مادی و معنوی، لازمه ی این نظام است.

زندگی عالمان راستین، سرشار از ابراز عشق و علاقه به انوار مقدّس معصومان علیهم السلام و توجه و توسل به آنهاست و خود نیز اذعان داشته و دارند که از مهم ترین اسباب توفیق ایشان در رسیدن به مدارج علمی و معنوی، توسل به اهل بیت علیهم السلام و عنایت های ایشان بوده است.

برای تأثیر پذیری هر چه بیشتر خود و فرزندان از توسل، هم باید در منزل خویش مجلس روضه و توسل برپا نمود و هم به مجالس دیگر رفت. صرف حضور و شرکت در مراسم مربوط به ائمه علیهم السلام، اثربخش و انسان ساز است. حضرت آیت الله بهجت رحمه الله می فرماید:

ص: 64

---

1- طاهری خرم آبادی، پاسخ به شبهات وهابیت، ج 2، ص 112.

2- مائده، آیه 35.

امام عین الله ناظره است. ... امام زنده است، ناظر است، قادر و مقتدر است. ائمه حاضرند، می بینند، جواب می دهند، ... التفات ما کم است.... زیارت شما قلبی باشد. در موقع ورود اذن دخول بخواهید. اگر حال داشتید به حرم بروید... اگر حالتان مساعد نیست به کار مستجی دیگری پردازید. سه روز روزه بگیرید و غسل کنید و به حرم بروید و دوباره از حضرت اجازه ورود بخواهید.... همه زیارت نامه ها مورد تأیید هستند. زیارت جامعه کبیره را بخوانید. زیارت امین الله مهم است. قلب شما بخواند، با زبان قلب بخوانید. (1)

همسر شهید آیت الله محمد باقر صدر رحمه الله می گوید:

من پس از ازدواج از ایران به عراق منتقل شدم. دوری و فراق از خانواده و تفاوت زیادی که بین آن جا و ایران بود، مرا رنج می داد. یک روز به حرم امیرالمؤمنین مشرف شدم و درخواست نمودم تا خداوند به من قدرت و تحمل شرایط سخت زندگی را بدهد. پس از زیارت، احساس عجیبی به من دست داد. با خود گفتم: من با یک شخص عادی زندگی نمی کنم، بلکه با یکی از اولیای خدا و رهبری دانشمند ازدواج کردم. پس از آن دعا و زیارت، آرامشی خاص و ظرفیتی بزرگ در برابر همه ی سختی ها در خود احساس کردم و به تمام اوامر ایشان، با کمال رضایت و خوشحالی حاضر بودم. (2)

علامه طباطبایی رحمه الله درباره ی همسر خود چنین میفرمود:

عیال ما زن بسیار مؤمن و بزرگواری بود. ما در معیت ایشان برای تحصیل به نجف اشرف مشرف شدیم و ایام عاشورا برای زیارت به کربلا می آمدیم و پس از پایان این مدت، چون به تبریز مراجعت کردیم، روز عاشورایی ایشان در منزل نشسته و مشغول خواندن زیارت عاشورا بود؛ می گوید:

«دلم ناگهان شکست و با خود گفتم: ده سال در کنار مرقد مطهر حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام بودیم و امروز از این فیض محروم شده ایم. یک مرتبه

ص: 65

---

1- فریادگر توحید، ص 213.

2- گفت وگو با سیده فاطمه صدر (همسر شهید آیت الله سید محمد باقر صدر)، شاهد یاران، ش 18، ص 35.



دیدم که در حرم مطهر در زاویه حرم، بین بالاسر و روبه رو ایستاده ام و روبه قبر مطهر، مشغول خواندن زیارت هستم و حرم مطهر و خصوصیات آن به طور سابق بود؛ ولی چون روز عاشورا بود و مردم غالباً برای تماشای سینه زنان می روند، فقط در پایین پای مبارک، مقابل قبر سایر شهدا، چند نفری ایستاده و بعضی از خدام برای آنها مشغول زیارت خواندن هستند و چون به خود آمدم، دیدم در خانه ی خود نشسته و در همان محل مشغول خواندن بقیه ی زیارت هستم». (1)

مقام معظم رهبری دام ظلّه در خاطرات خود از مادرشان نقل می کنند که همواره در منزل روضه داشتند :

هر وقت از مدرسه می آمدم، روضه بود یا میهمان بود، ... باید گوشه ای توی راهرو و پله ها، جایی، خودمان را سرگرم میکردیم تا این روضه و میهمانی تمام شود. (2)

یکی از فرزندان استاد شهید مطهری رحمه الله درباره ی مادر می گوید:

در سفری که در سال 1375 به مشهد داشتیم، در ساعت آخر مادر اصرار داشتند که مجدداً به حرم امام علی بن موسی الرضا علیه السلام مشرف شوند. فرصت برای پارک خودرو در جای مناسب نبود. به ناچار ایشان را جلوی حرم پیاده کرده و در خیابان منتظر ماندم. مادر پس از بازگشت از حرم، حال خوشی داشتند و این ابیات را زمزمه می کردند.

من دوش به دربار تو ای شاه رسیدم \*\*\* بشکسته دل افسرده به سوی تو دویدم

در طوس تویی مظهر الطاف الهی \*\*\* ای آیت حق با تو چه گویم که چه دیدم

بودند پراکنده ملانک به حریمت \*\*\* از همه عرش نای تو شنیدم

بودند ثناگوی تو حوران بهشتی \*\*\* یک حظه به خود آمدم و هیچ ندیدم

ص: 66

---

1- حسینی طهرانی مهرتابان، ص 41-42 .

2- بهبودی، شرح اسم، ص 23 .

با دست تهی بار گنه آمده ام \*\*\* من عمری به فنا لذت معنا نچشیدم  
ای جوهر سیال ولایت کرمی کن \*\*\* من مرغ ضعیفم که ز بامت نپریدم هر  
لحظه خیالم به ولای تو مصفاست \*\*\* جز بارگهت جای دگر برنگزیدم  
تو باب جوادی پسر موسی جعفر \*\*\* ای کان کرم سد منما راه امیدم  
تو ضامن آهو و ملقب به رضایی \*\*\* من مهر شما طایفه ارزان نخریدیم  
ای شافع زوار بیا شافع من شو \*\*\* من کهنه گدایم ز درت پا نکشیدم (1)

## 7. پرهیز از اسراف و تبذیر

اغلب واژه های اسراف و تبذیر باهم به کار می روند. اسراف، مال حلال را بیش از حد نیاز و متعارف مصرف کردن و تبذیر به معنای ریخت و پاش کردن و از بین بردن مال است. اگر برای مجلسی چهل پُرس غذا سفارش بدهیم و در خاتمه ده پرس آن اضافه بماند؛ در صورت دور ریختن غذاهای اضافی، تبذیر کرده ایم و اگر همه ی غذاها مصرف شود، به طوری که افراد در خوردن زیاده روی کرده باشند، اسراف کرده ایم. (2) امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرمایند:

إِنَّ اعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَ اسْرَافٌ : (3) بخشش نابه جای مال، تبذیر و اسراف است.

نیز می فرمایند :

مِنَ الْعَقْلِ مُجَانِبَةٌ التَّبْذِيرِ وَ حُسْنُ التَّدْبِيرِ ؛ (4) دوری از زیاده روی و تدبیر درست، از نشانه های عقل است. در خاطرات همسر شهید مطهری آمده است: گاهی سه ماه تابستان ما به «دَرَکَه» می رفتیم و یک سال مرحوم علامه

ص: 67

1- «شعر همسر شهید مطهری درباره امام رضا» خبرگزاری حوزه شناسه خبر: 356764، 1394/06/02.

2- ر. ک بانکی پور فرد عیش و معاش زندگی گوارا در پرتو اقتصاد اسلامی، ص 251.

3- نوری، مستدرک الوسائل، ج 12، ص 351.

4- تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ح 1001 .

[طباطبایی] و همسرشان هم آنجا بودند و در این سه ماه، منزل ما نزدیک هم بود خیلی از اوقات خانم به منزل ما می‌آمد و گاهی وقت‌ها هم ما به منزل آنها می‌رفتیم.

یک روز که منزل ما آمده بودند، چهار تا تخم مرغ کنار گذاشته بودم می‌خواستم با آن کوکو درست کنم. خانم به آشپزخانه آمدند و دیدند من در حال شکستن تخم مرغ هستم. گفت: این همه تخم مرغ را برای چند نفر می‌خواهی درست کنی؟ گفتم برای خودمان. گفتند: خانم جان! دو تا تخم مرغ هم زیاد است! من برای خودم، حاج آقا و دو پسرمان، سه تا تخم مرغ می‌زنم، دو تا از تخم مرغ‌ها را نگه دار. در مدتی که من با ایشان آشنایی داشتم، همیشه به من درس زندگی می‌داد. (1)

## 8. همت بلند

همت به معنای اراده، آرزو، خواهش و عزم بوده و عالی همت، به افراد بلندنظر و دارای طبع بلند گفته می‌شود. (2)

مرحوم حجت الاسلام و المسلمین فلسفی به همسرش بسیار احترام می‌کرد و هر روز که از عمر شریفش می‌گذشت، علاقه‌ی وی به همسرش بیشتر می‌شد. او در این باره می‌گفت:

هر چه از عمرم بیشتر می‌گذرد، ارزش معنوی، روحانی، تقوا و فضیلت همسرم بیش تر در نظرم جلوه می‌کند.

وی هم چنین درباره‌ی اوصاف همسرش می‌گوید:

یکی از صفات بسیار عالی که ایشان داشتند علو همت و بلند نظری بود. (3)

ص: 68

---

1- سایت بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری، شناسه متن: 1309 ، 1392/08/24 .

2- دهخدا، لغت نامه، ذیل واژه.

3- حسینی «نگاهی گذرا به زندگی بزرگان مرحوم محمدتقی فلسفی»، مجله معارف اسلامی، ش 45، ص 1379، ص 136؛ به نقل از پایگاه اطلاع رسانی حوزه.

حضرت آیت الله نوری همدانی در دیدار جمعی از همسران طلاب در قم، با اشاره به نقش همسران طلاب در پیشرفت آنان اظهار داشت: اخلاص و همت بلند دو ویژگی مهم است که همسران طلاب باید به آن توجه ویژه داشته باشند؛ چرا که در طول تاریخ از میان زنان مسلمان، افراد پرتلاش با همت خود به مقامات عالی علمی دست یافتند. (1)

آیت الله خزعلی رحمه الله در بیان ویژگی های همسرشان می فرماید: من از نحوه زندگی ام راضی ام و از این بابت خدا را بسیار شاکرم. گرچه آن چه در این مورد دیده ام، همه از لطف پروردگار بوده است، من به صراحت می گویم که رفتار همسر من از من بهتر است و من در خلق و رفتار از ایشان سرمشق می گیرم.

همسر من هوش بسیار خوبی دارد و بسیاری از مطالبی را که من مدت ها پیش فراموش کرده ام به یاد می آورد. ایشان همسر بسیار فداکاری است و در تدبیر منزل نیز ماهر است. پیشرفت هایی که در درس و تحقیق داشته ام، بیشتر به دلیل زحماتی است که ایشان در تکفل فرزندان و امور خانه از خود نشان داده است. هر موقع عصبانی می شوم، ایشان مرا تسکین می دهد. (2)

## 9. توجه به الگوهای اخلاقی و سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی اسلامی، مبتنی بر اعتقاد راسخ به خدا، اخلاق نیک، ایمان، صبر و تحمل، گذشت، همکاری و تفاهم است و در این راستا، الگوهای بسیاری را می توان برای زوج های مسلمان معرفی کرد. این الگوها تنها در معصومین علیهم السلام خلاصه نمی شود بلکه زوج های مسلمان زیادی در طول

ص: 69

---

1- خبرگزاری حوزه شناسه خبر: 242293، 1389/8/27.

2- خاطرات ابوالقاسم خزعلی، ص 37 - 38 پایگاه خبری، فرهنگ، شناسه خبر: 117587.

تاریخ با الگو قرار دادن زندگی حضرت فاطمه زهرا و علی %، خود به نمونه هایی تبدیل شدند که مطالعه ی زندگی آنها سراسر آموزنده است. بنابراین پیش از هر چیزی لازم است زوجین از زندگی خانوادگی الگوهای اخلاقی آگاهی یافته و از اصول زندگی مشترک آنها در زندگی خود بهره گیرند. نمونه های بسیاری در دوران معاصر وجود دارد که با وجود مشکلات فراوان، روابط خانوادگی موفق و سازنده ای داشته اند. مطالعه زندگی آنان، مهارت های برخورد با همسر و فرزندان را ارتقا می دهد. (1)

یکی از الگوهایی که زندگی آنها همواره می تواند چراغ راه باشد، توجه به زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام با همسرش امام علی علیه السلام و رابطه ی آنها با فرزندانشان است. حضرت امام خمینی قدس سره با اشاره به این مطلب می فرماید:

یک کوخ چهار - پنج نفری در صدر اسلام داشته ایم و آن، کوخ فاطمه زهرا است. برکات این کوخ چند نفری آن قدر زیاد است که عالم را از نورانیت پر کرده است. کوخ نشینان این کوخ محقر، در مراتب معنوی آن ق-در بالا بودند که دست ملکوتی ها هم به آنها نمی رسد. جنبه های تربیتی این کوخ، آن قدر والا- بوده است که همه برکات در بلاد مسلمین، خصوصاً در مثل بلاد ما، همه از برکات آن هاست. (2)

## ج) فراگیری مهارت های زندگی

### اشاره

مهارت های زندگی، ناظر به دسته ای از دانستنی های عملی و کاربردی است که در زندگی اجتماعی به ویژه زندگی خانوادگی به کار می آید.

ص: 70

- 
- 1- برای آگاهی بیشتر از سبک زندگی اسلامی و الگوهای خانواده اخلاقی، مطالعه کتابهای زیر توصیه می شود: الف) مشق مهر مهدی محمدی صیفار؛ ب) الگوهای اخلاقی خانواده هادی حسین خانی نائینی.
  - 2- امام خمینی، صحیفه نور، ج 17، ص 216.

مهارت های زندگی، توانایی اجتماعی و روحی فرد را افزایش میدهد و موجب می شود تا او بتواند بهتر و مؤثرتر با مشکلات و دشواریهای زندگی مواجه شود. این مهارت ها آموختنی و کسب کردنی است که بخشی در طول عمر و با گذشت زمان به وسیله ی مشاهده، شنیدن و زندگی کردن به دست می آید، ولی برخی دیگر را باید با مطالعه، آموزش، مشاوره، تمرین و تکرار آموخت و در زندگی به کار بست.

روان شناسان و کارشناسان امور تربیتی، مهارت های زیادی را مطرح

کرده اند که با توجه به آموزه های دینی، به برخی از آنها اشاره می شود.

## **1. یادگیری روش های درست آداب معاشرت**

روش های درست آداب معاشرت، به ویژه روش های تعامل بهتر با همسر و اعضای خانواده، از جمله مهارتهایی است که آموختن آن برای همسران الزامی است؛ چرا که پایداری، پویایی و نشاط خانواده، بر پایه ی تعامل ها و ارتباط های درست و منطقی یا همان معاشرت درست استوار است و تا این امر تحقق نیابد، رابطه ها همواره با چالش مواجه خواهد شد. مقام معظم رهبری دام ظلّه در این باره می فرمایند:

از جمله ی چیزهای بسیار مهم دیگر، آموختن روش های صحیح کار داخل خانه، یعنی برخورد با همسر و برخورد با فرزندان، به زنان است. زنانی هستند که خیلی هم خوبند؛ دارای حلم و صبر و گذشت و اخلاق خوبند؛ اما روش های برخورد با همسر یا با فرزندانشان را درست نمی دانند. این روش ها علمی است؛ چیزهایی است که با تجربه ی بشری روز به روز پیشرفت کرده و به مراحل خوبی رسیده است. کسانی هستند که تجربه های خوبی دارند. باید روش هایی پیدا کنید که

افرادی که می توانند، خانم ها را به این مسائل راهنمایی کنند. (1)

روش های معاشرت و برقراری ارتباط مؤثر را می توان با مطالعه، مشاهده ی رفتار دیگران، مشاوره .... آموخت. برای همین مقام معظم رهبری دام ظلّه به زنان توصیه می کنند که همواره کتاب بخوانند :

از جمله ی کارهای بسیار اساسی، باسواد کردن زنان است. از جمله ی کارهای بسیار مهم، کتاب خوان کردن زنان است. یک شیوه های ابتکاری پیدا کنید، برای این که خانم های داخل خانه را کتاب خوان کنید. متأسفانه زنان ما با کتاب خوانی خیلی انسی ندارند. هزاران کتاب در بازار می آید و می رود، اما اینها مطلع نمی شوند. این کتاب ها معارف بشری است که ذهن ها را برای بهتر فهمیدن، بهتر اندیشیدن، بهتر ابتکار کردن و در موضع بهتر و صحیح تری قرار گرفتن، آماده می کند. (2)

## 2. یادگیری روش های حل تعارض

### اشاره

وجود مشکلات و گرفتاری ها در زندگی، سنت الهی است و مهم در این جا، چگونگی مواجهه با این مشکلات است. آیا باید در برابر مشکلات تسلیم و ناامید شد یا باید برای حل و رفع آنها کوشید؟ باید دانست که هیچ انسانی بدون مشکل زندگی نکرده است و وجود اختلاف و تعارض در زندگی و در روابط میان همسران به ویژه در سال های اول زندگی، امری است طبیعی. آیت الله بهجت رحمه الله در این باره می فرمایند:

هماهنگی و موافقت اخلاقی بین مرد و زن در محیط خانواده از هر لحاظ و به صورت صد درصد برای غیر انبیا و اولیا غیر ممکن است. اگر بخواهیم محیط خانه، گرم و باصفا و صمیمی باشد، فقط باید، صبر و استقامت و گذشت و

ص: 72

1- بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان، 1370/10/04.

2- همان.

چشم پوشی و رأفت را پیشه خود کنیم تا محیط خانه گرم و نورانی باشد. (1)

بنابراین اگر پیرامون خود، زوج ها و خانواده هایی را مشاهده می کنیم که بدون اختلاف و تعارض و با صمیمیت و عشق زندگی می کنند، نشان از این دارد که آنها توانسته اند با صبر و حوصله و یادگیری و به کار بستن مهارت های حل تعارض از مشکلات و اختلافات عبور کنند و تنش و تلخی را از زندگی خود بیرون برانند.

آیت الله بهجت رحمه الله می فرمایند:

در مشکلات، باید بنشینیم و با هم تفاهم کنیم و نتیجه ی صحیح را بگیریم. اگر می خواهیم در زندگی به تفاهم برسیم، باید بنشینیم با هم تفاهم کنیم و هرکس عقل و فهم و شعور بیشتر دارد، باید جور نادان را بکشد و او را به راه راهنمایی کند. بهتر این است که به جای ایراد گرفتن، به فکر بر طرف کردن عیوب یک دیگر باشیم. باید راه توافق را پیدا کرد. اگر به آن نرسیم، زندگی ها بر باد خواهد رفت. توافق هم در پشت پرده ی یک گذشت مخفی است. (2)

فردی که برای اجرای خطبه ی عقد به خدمت مرحوم آیت الله آقا مجتبی تهرانى رسیده بود، می گوید:

با خانواده هایمان رفتیم به دفتر حاج آقا که ایشان خطبه ی عقدا مان را بخوانند. .. بعد از این که خطبه را خواندند، فرمودند: عروس و داماد بمانید، من با شما کار دارم...! خیلی خوشحال بودم، در عین حال کمی استرس داشتم که حاج آقا چه کاری با ما دارد؟ [فرمودند] ... هیچ وقت جلوی جمع از اشکال نگیرید؛ ... ولی به هر حال چون هدف خودسازی است، باید اشکالات رفتاری و اخلاقی یک دیگر را به هم به طور خصوصی و صمیمانه

ص: 73

1- همان.

2- رخشاد در محضر بهجت، ج 3، ص 186.



گوشزد کنید. همین خصوصی بودن هم باید با روی خوش و صمیمیت همراه باشد تا دلگیری به همراه نداشته باشد. پس سعی کنید در جمع خطا پوشی کنید و در نهان خطاها را به هم تذکر دهید. (1)

حجت الاسلام و المسلمین مرتضی آقا تهرانی نیز می گوید:

وقتی عقد کردیم و می خواستیم زندگی کنیم بلد نبودیم چه جوری باید زندگی کرد. بعضی ها هستند یک چیزهایی را که نمی دانند ادعا می کنند، کلی حرف می زنند؛ ولی نمی فهمند. این روحیه ی بدی است. اگر کسی بفهمد، متوجه اش می کند. در زندگی خودم، روز اول آمدم، دیدیم بلد نیستیم چه طور برخورد کنیم. به خانواده گفتم من قم کار دارم و باید بروم خدمت یکی از اساتید. آمدم قم و پرسیدم چه کار باید کرد؟ چند تا اصل را یادم دادند که خیلی عالی بود. یکی همین که در روایات اهل بیت هست و روان شناسان هم قبول دارند. همه ی اهل بیت فرموده اند وقتی با دیگری هستی «إِجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ غَيْرِكَ»؛ (2) خودت را میزان قرار بده هر چه برای خودت می خواهی، برای او هم بخواه، یکی دیگر این که آدم در زندگی غضب نکند؛ غضب کرد، تصمیم نگیرد. سوم این که در جاهایی که اختلاف سلیقه با خانم پیدا می کنی،.. خیال نکن نظرت وحی منزل است حتما مراجعه کن به آدم عاقل تری و مشورت بگیر. زندگی را جوری قرار بدهید که حضرت ولی عصر به خودشان اجازه بدهند، بیایند در زندگی شما. (3)

ص: 74

---

1- شورای سردبیری حاج آقا مجتبی، ص 124-125.

2- نهج البلاغه نامه 31.

3- مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی با تسبیح ذکر دوستت دارم را بگو، مجله خانه خوبان، پیش شماره 2، ص 25.

مسائل گوناگونی می توانند زمینه ساز تعارض و تنش میان همسران باشند؛ از جمله می توان به این موارد اشاره نمود ضعف باورها و رفتارهای دینی، اختلاف نظر در تکالیف اصلی زندگی و چگونگی تقسیم کارهای منزل، ضعف در ابراز عواطف و احساسات به هم دیگر، عدم آشنایی با مهارت های ارتباطی، اختلاف در چگونگی هزینه کردهای زندگی، زیاده روی در استفاده از رسانه ها و شبکه های اجتماعی، مشکل در ارتباط با خویشاوندان، مشکلات بیرونی مثل از دست دادن شغل، نداشتن روحیه مشورت، جابه جایی ها و مهاجرت، مسائل حل نشده گذشته، بی مبالاتی در ارتباط با نامحرمان، عیب جویی، بدخلقی بد دهانی و..... (1)

البته صرف شناسایی کافی نیست، بلکه باید راه حل ها هم شناسایی شوند و مورد استفاده قرار گیرند.

ص: 75

---

1- برای آگاهی بیشتر ر.ک: حسین خانی، الگوهای خانواده اخلاقی، ص 57-86.



فصل سوم : همسر داری

اشاره

ص: 77



همسررداری فصل مشترک میان زن و مرد است؛ زن و مردی که از دو جنس متفاوت هستند و اکنون کنار یک دیگر قرار گرفته اند تا نواقص خود را برطرف سازند یاد بدهند و یاد بگیرند، بر تجربه هایشان بیفزایند و کانونی گرم، مستحکم و پویا بسازند و آن چه آموخته، تجربه کرده و ساخته اند، به فرزندان بسپارند.

در بیانات مقام معظم رهبری دام ظلّه آمده است:

دختر و پسر باید سعی کنند این پیوند را پاسداری کنند. وظیفه ی یکی از آنها هم نیست که بگوییم هر کاری یکی کرد، دیگری تحمل کند. نه، باید هر دو به هم کمک کنند تا این کار صورت گیرد. (1)

نمی شود بگوییم شوهر سهم بیشتری دارد یا زن سهم بیشتری دارد. نه، هر دو در حفظ این بنیان و در حفظ این اجتماع دو نفره، که بعدها به تدریج زیاد می شود نقش دارند. (2)

در استحکام بنیان خانواده، خود زن و شوهر بیشترین نقش را دارند. با گذشت خودشان، با همکاری خود، با مهربانی و محبت و اخلاق خوب خودشان، که از همه مهم تر هم محبت است، می توانند این بنا را ماندگار و این سازگاری را همیشگی بکنند. (3)

ص: 79

---

1- بیانات در مراسم خطبه عقد، 1376/7/30؛ به نقل از پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری دام ظلّه.

2- همان، 1376/5/16.

3- همان 1379/11/17.

بنابراین همسری نقشی است بسیار با اهمیت و سرنوشت ساز سرنوشت ساز برای خود همسران، برای فرزندان، برای خانواده و برای جامعه.

خیلی از زن ها هستند که شوهر خودشان را بهشتی می کنند. خیلی از مردها هستند که همسر خود را حقیقتاً سعادت مند می کنند. موارد عکس این هم هست. ممکن است مردهای خوبی باشند، زن هایشان آنها را اهل جهنم کنند و زن های خوبی باشند که مرد هایشان آنها را اهل جهنم کنند. اگر چنان چه زن و مرد هر دو توجه داشته باشند، با توصیه های خوب، با همکاری های خوب، با مطرح کردن دین و اخلاق در محیط خانه، آن هم بیشتر از مطرح کردن زبانی، مطرح کردن عملی، این طور یک دیگر را کمک می کنند. آن وقت زندگی کامل و حقیقتاً وافی و شافی خواهد شد. (1)

همسران خوب از یک دیگر مراقبت اخلاقی دارند و می کوشند برای رشد و تکامل، هم دیگر را به اخلاق مداری و دین داری فراخوانند.

اگر خانم خانه می بیند شوهرش دارد دچار یک انحرافی می شود؛ فرضاً در یک معامله ی نامشروعی دارد قرار می گیرد، توی یک جریان غلطی دارد می افتد، توی پول درآوردن های نادرست دارد می افتد، توی رفیق بازی های ناسالم دارد می افتد، اول کسی که باید او را حفظ کند، اوست. (2)

اگر می بینید طرف شما، شوهر یا زن شما کاهل نماز است، به نماز کم اهمیت می دهد، به راستگویی کم اهمیت می دهد، به مال مردم کم اهمیت می دهد، به شغل دولتی کم اهمیت می دهد، او را بیدار کنید، به او بگویید، به او بفهمانید و کمک کنید که خودش را اصلاح کند. (3)

مهم ترین کمک به همسر این است که سعی کنید هم دیگر را دین دار نگه دارید.

ص: 80

---

1- همان ، 1374/6/13.

2- همان ، 1379/8/21.

3- همان، 1379/11/17.

مراقب باشید همسرتان خطای دینی نکند. این مواظبت هم به معنای پاسبانی و دیده بانی نیست. این مراقبت مراقبت اخلاقی است، مراقبت مهربانانه و مراقبت پرستارانه است. (1)

در این فصل، به نقش های مهمی پرداخته می شود که بانوی خانه با رعایت آنها، می تواند رونق زندگی را دو چندان کند و همسری همراه و موفق باشد.

## الف) مدیریت منزل

### اشاره

براساس آیه ی 34 سوره ی نساء که می فرماید «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ؛ مردان سرپرست زنانند» مرد سرپرستی، اداره و صیانت از همسر را برعهده دارد. این سرپرستی به معنای سلطه، مرد سالاری و زورگویی نیست. مرد بر حسب مدیریت، می تواند در تصمیم گیری ها و برنامه ریزی ها از اعضای خانواده، به ویژه همسریاری طلبیده، با او مشورت کند؛ چراکه مدیریت نوعی تدبیر است و اقتضای تدبیر درست، مشورت کردن، احترام متقابل و رعایت حقوق دیگران است. مسئولیت خانواده، وظیفه ی سنگینی است که برعهده ی او گذاشته شده و طبق آن نیز بازخواست می شود.

### 1. تقسیم کار

یکی از اصول مدیریت خانواده، تقسیم کار است. بدین معنا که هرکس در خانواده متناسب با توان، جایگاه و نقش خود مسئولیتی را می پذیرد. این مسئولیت پذیری، روحیه ی تعاون و همکاری را میان اعضای خانواده افزایش می دهد. امام باقر علیه السلام فرمود:

تَقَاضَى عَلَيَّ وَفَاطِمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْخِدْمَةِ فَقَضَى عَلَيَّ فَاطِمَةَ

ص: 81



بِخِدْمَةِ مَا دُونَ الْبَابِ وَقَصَّيْ عَلَى عَلِيٍّ بِمَا خَلْفَهُ قَالَ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ فَلَا يَعْلَمُ مَا دَاخَلَنِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ يَا كُفَّائِي رَسُولُ اللَّهِ ص تَحْمَلِ رِقَابِ الرَّجَالِ؛ (1) علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام برای داوری درباره ی تقسیم کارهای خود، نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم رفتند. پیامبر این گونه قضاوت کرد که کارهای داخل خانه را فاطمه انجام دهد و کارهای بیرون از خانه را علی. فاطمه فرمود: از اینکه پیامبر خدا مرا از برعهده گرفتن مسئولیت های مردان معاف ساخت، فقط خدا می داند که چه قدر خوشحال شدم.

از آن پس، فاطمه علیها السلام کار خانه، پخت و پزنان و جارو کردن اتاق را برای علی علیه السلام تضمین کرد و علی، کارهای بیرون از خانه، مانند حمل هیزم و آوردن مواد خوراکی را برای او برعهده گرفت. (2) از این رو منزل، بهترین قرارگاه برای زنان است (3) و آنان می توانند مسائل مربوط به داخل خانه را اداره کنند.

این تقسیم کار، مناسب با روحیه و ویژگی های زنانه است. مقام معظم رهبری دام ظلّه در دیدار اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان با ایشان می فرماید:

مسأله ی مادری، مسأله ی همسری، مسأله ی خانه و خانواده، مسائل بسیار اساسی و حیاتی است. در همه ی طرح هایی که ما داریم، بایستی «خانواده» مبنا باشد. یعنی شما اگر بزرگ ترین متخصص پزشکی یا هر رشته ی دیگری بشوید، چنان چه زن خانه نباشید، این برای شما یک نقص است. کدبانوی خانه شما باید باشید؛ اصلاً محور این است. اگر بخواهیم تشبیه ناقصی بکنیم، باید به ملکه ی زنبور عسل تشبیه کنیم. (4)

ص: 82

---

1- مجلسی، بحار الأنوار، ج 43، ص 81.

2- همان، ص 31، ح 38.

3- همان طور که در آیه ی 33 سوره احزاب فرمود: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ؛ و در خانه هایتان قرار گیرید».

4- بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان 1370/10/2.

اداره‌ی مدبرانه و عاقلانه‌ی امور منزل می‌تواند زمینه‌ی موفقیت مرد را فراهم سازد. مردان بزرگ، بیشتر موفقیت‌های خود را مدیون همسرانشان می‌دانند. درایت کامل حضرت فاطمه علیها السلام در خانواده، الگوی تمام عیار بانوان مسلمان می‌تواند باشد:

در طول ده سالی که پیامبر در مدینه بود، حدود نه سال، جنگ‌های کوچک و بزرگی ذکر کرده‌اند (حدود شصت جنگ اتفاق افتاده). در اغلب آنها امیرالمؤمنین هم بوده است. حالا - شما ببینید، او خانمی است که در خانه نشسته و شوهرش مرتب در جبهه است و اگر در جبهه نباشد، جبهه لنگ میماند... از لحاظ زندگی هم وضع رو به راهی ندارند؛ در حالی که دختر رهبر است، دختر پیامبر است، یک نوع احساس مسئولیت هم می‌کند. ببینید انسان چه روحیه قوی‌ای باید داشته باشد تا بتواند این شوهر را تجهیز کند، دل او را از وسوسه اهل و عیال و گرفتاری‌های زندگی خالی کند، به او گرمی بدهد، بچه‌ها را به آن خوبی تربیت کند... فاطمه زهرا علیها السلام این گونه خانه داری، شوهرداری و کدبانویی کردند و این طور محور زندگی فامیل ماندگار در تاریخ قرار گرفتند. (1)

مقام معظم رهبری دام‌ظله در اهمیت عقلانیت و هوشمندی زن در زندگی و همسرداری می‌فرمایند:

زن یک وظایفی دارد که عاقلانه باید آن وظایف را تشخیص دهد. زن‌ها بدانند که اگر زنی، عقل و هوشمندی به خرج دهد، مرد را اداره خواهد کرد. درست است که مرد از لحاظ هیكل قوی‌تر است؛ اما خدای متعال طبیعت زن را طوری آفریده که اگر زن و مرد، طبیعی و سالم باشند و زن عاقل باشد، کسی که در دیگری بیشتر نفوذ دارد، زن است که البته با زرنگی به خرج دادن

ص: 83

ورندی کردن و تحکم و زورگویی نمی توان به آن رسید، بلکه با ملایمت، استقبالِ خوب، خوش رویی، یک مقدار تحمل کردن - البته اندکی؛ خیلی هم لازم نیست تحمل کند - که خدای متعال در طبیعت زن، این تحمل را قرار داده است... زن باید با شوهر خود این طور برخورد کند. (1)

اگر مرد خانه، فعالیتی چه علمی و چه جهادی و سازندگی و چه برای کسب روزی و چه برای کارهای عمومی دارد، زن سعی کند فضای خانه را برای او مساعد کند که او بتواند با روحیه خوب سرکار برود و با شوق به خانه برگردد. (2)

همسر مرحوم علامه طباطبایی به گونه ای نقش خود را در منزل ایفا می کردند که دخترشان نقل می کند :

پدرم صاحب اختیار خانه و امور آن را مادرم می دانستند. مادرم به کارهای درس ما و رفت و آمدهایمان رسیدگی می کرد و همه مسائل را کنترل می کرد و به قدری با درایت عمل می کرد که پدرم با فراغت خاطر تمام، به امور علمی خود می پرداختند. (3)

آیت الله خامنه ای دام ظلّه در تبیین اهمیت مدیریت کدبانو در منزل می فرمایند:

وظایف داخل خانه ی زنان، نه اهمیتش کمتر از وظایف بیرونی است و نه این که زحمتش کمتر است. شاید زحمتش بیشتر هم باشد. او هم برای اینکه این محیط را اداره کند، به تلاش و کوشش احتیاج دارد. چون مدیر داخل خانه زنان هستند... خیلی کار پر زحمتی است. خیلی کار ظریفی است. فقط هم ظرافت زنانه از عهده ی انجام این کار بر می آید. هیچ مردی امکان ندارد بتواند این ظرافتها را رعایت کند. (4)

ص: 84

---

1- بیانات در مراسم خطبه عقد، 1372/03/19.

2- همان، 1373/9/2.

3- محمدی صیفار، مشق عشق، ص 28.

4- بیانات در اجرای خطبه عقد، 1381/06/06.

و در جای دیگر خطاب به زوج های جوان می فرمایند:

برخی فکر می کنند اگر زنی مثلاً کارش عبارت شد از همان کارخانه، این اهانت به زن است؛ نه! هیچ اهانت نیست بلکه مهمترین کار برای زن این است که زندگی را سرپا نگه دارد. (1)

فرزند علامه جعفری رحمه الله درباره ی معرفت مادر بزرگوارشان چنین می گوید:

علی رغم این که مادرم، سواد چندانی نداشت؛ ولی از معرفت بالایی برخوردار بود و این را فهمیده بود که کارهای فکری و خدمات علمی و اجتماعی ایشان [علامه جعفری] برای مردم مفید است و او به عنوان یک زن باید بستر زندگی را چنان فراهم کند که دغدغه ی خاطری نداشته باشد؛ بنابراین فشار ما بچه ها و رتق و فتق امور خانه بر دوش مادرم بود. وقتی علامه این فداکاری ها را می دیدند، مجذوب او می شدند. (2)

## ب) آرامش بخشی

### اشاره

یکی از وظایف همسر، آرامش بخشی در خانواده است که بر اساس قرآن کریم، آن را می توان در وجود همسر جست و جو کرد:

و از نشانه های او این که از [جنس] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان ها آرام گیرید. (3)

در بیان رهبر معظم انقلاب دام ظلّه آمده است:

همه ی مردها دوست دارند وقتی وارد خانه شدند خانه به آنها آرامش و امنیت بدهد و احساس راحتی و آسودگی کنند این وظیفه ی زن است. (4)

ص: 85

1- همان.

2- «ناگفته های زندگی علامه جعفری از زبان فرزندش بخش دوم»، «خبرگزاری حوزه، شناسه خبر: 242252، 1389/08/25».

3- وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا. (روم، آیه 21)

4- بیانات در مراسم خطبه ی عقد، 1378/1/24.

زن می تواند با انجام بعضی از رفتارها نقش آرامش بخشی را در خانواده ایفا کند.

## 1. سنگ صبور بودن

سنگ صبور بودن به معنای گوش کردن، همراهی و کاستن از آلام و نگرانی های همسر است. همسران می توانند سنگ صبور هم باشند؛ ولی نقش زن چشم گیرتر است؛ زیرا او بهتر از دیگران میتواند با لطافت و ظرافت خود، روحیه ی خسته و ناامید شوهر را در برابر مشکلات فراوان بیرون از خانه تغییر دهد.

مردی نزد پیامبر خدا آمد و گفت: زنی دارم که هرگاه وارد [خانه] می شوم، به استقبالم می آید و هرگاه [از خانه] خارج می شوم، بدرقه ام می کند و هرگاه مرا اندوهگین می بیند، می گوید: چرا اندوهگینی؟ اگر غم روزی ات را می خوری، غیر تو (خداوند) آن را برایت ضمانت کرده است و اگر غم آخرت را داری، پس خداوند براندوهت بیفزاید.

پیامبر خدا فرمود: خداوند کارگرانی دارد و این زن، یکی از کارگران اوست. برای او نصف پاداش شهید در نظر گرفته شده است. (1)

در خاطرات آیت الله حائری شیرازی آمده است:

... همین خانم [همسر ایشان] که در خانه بسیار بزرگ پدری زندگی می کرد، آمد همراه من به تبعیدگاهم در فومن در یک گالی پوش که روی سقفش چوب برنج می اندازند. منزل خواهر مرحوم آیت الله العظمی بهجت بود. خواهر ایشان و صبیبه شان در نصف این اتاق بودند، من و اهل بیت مان و یک بچه هم در آن طرف، وسطش تیغه بود. این خانم یک بار هم به من نگفت من را از آنجا آوردی این جا! (2)

ص: 86

---

1- وَجَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: إِنَّ لِي زَوْجَةً إِذَا دَخَلْتُ تَلَقَّيْتَنِي وَإِذَا خَرَجْتُ شَيَّعْتَنِي وَإِذَا رَأَيْتَنِي مَهْمُومًا قَالَتْ لِي مَا يُهْمُكَ إِنَّ كُنْتَ تَهْتَمُّ لِرِزْقِكَ فَقَدْ تَكْفَلُ لَكَ بِهِ غَيْرُكَ وَإِنْ كُنْتَ تَهْتَمُّ بِأَمْرِ آخِرَتِكَ فَرَأَدَكَ اللَّهُ هَمًّا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عُمَّالًا وَهَذِهِ مِنْ عُمَّالِهِ لَهَا نِصْفُ أَجْرِ الشَّهِيدِ. (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج 20، ص 32)

2- مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی مجله خانه خوبان، شماره 21.

### اشاره

یکی از نشانه های خانواده ی موفق و پایدار، وجود نشاط و شادی در آن خانواده است. امام کاظم علیه السلام در روایتی می فرمایند:

. وَإِيَّاكَ وَالضَّجَرَ وَالْكَسَلَ فَإِنَّهُمَا يَصْنَعَانِ حَظَّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ (1) از تنگ دلی و کسالت بپرهیز؛ زیرا هر دو تو را از بهره مندی دنیا و آخرت باز می دارد.

همسر بی نشاط و بی انرژی، هرگز نمی تواند نقش شوهرداری و خانه داری خود را به خوبی ایفا کند. چنانکه نمی تواند مادر موفقی در تربیت فرزندان سالم و با نشاط باشد. از این رو، زن در ایجاد نشاط و شادابی در خانواده نقش تعیین کننده دارد و با رعایت نکات زیر می تواند شادابی خانواده را دو چندان کند .

### 1-2. مثبت نگری

مثبت نگری، برجسته کردن نکات قوت و مثبت زندگی و اعضای خانواده است؛ چرا که آرامش خاطر و خوشی در زندگی، تا حدود زیادی به طرز تفکر و نگاه به قضایا بستگی دارد. مثبت نگری باعث میشود انسان بر اساس توانایی ها و داشته های طرف مقابل رفتار کند و انتظاری بیش از آن نداشته باشد و بر کمبودهای زندگی صبر کند. چنین کسی می کوشد از دل سختی ها و تلخی های زندگی راه هایی بیابد که نشاط و انرژی را به خانواده و همسرش هدیه کند و تحمل این دشواری ها را بر خود آسان نماید.

همسر آیت الله مهدوی کنی با بیان خاطراتی از سختی هایی زندگی و در عین حال شیرینی آن چنین می گوید "

ص: 87

مسافرت های خیلی خوبی داشتیم که در آنها خیلی به ما خوش می گذشت. سوریه که رفته بودیم، در یک زیرزمین که هفت هشت ده تا پله می خورد و پایین می رفت، اقامت کردیم و یک چراغ کوچک خوراک پزی گرفتیم و کمی برنج و گوجه تهیه کردیم و غذا پختیم.

با این همه نمی توانم برایتان توصیف کنم که چقدر به ما خوش گذشت و از همان زندگی لذت می بردیم، در حالی که هیچ کدام از خانواده های فقیر نبودیم. هم پدر ایشان در (کن) وضعیت مالی خوبی داشتند و در محدوده خودشان معروف بودند و هم پدر من وضع مالی بسیار خوبی داشتند، اما آموخته بودیم که باید روی پای خودمان بایستیم؛ همان طور که در برنامه دانشگاه [امام صادق علیه السلام] و جاهای دیگر همین رویه ادامه داشت. همیشه از صفر شروع کردیم و همیشه این زجرها و ناراحتی ها، برایم شیرینی داشت. مثلاً از این که موفق شدیم در سوریه به زیارت و یا این که موفق شدیم در این جا دانشگاه احداث کنیم. همیشه به مقصد رسیدن برایم شیرینی داشت. همه ی برنامه های زندگیمان را شیرین می دیدم و حال آن که همه ی آنها با سختی توأم بود. (1)

## 2-2. ایجاد فضای امن و شاد

### اشاره

خانه جایی است که کودکان و والدین با فضای گرم آن پیوند دارند، مهر و محبت زوج ها در آن شکوفا می شود، بالندگی خانواده و پرورش فرزندان در آن شکل می گیرد و پناهگاه روح و جسم انسان است و از همین رو می گویند «هیچ جا خانه ی آدم نمی شود». افراد آنگاه در خانه احساس خوب، امن و شادی دارند که همسر بتواند فضایی آرام در خانه ایجاد کند. راه های زیر می تواند به این امر کمک کند.

ص: 88

ابراز محبت اعضای خانواده به یک دیگر، گفت و گوی توأم با احترام و رفتار نیک از عواملی است که در افراد، امنیت روانی به وجود آورده و رضایت خاطر را فراهم می سازد. تفاوت خانه با دیگر مکان ها بیشتر به سبب آسایش و آرامشی است که درون خانه ایجاد شده است. مقام معظم رهبری در دیدار با همسر امام خمینی قدس سره می فرمایند:

بله، [ خانه ای که زن در آن نباشد ] مثل مسافرخانه است؛ حقیقتاً این جور است. گاهی که خانم چند باری بیمارستان بوده یا مثلاً یک مسافرت های کوتاهی - دور روز سه روز - به مشهد [ دارند ] من که خانه، می بینم همین خانه ی خودمان است، جاها معین است؛ اما مثل اینکه آدم وارد مسافرخانه شده! در مسافرخانه هم اتاق آدم معین است، جایش معین است، همه چیز [ سر جایش است ]؛ اما می فهمد که این جا خانه ی خودش نیست. بله، واقعاً من احساس مسافرخانه ای پیدا میکنم وقتی ایشان نیست. (1)

## 2-2-2. زدودن تنش ها

آیت الله بهجت رحمه الله در مورد ضرورت بردباری و پرهیز از جر و بحث می فرمایند:

هماهنگی و موافقت اخلاقی بین مرد و زن در محیط خانواده از هر لحاظ و به صورت صددرصد برای غیر انبیا و اولیا غیر ممکن است. اگر بخواهیم محیط خانه، گرم و باصفا و صمیمی باشد، فقط باید صبر استقامت، گذشت، چشم پوشی و رأفت را پیشه خود کنیم تا محیط خانه گرم و نورانی باشد. (2) اگر این ها نباشد، اصطکاک و برخورد پیش خواهد آمد و همه ی اختلافات خانوادگی از همین جا ناشی می شود. (3)

ص: 89

1- یاد و یادگار خاطراتی از دیدار حضرت آیت الله خامنه ای با همسر حضرت امام (1386/12/26)، ص 49.

2-

3- رخشاد در محضر آیت الله بهجت، ج 1، ص 300.



هم چنین ایشان با تأکید بر پرهیز همسران از جر و بحث می فرمایند:

در روابط خانوادگی، جواب گویی باید به صورت کلی کنار گذاشته شود؛ چرا که هیچ ثمره ای ندارد. طبیعت هر حیوانی بر خورد کردن را اقتضا می کند که اگر آن، یک شاخ زد، این هم دو تا شاخ بزند. انسانیت از آن جا شروع می شود که نزنند. ظرفیت اداره خانواده به این است که انسان تحمّل داشته باشد. شرح صدر داشته باشد. این حرف ها و نزاع ها را جدی نگیرد. به خدا واگذار کند و یا این که به دفتر شرع مراجعه کند و ببیند الآن وظیفه اش چیست؟

اگر به این نحو رفتار کردند، طرف مقابل هم به همین شکل رفتار خواهد کرد و قضیه حل می شود؛ ولی اگر آن بگوید و این هم بگوید و با یک دیگر مقابله کنند، دیگر حد پایانی وجود نخواهد داشت. (1)

مقام معظم رهبری دام ظلّه در بیان خاطره ای از حضرت امام می فرمایند:

بنای کار ازدواج، بر سازش دختر و پسر است؛ باید با هم بسازند. این «با هم بسازند»، معنای خیلی عمیقی دارد. من یک وقت خدمت امام رفتم. ایشان می خواستند خطبه عقدی را بخوانند؛ تا من را دیدند، گفتند: شما بیا طرف عقد بشو. ایشان برخلاف ما - که طول و تفصیل می دهیم و حرف می زنیم - عقد را اول می خواندند، بعد دو، سه جمله ی کوتاه صحبت می کردند. من دیدم ایشان پس از این که عقد را خواندند، رویشان را به دختر و پسر کردند و گفتند: بروید با هم بسازید. من فکر کردم، دیدم که ما این همه حرف می زنیم، اما کلام امام در همین یک جمله ی «بروید با هم بسازید»، خلاصه می شود! حالا ما هم عرض می کنیم که شما دختران و پسران، بروید با هم بسازید. سازش، اصل است. هر چیزی که با ساختن عروس و داماد، دختر و پسر، زن و شوهر منافات دارد، بایستی بیگانه تلقی بشود. این را اصل قرار بدهید. (2)

ص: 90

1- همان.

2- بیانات در مراسم خطبه عقد، 1370/04/20.

به هم ریخته بودن وسایل خانه، تمیز نبودن، وجود گردوخاک روی وسایل، نامرتب بودن لباس ها در اتاق ها، همه نشان از شلختگی، بی حوصلگی و تبلی همسر است. چنین خانه ای هیچگاه نمی تواند به اعضای خود نشاط ببخشد؛ از این رو از موارد مهم ایجاد شادمانی در خانواده، فضاسازی است. تمیز و مرتب نگه داشتن خانه، گردگیری، پوشیدن لباس تمیز و شاد، استقبال گرم و بالبخند، لحظه های آرامش بخش و صمیمی به اعضای خانواده اعطا می کند و باعث می شود که همه با یک دیگر احساس شادی و نشاط کنند.

مرد در کشاکش زندگی مردانه خود، احتیاج به یک لحظه ی آرامشی دارد تا بتواند راه را ادامه بدهد. آن لحظه ی آرامش کی است؟ همان وقتی است که او در محیط سرشار از محبت و عطوفت خانوادگی خودش قرار می گیرد. با همسر خودش که به او عشق می ورزد، با اوست، در کنار اوست و با او احساس یگانگی می کند. وقتی با همسر خود مواجه می شود، این همان لحظه آسایش و آرامش است. (1)

#### 4-2-2. شوخی کردن

شوخی کردن، مزاح و خندیدن با یکدیگر، به نشاط خانواده می افزاید. روایت شده که روزی علی علیه السلام با همسرش حضرت زهرا علیها السلام به صحرا رفته و به هنگام خوردن خرما، با گفتن کلماتی با یک دیگر مزاح کردند. علی علیه السلام فرمود: ای فاطمه! رسول خدا مرا بیشتر از تو دوست می دارد. حضرت زهرا علیها السلام گفت: از تو عجیب است! آیا می شود رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم تو را بیش از من دوست داشته باشد؟

ص: 91

در حالی که من میوه‌ی دل او و عضوی از پیکرش و شاخه‌ای از شاخسارش می باشم و غیر از من فرزندی ندارد؟ علی علیه السلام فرمود: ای فاطمه! اگر سخن مرا قبول نداری، بیا تا نزد پدرت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم برویم. سپس آن دو با هم نزد پیامبر رفتند. حضرت فاطمه پیش دستی کرده و گفت: ای رسول خدا! کدام یک از ما دو نفر نزد تو محبوب تریم، من یا علی؟ رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: تو به من محبوب تری و علی از تو برای من عزیزتر است. (1)

### 3. آزرده نساختن همسر

اخم کردن، نیش و کنایه زدن، ناسزا گفتن، بدرفتاری کردن، توقعات و

انتظارات بی جا داشتن، ناسپاسی نمودن و وظایف خود را به خوبی انجام ندادن از مواردی است که منجر به نارضایتی همسر و اختلاف در زندگی زناشویی می شود. زنی که مدام شوهر خود را بیازارد، چگونه می تواند همسری آرامش بخش باشد تا دیگران در پرتو آرامش او، به آسایش برسند. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در این زمینه می فرمایند:

هر زنی که شوهر خود را با زبان بد آزار دهد، خداوند هیچ احسان و نیکی و حسنه‌ای را از عملش قبول نمی کند، تا شوهرش را از خود راضی نماید. اگر چه روزها را روزه و شب‌ها را عبادت نماید و بردگان زیادی آزاد نموده و اسبان تیزرو در راه خدا به جهاد فرستد و چنین زنی اول کسی خواهد بود که وارد آتش می شود و هم چنین است مردی که به زن خود ظلم کند. (2)

ص: 92

---

1- ابن شاذان الفضائل، ص 80 و نیز رک مجلسی، بحار الانوار، ج 43، ص 38.

2- أَيَّمَا امْرَأَةٍ آذَتْ زَوْجَهَا بِلِسَانِهَا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا صِدْقًا وَلَا عَدْلًا وَلَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُرْضِيَهُ وَإِنْ صَامَتْ نَهَارَهَا وَقَامَتْ لَيْلَهَا وَأَعْتَقَتِ الرَّقَابَ وَحَمَلَتْ عَلَى جِيَادِ الْخَيْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَكَانَتْ أَوَّلَ مَنْ يَرِدُ النَّارَ وَكَذَلِكَ الرَّجُلُ إِذَا كَانَ لَهَا ظَالِمًا. (طبرسی، مکارم الاخلاق، ص 214)

هر زنی که با شوهرش مدارا نکند و او را بر آن چه قدرت ندارد، وادار نماید؛ خداوند از او هیچ حسنه ای نپذیرد، خدا را در حالتی ملاقات خواهد کرد که بروی خشمگین باشد. (1)

امام صادق علیه السلام نیز در این باره چنین می فرماید :

از رحمت خدا به دور است، از رحمت خدا به دور است آن زنی که شوهر خود را می آزارد و غمگینش می کند و خوشبخت است، خوشبخت است آن زنی که شوهر خویش را گرامی می دارد و آزارش نمی دهد و در همه حال از او فرمان می برد. (2)

### ج) مهرورزی

مهرورزی، ابراز علاقه محبت و دوستی به همسر است. خداوند متعال ایجاد مودت بین همسران را از جمله نشانه های خویش به شمار آورده است. (3) مودت تقریباً به معنای محبتی است که در مقام عمل ظاهر باشد. (4) براین اساس، به کارگیری عباراتی به منظور ابراز محبت قلبی، یکی از مهم ترین نمونه های مودت به همسر محسوب شده و در تقویت روابط همسران بسیار مؤثر است. با آنکه زنان بیشتر به ابراز محبت از طرف شوهر نیاز دارند؛ ولی مهرورزی نیاز هر دو طرف است و مرد که خارج از محیط خانه با مشکلات و سختی ها مواجه است، می تواند با دریافت محبت، علاقه و عشق از طرف

ص: 93

- 
- 1- أَيَّمَا امْرَأَةٍ لَمْ تَرْفُقْ بِرَوْجِهَا وَحَمَلَتْهُ عَلَى مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ وَمَا لَا يُطِيقُ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهَا حَسَنَةٌ وَتَلَقَى اللَّهَ وَهُوَ عَلَيْهَا غَضَبَانٌ . (همان)
  - 2- مَلْعُونَةٌ مَلْعُونَةٌ امْرَأَةٌ تُؤْذِي رَوْجَهَا وَتَعْمَهُ وَ سَعِيدَةٌ سَعِيدَةٌ امْرَأَةٌ تُكْرِمُ رَوْجَهَا وَلَا تُؤْذِيهِ وَتُطِيعُهُ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِ . (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 16، ص 280)
  - 3- وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ؛ از نشانه های او این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند! (روم، آیه ی 21)
  - 4- طباطبایی، المیزان، ج 16، ص 250.

همسرش، توان مواجهه با مشکلات را داشته و با نیروی بیشتری به کارش ادامه دهد. در بیانات مقام معظم رهبری دام ظلّه آمده است: محبت ورزیدن، یک امری است که در اوّل کار خدای متعال این را به شما می دهد؛ سرمایه ای است که در اوّل ازدواج، خدا به دختر و پسر هدیه می کند. به یک دیگر محبت پیدا می کنند. این را باید نگه داشت. محبت همسر شما به شما، وابسته به عمل شماست. اگر بخواهید همسرتان به شما آن محبتش محفوظ بماند، باید رفتار خودتان را محبت برانگیز کنید. حالا معلوم است که انسان چه کار باید بکند تا محبتش معلوم شود. بایستی وفاداری کنید، امانت نشان بدهید، صفا نشان بدهید، توقعات خود را خیلی بالا نبرید، باید همکاری کنید، باید اظهار محبت کنید، اینها محبت ایجاد می کند. هر دو نسبت به هم این وظیفه را دارند. محبت در زندگی باید باشد. همکاری باشد، ایرادگیری و زیاده طلبی نباشد. (1)

چگونه می شود پس از سال ها زندگی، مهر و محبت را هم چنان حفظ کرد یا آن را افزایش داد. در این راستا، فرمایش های مقام معظم رهبری راهگشاست.

اگر در زندگی محبت وجود داشت، سختی های بیرون خانه آسان خواهد شد. برای زن هم سختی های داخل خانه آسان خواهد شد. (2) در ازدواج، اصل قضیه محبت است. دخترها و پسرها این را بدانند. این محبتی را که خدا در دل شما قرار داده، حفظ کنید. (3) محبت که بود، وفاداری هم هست. بی وفایی و بی صفایی و خیانت به یک دیگر، دیگر نخواهد بود. محبت که بود، فضا، فضای اُنس می شود. فضای قابل تحمل و مورد استفاده و شیرین ایجاد می گردد. (4) اگر زن بخواهد شوهرش به او محبت بورزد، باید حرکت و تلاش

ص: 94

---

1- بیانات در مراسم خطبه ی عقد، 1376/12/19.

2- همان، 1377/8/11.

3- همان، 1374/10/17.

4- همان، 1376/9/24.

کند. اگر مرد بخواهد زنش او را دوست داشته باشد، باید یک تلاشی انجام بدهد. محبت محتاج تلاش و ابتکار است. (1)

علامه طباطبایی رحمه الله پس از فوت همسرشان، علت آن همه تأثر قلبی را چنین بیان می فرمایند:

مرگ حق است. همه باید بمیریم. من برای مرگ همسرم گریه نمی کنم. گریه من برای صفا و کدبانوگری و محبت های خانم است. ما زندگی پرفراز و نشیبی داشته ایم. در نجف اشرف با سختی هایی مواجه می شدیم، من از حوایج زندگی و چگونگی اداره آن بی اطلاع بودم. اداره زندگی به عهده خانم بود. در طول مدت زندگی ما، هیچ گاه نشد که خانم کاری بکند که من حداقل در دلم بگویم کاش این کار را نمیکرد یا کاری را ترک کند که من بگویم کاش این عمل را انجام داده بود. در تمام دوران زندگی ما، هیچگاه به من نگفت چرا فلان عمل را انجام دادی؟ یا چرا ترک کردی؟ (2)

### (د) پرهیز از منت گذاشتن

هر چند از دیدگاه اسلام، تأمین نیازهای مالی خانواده بر عهده ی مرد است؛ اما زنان نیز در صورت تمکن مالی می توانند بخشی از بار هزینه های زندگی را به دوش کشند. با وجود این، آن چه از اهمیت ویژه برخوردار است، آن است که این همیاری نباید موجب منت گذاری بر همسر شده و روزی به رخ او کشیده شود. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

کسی که بر فقرا منت بگذارد، در دنیا و آخرت ملعون است و شخصی که بر پدر، برادر و برادران مسلمانش منت بگذارد، از رحمت خداوند و ملائکه به دور می باشد؛ به آتش جهنم نزدیک است؛ دعایش مستجاب نمی شود؛ خواسته اش

ص: 95

---

1- همان، 1377/1/19.

2- حسینی طهرانی، مهر تابان، ص 25.

برآورده نمیگردد و خداوند در دنیا و آخرت به سوی او نگاه نمی کند. (1)

نیز فرمودند:

اگر همه ی طلا و نقره های زمین را زن به خانگی شوهرش ببرد، سپس روزی از روزها بر سر او بزند و بگوید تو کیستی؟ این دارایی مال من است! اعمالش بر باد می رود، اگر چه از عابدترین مردمان باشد؛ مگر آن که توبه کند و از سخنش برگردد و از شوهرش پوزش بخواهد.

(2)

حضرت خدیجه علیها السلام در طول زندگی مشترکش با پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم هیچ گاه از سرمایه و اموالی که در اختیار همسرش قرار داده بود، نامی به میان نیاورد و منتهی بر همسرش نگذاشت. پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله وسلم نیز کلامی را که موجب فخرفروشی و باعث رنجش خدیجه باشد، بر زبان جاری نکرد، بلکه همیشه از ایثار و خودگذشتگی هم دیگر صحبت می کردند. نه پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم حُسن جمال و حُسن اخلاق و نبوتش را به رخ حضرت خدیجه علیها السلام می کشاند و نه خدیجه علیها السلام سرمایه و موقعیت اجتماعی اش را به رخ پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می کشاند. آنان بعد از ازدواج، تمام فخرفروشی های بی اساس و ظاهری را کنار گذاشته و با صمیمیت و وفاداری به هم دیگر، به فکر پیشبرد هدف مشترکشان بودند. (3)

ص: 96

---

1- عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْمَتَانُ عَلَى الْفُقَرَاءِ مَلْعُونٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْمَتَانُ عَلَى أَبَوَيْهِ وَإِخْوَتِهِ وَأَخَوَاتِهِ بَعِيدٌ مِنَ الرَّحْمَةِ وَبَعِيدٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ قَرِيبٌ مِنَ النَّارِ لَا يُسْتَجَابُ لَهُ دَعْوَةٌ وَلَا يُفْضَى لَهُ حَاجَةٌ وَلَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (دیلمی، إرشاد القلوب، ج 1، ص 194)

2- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْ أَنَّ جَمِيعَ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ ذَهَبٍ وَفِضَّةٍ حَمَلَتْهُ الْمَرْأَةُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا ثُمَّ صَرَبَتْ عَلَى رَأْسِ زَوْجِهَا يَوْمًا مِنَ الْأَيَّامِ تَقُولُ مَنْ أَنْتَ إِنَّمَا الْمَالُ مَالِي حَبَطَ عَمَلُهَا وَلَوْ كَانَتْ مِنْ أَعْبَادِ النَّاسِ إِلَّا أَنْ تَتُوبَ وَتَرْجِعَ وَتَعْتَدِرَ إِلَى زَوْجِهَا. (طبرسی، مکارم الاخلاق، ج 1، ص 441، ح 1516)

3- مجلسی، بحار الأنوار، ج 16، ص 78.

اشاره

اسلام به رعایت حقوق و مسئولیت پذیری افراد (1) تأکید شدید دارد و کسانی را که مسئولیت پذیر نیستند، نکوهش می کند. با پیوند زناشویی میان زن و مرد، حقوق و وظایف متقابلی برعهده ی آنان گذاشته می شود که ملزم به رعایت آنها هستند. سرپرستی و مدیریت خانواده، پرداخت مهریه، تأمین نفقه، تهیه مسکن مناسب، اکرام و مدارا و مراقبت های دینی و اخلاقی از وظایف شوهر به شمار می رود. اما زن نیز وظایفی دارد که در اینجا به صورت کوتاه بیان می شود.

1-1. اطاعت

یکی از حقوق شوهر برزن، اطاعت از اوست. اطاعت در لغت به معنای پیروی، فرمان بردن و گردن نهادن همراه با فروتنی و رغبت است. (2) زنی به نام خوله، خدمت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم رسید و گفت: «من خود را برای شوهرم همانند عروسی که به خانه اش می برند، معطر می سازم و به بسترش می روم؛ ولی او به من پشت می کند. آنگاه به مقابل او می روم؛ ولی باز هم به من پشت می کند؛ به طوری که فکر می کنم از من نفرت دارد. ای پیامبر خدا! می فرمایید چه کنم؟ پیامبر فرمود: پروای خداوند در پیش گیر و از شوهرت اطاعت کن.»

ص: 97

---

1- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ... الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ، وَ الْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ؛ هر یک از شما که [به گونه ای] سرپرست است، درباره زیر دستیش بازخواست میشود.... مرد سرپرست خانواده خویش است و درباره ی آنها از او بازخواست می شود. زن نیز سرپرست خانه شوهر خود و فرزندان اوست و درباره ی آنها از او سؤال خواهد شد. (دیلمی، ارشاد القلوب، ج 1، ص 184)

2- دهخدا، لغت نامه ذیل واژه اطاعت راغب اصفهانی، المفردات فی الفاظ القرآن الکریم، ص 529.



در ادامه حدیث، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم برخی از مصادیق اطاعت را بیان می کنند: «... خوله گفت: و حق او بر من چیست؟ فرمود حق او بر تو این است که از خانه اش جز با اجازه ی او بیرون نروی (1) و جز با اجازه ی او روزه مستحبی نگیری و از [ اموال] خانه اش جز با اجازه ی او صدقه ندهی و اگر حتی بر پشت پالان [چهارپا] سوار بودی و تو را خواست اجابتش کنی.» (2)

زنی نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم آمد و گفت: من فرستاده ی زنانم و هر زنی که بداند یا نداند که من نزد شما آمده ام، از این عمل خشنود است. خداوند، پروردگار مردان و زنان است و شما پیامبر آنان. خداوند جهاد را بر مردان واجب ساخته که مردان از آن ثواب برند و اگر به شهادت رسند، نزد خدا روزی دارند. در قبال این چه چیزی به زنان داده شده؟ فرمود: شناخت حقوق شوهر و فرمانبرداری از آنان جهاد است؛ ولی اندکی از زنان چنین کنند. (3)

ص: 98

1- البته سخن بالا بدین معنا نیست که برای هر بار بیرون رفتن از شوهر اجازه بگیرد، بلکه اگر بداند شوهرش با بیرون رفتن او مشکل ندارد، کافی است. بعضی از مراجع نیز گفته اند در واجبات و ضروریات زندگی، اجازه لازم نیست. (برای توضیح بیشتر ر.ک: فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج 1، س 1625؛ صافی گلپایگانی، توضیح المسائل، م 2421؛ امام خمینی استفتانات، ج 3، حقوق زوجیت س 16؛ بهجت، توضیح المسائل متفرقه، م 18؛ وحید خراسانی توضیح المسائل، م 2476؛ نوری همدانی توضیح المسائل، م 2408؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، م 337؛ تبریزی توضیح المسائل، م 2421؛ مکارم شیرازی، استفتانات، ج 2، س 963)

2- قَالَ حَقُّهُ عَلَيْكَ أَنْ لَا تَخْرُجِي مِنْ بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَلَا تَصُومِي تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَلَا تَتَّصِدِّي مِنْ بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَإِنْ دَعَاكَ عَلَى ظَهْرٍ قَتَبٍ تُجِيبِيهِ . (طبرسی، مکارم الاخلاق، ج 1، ص 469، ح 1605)

3- وجائته رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم امرأة فقالت: اني رسولة النساء اليك و الله ما منهن امرأة علمت او لم تعلم الا وهي تهوى مخرجى اليك الله رب الرجال والنساء واله هن وانت رسول الله الى الرجال والنساء، كتب الله الجهاد على الرجال فان اصابوا اجر و ان استشهدوا كانوا احياء عند ربهم يرزقون فما يعدل ذلك من النساء قال: طاعتهن لازواجهن والمعرفة بحقوقهم و قليل منكن يفعلنه . (الهندي، كنز العمال، ج 5، ص 862)

تمکین، یعنی زن به وظایف زناشویی خود در برابر شوهر خود عمل کند و خواسته های جنسی مشروع او را برآورده سازد و ممانعت ننماید. (1) حق بهره گیری جنسی از همسر، مهم ترین حق شوهر بر زن است و با صرف نظر از برخی استثناها، به ویژه موارد ضرر داشتن ارتباط جنسی برای زن، محدودیت خاصی برای آن در نظر گرفته نشده است. (2) به همین دلیل، در کنار عقیف بودن زن، برخورداری وی از شهوت جنسی نیز ویژگی همسر مطلوب به شمار آمده است. (3)

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

برای هیچ زنی، روا نیست که بخوابد، مگر این که [پیش از آن] خودش را به شوهرش عرضه کند. جامه هایش را در آورد، در بستر او در آید و پوست خود را بر پوست او بچسباند. اگر چنین کند، پس خود را عرضه کرده است. (4)

این روایت نشان می دهد که تنها تمکین خشک و بی روح، تأمین کننده ی نیاز نیست و همسر باید با اشتیاق به شوهر خود نزدیک شود. البته وظیفه ی تأمین نیاز غریزی، متوجه شوهر نیز هست. در روایات از این که مرد نیاز خود را برطرف سازد و بدون برآورده ساختن نیاز همسر، از وی فاصله گیرد، نهی شده است.

ص: 99

1- خویی، صراط النجاة، ج 3، ص 249، سؤال 738.

2- بستان اسلام و تفاوت های جنسیتی، ص 26.

3- عن النبی صلی الله علیه وآله وسلم : خَيْرُ نِسَائِكُمُ الْعَفِيفَةُ الْعَلِيمَةُ فِي فَرْجِهَا الْعَلِيمَةُ عَلَى زَوْجِهَا؛ بهترین زنان شما زنی است که عقیف و برای همسرش برخورداری از شهوت باشد (الراوندي، النوادر، ص 13)

4- عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَا يَجِلُّ لِامْرَأَةٍ أَنْ تَنَامَ حَتَّى تَعْرِضَ نَفْسَهَا عَلَى زَوْجِهَا تَخْلَعُ ثِيَابَهَا وَتَدْخُلُ مَعَهُ فِي لِحَافِهِ فَتُلْزِقَ جِلْدَهَا بِجِلْدِهِ فَإِذَا فَعَلَتْ ذَلِكَ فَقَدْ عَرَضَتْ. (حر عاملی، وسایل الشیعه، ج 20، ص 176)

### 1-3. رعایت عفاف و حیا در معاشرت با نامحرم

واژه ی عفاف از ریشه «عف» به معنای «خودداری از حرام و پرهیز از سخن یا عمل ناپسند» (1) و «پارسایی و پرهیزکاری» (2) معنا شده است. حیا نیز «محدودیت و در تنگنا افتادن نفس در ارتکاب محرمات شرعی و عقلی و عرفی، از ترس نکوهش و سرزنش است و آن اعم از تقواست؛ زیرا تقوا اجتناب از گناهان شرعی است، و حیا اعم است از این و اجتناب از آن چه عقل و عرف نیز زشت و ناپسند می دانند و این از صفات شریف نفس است» (3).

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْإِيمَانُ فِي الْجَنَّةِ؛ (4) حياء از (لوازم) ایمان و ایمان (یعنی شخص با ایمان در آخرت) در بهشت است.

نیز می فرمایند:

بهترین زنان شما کسی است که چون با همسرش خلوت کند، جامه ی حیا از خود برکنند و چون بپوشد و همراه او شود زره حیا را برتن کند. (5)

حضرت بهترین زن را کسی میدانند که چنان با وقار و سنگین راه برود که تیره های نظر جوانان هرزه، اجازه ورود به شخصیت او را نداشته باشد؛ ولی در خلوت با شوهر هرگونه ظرافت کاری، طنازی و عشوه گری برای زن نه تنها

ص: 100

1- العِفَّة: الكَفُّ عما لا يَحِلُّ وَيَجْمَلُ. (ابن منظور، لسان العرب، ج 9، ص 253).

2- دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج 10، ص 14081.

3- الحياء وهو انحصار النفس و انفعالها من ارتكاب المحرمات الشرعية والعقلية و العادية حذرا من الدم و اللوم، و هو أعم من التقوى، إذ التقوى اجتناب المعاصی الشرعية، و الحياء يعم ذلك و اجتناب ما يقبحه العقل و العرف أيضا، فهو من شرائف الصفات النفسية. (نراقی، جامع السعادات، ج 3، ص 47)

4- کلینی، الکافی، ج 2، ص 106.

5- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خَيْرُ نِسَائِكُمُ الَّتِي إِذَا خَلَّتْ مَعَ زَوْجِهَا خَلَعَتْ لَهُ دِرْعَ الْحَيَاءِ وَإِذَا لَبَسَتْ لَبَسَتْ مَعَهُ دِرْعَ الْحَيَاءِ. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 20، ص 29)

جایز، بلکه بهتر است. عفت در روابط جنسی، پوشش (1)، خودنمایی (2)، نگاه (3) و عفت در راه رفتن از مصادیق مهم عفت به شمار می روند.

از امیر مؤمنان علیه السلام روایت است که :

شخص نابینایی از حضرت فاطمه علیها السلام اذن خواست تا داخل خانه شود. فاطمه علیها السلام خود را از او پنهان کرد. پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم به فاطمه فرمود: به چه سبب خود را پنهان کردی و حال آن که این مرد نابینا تو را نمی بیند؟ عرض کرد: اگر او مرا نمی بیند، من او را می بینم. اگر در پرده نباشم، بوی مرا استشمام می کند. حضرت فرمود: شهادت می دهم که تو پاره ی تن من می باشی. (4)

یکی از نمونه های قرآنی حیا و عفاف، دختران حضرت شعیب و ماجرای برخورد آنان با حضرت موسی علیه السلام است. وقتی که موسی علیه السلام از چنگال فرعونیان گریخت و پس از طی مسیر طولانی و با پای پیاده به شهر «مدین» رسید، گروهی را دید که برای آب دادن به گوسفندانشان، گرد چاه اجتماع کرده بودند. کمی دورتر از آنها دو دختر را مشاهده کرد که از پراکنده شدن و مخلوط شدن گوسفندان خود با دیگر گوسفندان جلوگیری می کردند. موسی علیه السلام از آنان پرسید: چه می کنید؟ گفتند: ما گوسفندان خود را آب نمی دهیم تا آنکه چوپان ها از آب دادن گوسفندان خود فارغ شوند؛ یعنی عادت ما این است و پدرمان پیرمردی سال خورده است که نمی تواند خودش برای آب دادن به گوسفندان بیاید؛ از

ص: 101

- 
- 1- ... وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ اگر آنها نیز با پوشش خود عفت پیشه کنند، برای خودشان بهتر است (نور، آیه 60)
  - 2- وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى .... و در خانه هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینتهای خود را آشکار مکنید. (احزاب، آیه 33)
  - 3- علی علیه السلام وَ مِنْ وَرَعِهِ عِفَّةٌ بَصْرِهِ وَ عِفَّةٌ بَطْنِهِ؛ از تقوای شخص، عفت او در نگاه و شکم است. (محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج 12، ص 170)
  - 4- راوندی النوادر، ص 119، و قمی، منتهی الآمال، ج 1، ص 161.

این رو، ما این کار را می‌کنیم. (1) موسی علیه السلام که از گفتار آن دو دختر فهمیده بود که کناره گیری آنان از آب دادن به گوسفندان، هم به دلیل نوعی حُجب و حیا و عفت آنان و هم به خاطر ستم مردم به آن دو است، پیش رفت و برای آنها آب کشید و گوسفندان ایشان را سیراب کرد. (2) هنگامی که دختران بازگشته ماجرا را برای پدرشان نقل کردند، او یکی از آنان را به دنبال موسی علیه السلام فرستاد تا مزد آب کشیدن از چاه را به او بدهد. یکی از آن دو دختر که با نهایت حیا گام برمی‌داشت و پیدا بود که از سخن گفتن با یک جوان بیگانه شرم دارد، به سراغ او رفته و به او گفت: پدرم از تو دعوت می‌کند تا پاداش آبی را که از چاه برای گوسفندان ما کشیدی به تو بدهد. (3) در این جا، نحوه ی گام برداشتن دختر شعیب، آن چنان با حیا توأم بود که خداوند نحوه ی راه رفتن او را در قرآن متذکر شد (4) و از آن جا که کلمه ی «استحیاء» را نکره و بدون الف و لام ذکر کرد، عظمت آن حالت را نیز به نمایش گذاشت. قرآن کریم با بیان این ماجرای کوتاه، صحنه های بزرگی از حیای دختران شعیب در روبه رو شدن با نامحرمان را به تصویر کشیده است. اما جالب آن است که در فرهنگ قرآن، «حیا» مفهوم خاص خود را دارد و با خجالت و شرم بی مورد که به اشتباه، بعضی آن را حیا نامیده اند، متفاوت است. برخی می‌پندارند که حیای زن در آن است که در

ص: 102

- 
- 1- وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْتَأْذِنُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءَ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ. (قصص، آیه 23)
  - 2- طباطبایی، المیزان، ج 16، ص 34.
  - 3- فَبَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. (قصص، آیه 25)
  - 4- طباطبایی، همان، ص 35.

کنج خانه پنهان شده، هرگز سخنی با مردان بیگانه نگوید راه علم و دانش را نپوید و تنها به انجام وظایف خانه داری پردازد؛ حال آنکه شیوه ی زندگی زنانی که قرآن آنان را ستوده این چنین نبوده؛ بلکه زنی که با آموزه های انبیا رشد نموده، موجودی است که بنای نظراتش را با ساختار مستحکم فکری بنا کرده، راه علم و دانش را در پیش گرفته، بر مبنای علم عمل نموده و آن چه را که درست می داند، آزادانه بیان می کند .

همین داستان دختران شعیب، به خوبی مرز میان حیای بجا و حیای نابجا را مشخص می سازد. دختران شعیب با حفظ عفاف کامل خود، وارد صحنه های اجتماعی و اقتصادی شده و در جایی که پدرشان قدرت انجام کار ندارد، مسئولیت سنگین اداره ی اقتصادی خانواده را عهده دار می شوند و آنگاه که موسی علیه السلام در مورد علت آب ندادن به گوسفندان سؤال می کند با کمال متانت و وقار به او جواب میدهند و حتی، آنگاه که قرار شد شعیب علیه السلام مزد آب دادن موسی علیه السلام را بدهد، یکی از آنان به تنهایی به دنبال موسی روانه شد و با کمال حیا و صلابت، مطلب را به موسی گفت و او را تا منزل پدر راهنمایی نمود. همه ی این موارد، نشانگر آن است که حیا و نجابت یک زن به عزلت و گوشه گیری و بریدن از اجتماع نیست، بلکه به آن مفهوم است که در عین حضور در صحنه های اجتماعی، پایبند به دستورهای دینی در مورد نحوه ی معاشرت باشد. (1)

ص: 103

#### 4-1. امانت داری و حفظ اموال شوهر

زنان صالح نه تنها در حضور شوهر، بلکه در غیاب او نیز از هر جهت، امانت دار عفت خود و اسرار و اموال خانوادگی هستند. قرآن می فرماید:

فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ؛ (1) پس زنان شایسته، زنانی خاضع [در برابر نظام خانواده] اند که در غیاب همسر، اسرار و حقوق او را که خدا برای او قرار داده حفظ می کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نیز در این رابطه می فرمایند:

پس از اسلام، هیچ نعمتی برای مرد بهتر از زن مسلمانی نیست که هرگاه به او بنگرد، مسرورش کند و هرگاه به او فرمان دهد، اطاعتش نماید و در غیاب او حافظ ناموس و مالش باشد. (2)

#### 2. پاسداشت اخلاق

##### اشاره

علاوه بر لزوم رعایت حقوق زن و شوهری، بهتر است نسبت به رعایت مسائل اخلاقی در خانواده بیشتر از حقوق توجه شود؛ زیرا زندگی اخلاق مدارانه است که دل های همسران را به یک دیگر نزدیک کرده، مهر و محبت را افزایش داده و زمینه های سازگاری را فراهم می سازد. برخی از نکات اخلاقی که شایسته است زن نسبت به شوهر خود مراعات کند عبارتند از:

ص: 104

---

1- نساء، آیه 34 .

2- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 389، ح 4368 .

در سفارش مقام معظم رهبری دام‌ظله به زوج‌های جوان آمده است: زن و شوهر باید به یک‌دیگر احترام بگذارند، نه احترام ظاهری و تشریفاتی، بلکه احترامی واقعی. (1)

احترام به این معنا نیست که مثلاً هم‌دیگر را با القاب و آداب صدا کنند، بلکه قلباً مرد نسبت به زن خود و زن نسبت به مرد خود، احساس احترام داشته باشند. احترام را در قلب خود نگهدارید؛ برای هم حرمت قایل باشید؛ این در اداره‌ی زندگی مهم است. بین زن و شوهر، اهانت و تحقیر و تذلیل نباشد. (2)

حضرت خدیجه علیها السلام به رغم اموال فراوان و موقعیت اجتماعی ویژه‌ای که داشت، در برخورد با رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم همواره حرمت او را پاس می‌داشت و کوچک‌ترین رفتاری که نشانی از اظهار برتری دهد از خود بروز نمی‌داد. جلوه‌ای عالی از این رفتار را می‌توان در ماجرای عروسی آن دو سراغ گرفت. آن‌گاه که مراسم عقد و جشن پایان یافته بود و پیامبر می‌خواست به خانه عمویش ابوطالب برگردد، ملکه بطحا و بانوی قریش که اینک همسر او شده بود، این‌گونه او را مخاطب قرار می‌دهد: «إِلَى بَيْتِكَ، فَبَيْتِي بَيْتُكَ وَأَنَا جَارِيَّتُكَ» (3) به خانه‌ی خودتان وارد شوید، خانه‌ی من، خانه‌ی شماست و من کنیز شما هستم». البته این همه احترام و پاسداشت به خاطر عقیده و ایمان او به توحید بود و بس. (4)

حجت الاسلام والمسلمین فرحزاد از یکی از اساتیدشان چنین نقل می‌کند:

ص: 105

1- بیانات در مراسم خطبه‌ی عقد، 1380/1/2.

2- همان، 1371/9/19.

3- مجلسی، بحار الأنوار، ج 16، ص 4.

4- «نگاهی به ویژگی‌های رفتاری اولین بانوی مسلمان نسبت به پیامبر» مجله مبلغان، ش 23 آذر 1380.



خانواده ای را که شما تشکیل می دهید، آن را شعبه ای از خانواده اهل بیت بدانید. خانم به همسرش به قصد احترام به امیرالمؤمنین علی و آقا به قصد احترام به حضرت فاطمه علیها السلام همسرش را خدمت کند. چون شیعیان از اهل بیت هستند. روایات فراوانی به این مضمون داریم که می گویند: اگر کسی به ما دسترسی ندارد، به دوستان ما محبت کند. (1)

استاد سید صدرالدین حائری شیرازی می گوید:

روزی همسر استادم [علامه طباطبایی] می گفت: «هنوز هم میان من و ایشان تعارفات مرسوم وجود دارد و علامه تاکنون با تعبیر سبکی نام مرا نبرده و هرگز اسم مرا به تنهایی نمی برد.» بی جهت نیست که علامه در مرگ چنین همسر فداکار و همدلی اشک می ریزد، ناله سر می دهد و بعد از فوت او می گوید: «وقتی این بانو از دنیا رفت زندگی من زیر و رو شد.» (2)

## 2-2. ابراز عملی محبت

همسر مرحوم آیت الله مهدوی کنی درباره ی رفتارهای محبت آمیزشان با یک دیگر چنین تعریف می کند:

بچه ها هم پدرشان و هم مراقب بودند. هیچ وقت جلوی بچه ها بحث و برخوردی نداشتیم. البته پشت سر هم همین طور بود. همیشه به تفاهم می رسیدیم؛ در حالی که خیلی جاها هم تفاوت داشتیم. ... در تمام سختی ها، مشکلات و بیماری های ایشان، در کنارشان بودم. بیماری اخیر را که همه دیدند، ولی قبلاً پیش می آمد که مثلاً در سی سی یو پنج شب و پنج روز غیر از وقت نماز، تمام مدت روی صندلی در کنار ایشان می نشستم که ایشان هر بار چشمشان را باز می کنند، ببینند تنها نیستند و من در کنارشان هستم. در مسافرت ها وقتی مشکلی پیش می آمد، با وجود اینکه مردها خیلی

ص: 106

---

1- معاونت تربیتی - فرهنگی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی مجله خانه خوبان، ش 19، ص 8.

2- نظری آن مرد آسمانی، ص 56.

ابراز نمی کنند، ولی همه می دانستند و می گفتند: خانمشان را بگوئید بیاید. چند سال قبل در لبنان، که از طرف رهبری برای تشییع جنازه مرحوم شیخ محمد مهدی شمس الدین رفته بودند و در اثر دیدن زندان خیام و شکنجه ها، مشکلی قلبی برایشان پیش آمده بود، فوراً گفتند: دنبال خانمشان بفرستید! وقتی خبر را شنیدم، حس کردم دیگر تمام کردم و انگار قلبم ایستاد! چون فکر کردم ایشان در آنجا از دست رفته اند! یا مثلاً سال ها قبل از آن و در دوران رژیم گذشته که در زندان بودند، ایشان در آن طرف دیوارهای زندان رنج می کشیدند و من این طرف و دل همه سربازها و مأمورها برای من و فرزندانم می سوخت! چون واقعاً پر و بال می زدیم تا شاید بتوانیم ایشان را ببینیم. (1)

همسر شهید مطهری رحمه الله می گوید :

بعد از چندین سال زندگی، همان مهر و محبت روزهای اول ازدواج بین ما برقرار بود. (2)

دختر شهید مطهری رحمه الله در خاطره ای می گوید:

شاید اگر بگویم محترمانه ترین رفتاری که در ذهنم نقش بسته، رفتار متقابل پدر و مادرم بوده، اغراق نکرده ام. مادرم زنی فهیم، کوشا، تحصیل کرده و نیز اهل علم و معرفت و شعر بودند. با تمام وجود، موقعیت پدرم را درک می کردند و متقابلاً پدرم نیز رفتاری بسیار محبت آمیز و صمیمی با ایشان داشتند. (3)

### 3-2. آراستگی

حفظ آراستگی ظاهری و رسیدگی به وضعیت جسمی، از جمله اموری است که به سلامت اخلاقی خانواده می انجامد. خداوند زن را به گونه ای آفریده که در پی ابراز زیبایی است و مرد را نیز به گونه ای آفریده که خریدار

ص: 107

- 1- «گفت وگویی خواندنی فارس با همسر آیت الله مهدوی کنی» خبرگزاری فارس، 1394/7/21.
- 2- سرگذشت های ویژه به روایت جمعی از یاران، ج 2، ص 109.
- 3- محمدی صیفار، مشق عشق، ص 48؛ به نقل از خانم سعیده مطهری (دختر شهید مطهری).

این زیبایی است و این امر، یکی از عوامل مهم در تحکیم روابط زناشویی می باشد. در آموزه های دینی به آرایش زن برای شوهرش، سفارش های زیادی شده و در حدیثی از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم آمده است:

اگر زن خود را برای شوهرش نمی ساخت، بی گمان در دل او جا نمی گرفت. (1)

البته آرایش زن برای غیر شوهر جایز نیست، چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

ای حولاء! زیور خود را برای غیر شوهرت نمایان مساز. ای حولاء! برای هیچ زنی حلال نیست که مچ و پای خویش را برای مردی جز شوهرش آشکار سازد. هرگاه چنین کند، پیوسته مورد لعنت و ناخشنودی خدا قرار می گیرد و خداوند بر او خشم می گیرد و فرشتگان خدا لعنتش می کنند و برایش عذابی دردناک آماده می سازد. (2)

خانم زهرا مصطفوی، دختر امام خمینی قدس سره، نقل می کند:

[امام خمینی] در عقد دختر خواهرم در غیاب داماد به او گفتند: «تو جوری منزل را آماده کن و در منزل مهیا باش که شوهرت وقتی یادتش می آید که می خواهد بیاید منزل، با شوق و ذوق بیاید؛ طوری نباشد که با اکراه بیاید.» (3)

البته منظور این نیست که زن در این مورد خود را به زحمت و سختی اندازد یا وقت زیادی را صرف این کار نماید، بلکه کافی است در حد معقول و متعارف به آراستگی خود اهمیت بدهد و به تنوع در این امر اهتمام بورزد؛ گرچه به طور معمول زن ها در دوران عقد و اوایل ازدواج، اینگونه مسائل را رعایت می کنند؛ ولی اغلب بعد از ازدواج و با گذشت زمان، این امر فراموش

ص: 108

- 
- 1- لولا أنّ المرأة تصنع لزوجها لصلفت عنده . (محمدی ری شهری، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ص 387)
  - 2- محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج 14، ح 16604، ص 242.
  - 3- سبزیان، زندگی به سبک روح الله، ص 92.

می شود و مورد بی توجهی قرار می گیرد؛ امری که می تواند به زندگی صفا بدهد، جلب محبت کند و موجب پای بندی بیشتر مرد به همسر خود شود. در منابع اسلامی به برخی از مصادیق خودآرایی بانوان برای همسران خود اشاره شده است. استفاده خانم ها از گردن بند، (1) خوشبو کردن خود برای همسر، (2) به کارگیری رنگ برای تزیین دست ها، (3) بلند نگه داشتن ناخن ها (4)، رسیدگی به موها و به طور خلاصه هر آن چه که به آراستگی و زیبایی زن در برابر همسر می افزاید، مورد سفارش اولیای دین قرار گرفته است. (5)

بانوی مجتهده «نصرت امین» درباره وظایف بانوان نسبت به شوهرانشان می گوید :

چقدر ثواب و فضیلت است برای زنی که در غیاب، شوهر منزل خود را پاکیزه نماید و مایحتاج زندگانی از قبیل تغذیه و لوازم آسایش را مرتب گرداند و خود را زینت کند و هنگام ورود شوهر، با صورت بشاش او را استقبال نماید .. خلاصه، وظیفه زن این است که سعی نماید شوهر در منزل آسایش داشته باشد و کمتر عملی برای زن به قدر وظیفه شناسی و مراعات حق شوهر فضیلت دارد. (6)

ص: 109

1- همان.

2- مجلسی، همان، ج 10، ص 100.

3- شیخ صدوق، امالی، ص 396 .

4- همان، من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 128 .

5- مجلسی، همان، ج 73، ص 105.

6- همایونی زندگانی بانوی ایرانی، ص 238-239 .

خداوند، زن و شوهر را نسبت به یکدیگر تشبیه به لباس می کند؛ (1) چنانکه لباس، محافظ بدن است و عیبهای انسان را می پوشاند، زن و شوهر نیز نسبت به هم باید چنین باشند. اگر زن عیبی از شوهر خود ببیند و آن عیب را به دیگران، حتی به پدر و مادرش بگوید هم شوهرش را رسوا کرده و عیب او را آشکار ساخته و هم عیب خودش را که وصله ی تن شوهر است.

در این زمینه مقام معظم رهبری دام ظلّه می فرماید:

اگر دیدید که همسرتان یک نقطه عیبی دارد - هیچ انسانی بی عیب نیست - و مجبورید او را تحمل کنید، تحمل کنید، که او هم هم زمان، دارد یک عیبی را از شما تحمل می کند. آدم عیب خودش را که نمی فهمد، عیب دیگری را می فهمد. پس بنا بگذارید بر تحمل. اگر چنان چه قابل اصلاح است، اصلاحش کنید. اگر دیدید کاری نمی شود کرد، با او بسازید. (2)

خانمی می گفت: «برای اولین بار بود که با همسرم به بیرون از منزل می رفتیم. من از او خواستم مرا به جای دیدنی خاصی که سخت علاقه داشتم ببرد. او گفت جای دیگری را انتخاب کن که هزینه اش کمتر باشد و من جای دیگری را انتخاب کردم؛ اما وقتی به خانه برگشتیم، بلافاصله اعضای خانواده از من پرسیدند که کجا رفتید و پسر چطوری بود؟ من هم برای آنها عین واقعه را نقل کردم و آنها گفتند پس معلوم می شود که خسیس است و اگر خست نداشت، لااقل برای اولین بار باید خواسته ات را اجابت می کرد. تصور خانواده درباره ی او این گونه شکل گرفت و رفتارهای بعدی

ص: 110

1- « هُنَّ لِيَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَاسٌ لَّهُنَّ »؛ ایشان پوششی برای شما و شما پوششی هستید برای آنان. (بقره، آیه 187)

2- بیانات در مراسم خطبه ی عقد، 1378/4/9.

او همیشه از این زاویه، تجزیه و تحلیل می شد. خودم هم از این موضوع ناراحت شده بودم؛ تا این که دفعه ی بعد مرا به همان محل مورد نظرم برد و گفت: راستی دلم می خواست دفعه ی قبل تو را به اینجا بیاورم؛ ولی موقعی که لباس هایم را تعویض می کردم، یادم رفت پولی را که برای گردش در جیب پیراهنم گذاشته بودم، بردارم و به خاطر این بود که نتوانستم تو را به جای دلخواهت ببرم. بعدها هم که شوهرم را به خوبی شناختم، دیدم نه تنها خسیس نیست، بلکه دارای ملکه ی سخاوت نیز هست. اما مشکلی که هنوز دارم این است که خانواده ام بر اساس همان گزارش اولیه، او را خسیس و ممسک می دانند و تا کنون هر چه تلاش کرده ام، متأسفانه این تصور غلط اصلاح نشده است. ای کاش کمی صبر کرده بودم و تا این حد عجله نکرده بودم» (1).

به دلیل اهمیت عیب پوشی و رازداری است که امام صادق علیه السلام به ابراهیم کرخی که می خواست ازدواج کند، فرمود:

بنگر که شخصیت خود را در چه موضعی می نهی و چه کسی را شریک اموات می سازی و از دین و راز خود آگاهش می سازی؟ (2)  
(یعنی مواظب باش زنی انتخاب کنی که راز نگهدار و عیب پوش باشد.)

حجت الاسلام والمسلمین سید علی اکبر حسینی در این باره می گوید:

من شیراز بودم، آقای به من گفت که من اخلاق بدی دارم و خانمم مدت ها است می گوید من آقای حسینی را بینم، می دانم که از تو چه بگویم. توبیا

ص: 111

---

1- حسین خانی، الگوهای خانواده اخلاقی، ص 93 - 94؛ به نقل از ایمانی بررسی ابعاد تربیتی و روان شناختی دوران عقد، ص 68-69

2- انْظُرْ أَيْنَ تَضَعُ نَفْسَكَ وَ مَنْ تُشْرِكُهُ فِي مَالِكَ وَ تَطْلِعُهُ عَلَى دِينِكَ وَ سِرِّكَ . (کلینی، الکافی، ج 5، ص 323)

خانه من و بگذار خانم ما هر چه می خواهد بگوید. یک روز ظهر مرا دعوت کرد و خانمش را صدا کرد و گفت: خانم، بگو آن چه که می خواستی درباره من به استاد حسینی بگویی. خودش هم مثل یک محکومی که منتظر اعدام است نشست. این خانم خیلی زن فهمیده ای بود. شروع کرد محاسن این آقا را گفتن. خیلی از او تعریف کرد. هرگاه سخنش اوج می گرفت سر و سینه ی آقا کمی به حالت عادی برمی گشت. در نهایت خانم گفت: من فقط می خواستم در این جلسه از ایشان تشکر کنم. پس از مدتی این آقا گفت: خانم من طرحی ریخت که هر چه بدی در وجود من بود، خاموش شد. (1)

## 5-2. قدرشناسی و پرهیز از مقایسهی شوهر با دیگران

مقایسه کردن همسر با دیگران و به رخ کشیدن نقاط قوت آنان در برابر وی، از جمله اموری است که به صمیمیت روابط بین همسران آسیب می زند. در این گونه موارد، فرد دیده ی خود را از مشاهده ی نقاط قوت همسر فرو بسته و در عوض به نقاط قوت دیگران متوجه می شود. در واقع آنچه در مقایسه اتفاق می افتد، مقایسه نقاط ضعف همسر با نقاط قوت دیگران هست و نتیجه چنین مقایسه ای همیشه احساس دلسردی و نارضایتی از همسر خواهد بود و از سوی دیگر موجب سرخوردگی و اذیت شوهر گشته و باعث میشود که وی گمان کند جایگاه ارزشمندی در نزد شریک زندگی اش ندارد.

برای مثال، خانم دوست دارد چند روزی برای زیارت به مشهد بروند. اما همسرش تمایلی برای مسافرت نشان نمی دهد. در این هنگام زن ناراحت شده و می گوید: از شوهر فلانی یاد بگیر، سالی چند بار خانواده اش را به

ص: 112

---

1- «مدارا در خانواده: سلسله گفتارهای اخلاقی و تربیتی: شماره 37 مدیریت تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ص 19-20.

مشهد می برد، ما که تو شوهر شانس نداشتیم! خوش به حال فلانی!

شوهرش خیلی خانواده دوست است و ... زن با بیان این حرف ها به شدت همسرش را آزرده خاطر کرده و اقتدار او را زیر سؤال می برد و زمینه را برای پرخاشگری و بد خلقی او فراهم می کند.

مقایسه می تواند شکل های مختلفی داشته باشد مانند: مقایسه وضعیت ظاهری، وضعیت مالی و شغلی، وضعیت خانوادگی، وضعیت علمی و تحصیلی، موقعیت اجتماعی و .... اما باید دانست که نه زن و نه مرد هیچ کدام انسان کامل، معصوم و بی عیب و نقص نیستند و همه ی انسان ها مجموعه ای از نقاط ضعف و قوت هستند و هر زندگی، ویژگی ها و اقتضانات خاص خودش را دارد ممکن است کسی را که با همسر خود مقایسه می کنیم، ضعف ها و عیب های بیشتری از همسر خودمان داشته باشد که از دیده ی ما پنهان هستند.

از سوی دیگر، وقتی ما همسرمان را با دیگران مقایسه می کنیم و کمبودهای زندگیمان را برجسته می کنیم در واقع از نعمت های بی شماری که خداوند به ما ارزانی داشته، غفلت نموده ایم و شکر آنها را به جای نیاورده ایم.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

روزی حضرت داوود علیه السلام از خداوند متعال درخواست کرد تا همنشین خود در بهشت را ببیند. پس خداوند تبارک و تعالی به او وحی کرد که او، ابو یونس متی است و داود نبی علیه السلام همراه فرزندش سلیمان به دیدار او رفتند. حضرت می خواستند بدانند که ویژگی های ممتاز این فرد چیست که هم نشین او در بهشت شده است. وقتی به خانه اش رسیدند، دیدند خانه ای بسیار ساده و محقر دارد. از همسرش سراغ او را گرفتند که گفت: «برای شکستن هیزم به



جنگل رفته است». آنها به دنبالش رفتند که دیدند پشته ای هیزم بر دوش گرفته و برای فروش آن به بازار می رود. هیزم ها را فروخت و با پول آن مقداری گندم خریداری کرد. حضرت داوود جلورفت و بعد از سلام، خود را معرفی نمود. مرد که از دیدن داوود نبی در پوست خود نمی گنجید، با اشتیاق به روی مبارک پیامبر الهی می نگریست و از این که افتخار هم صحبتی با پیامبر بزرگ الهی شامل حالش شده اظهار خشنودی می نمود.

حضرت داوود خواست که مهمان مرد شود و مرد هم با خوشحالی آنها را به خانه اش دعوت نمود و با یک دیگر به سمت خانه مرد به راه افتادند. مرد گندم ها را آرد کرد و بعد از تهیه ی خمیر، چند قرص نان پخت نمود. سفره ای پهن کرد. درون سفره سه قرص نان و مقداری آب بود. با یک دیگر مشغول صرف غذا شدند. مرد هر لقمه ای بر می داشت، «بسم الله» می گفت و وقتی لقمه ها را می خورد، «الحمد لله» بر زبان جاری می نمود. وقتی غذا تمام شد دست به سوی آب برد و آب را هم بدین منوال میل نمود. آنگاه دست به آسمان بلند کرد و چنین گفت: خدایا به چه کسی همانند نعمت دادی! من چشم و گوش و بدن سالم به من دادی درخت های جنگل را روزی من کردی در حالی که کاری برای آنها انجام نداده بودم. وقتی هیزم ها را به بازار بردم، بر دل شخصی انداختی تا هیزم ها را از من بخرد و اگر چنین نمی کردی، هفته ها هم می نشستم کسی از من نمی خرید. با پول آن گندمی خریدم که دیگری آن را کاشته بود و کاری برای آن انجام نداده بودم. تو آتش را برای من مسخر کرده ای، تا با آن غذا را طبخ کنم و مرا طوری آفریده ای که با میل و رغبت آن غذا را بخورم، تا توان بندگی تو را داشته باشم؛ پس سپاس تو را. مرد آن قدر گفت تا اشک بر چشمانش حلقه زد.

حضرت داوود که به راز تقرب او به درگاه الهی پی برده بود، به فرزندش سلیمان فرمود: «پسرم بلند شو برویم که من در تمام عمرم بنده ای به این شکرگزاری ندیده ام!» (1)

## 6-2. صداقت و پرهیز از دروغ گویی

صداقت میان زن و شوهر مهم ترین عامل تحکیم خانواده به شمار می رود؛ زیرا همان طور که راستی، انسان را نجات می دهد و دروغ او را به سقوط می کشاند، راستی میان زن و شوهر، پایه های خانواده را استحکام می بخشد و دروغ، آن را در پرتگاه سقوط قرار می دهد. (2)

دروغ با از بین بردن اعتماد

ص: 115

1- إِنَّ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ يَا رَبِّ أَخْبِرْنِي بِقَرِينِي فِي الْجَنَّةِ فِي قَصَصِي فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ ذَلِكَ مَتَى أَبُو يُوسُفَ فَاسْتَأْذَنَ اللَّهَ تَعَالَى فِي زِيَارَتِهِ فَأَذِنَ لَهُ فَأَخَذَ يَدَ وَلَدِهِ سُلَيْمَانَ حَتَّى أَتَىا مَوْضِعَهُ إِذَا هُوَ بَيْتٌ مِنْ سَعَفٍ فَسَأَلَ عَنْهُ فَقِيلَ إِنَّهُ فِي الْحَطَّابِينَ يَطْعُمُ الْحَطْبَ وَيَبِيعُهُ فَجَلَسَ ا يَنْتَظِرَانِهِ إِذْ أَقْبَلَ وَعَلَى رَأْسِهِ حُرْمَةٌ مِنْ حَطْبٍ فَأَلْقَاهَا عَنْهُ ثُمَّ حَمِدَ اللَّهَ وَقَالَ مَنْ يَشْتَرِي مِنِّي طَيْبًا بِطَيْبٍ فَسَاوَمَهُ وَاحِدًا وَاشْتَرَاهُ آخِرُ فَدَنِيَا مِنْهُ وَسَلَّمَا عَلَيْهِ فَقَالَ انْطَلِقَا بِنَا إِلَى الْمَنْزِلِ وَابْتِاعَ بِمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ طَعَامٍ ثُمَّ وَصَّعَهُ بَيْنَ حَجْرَيْنِ قَدْ أَعَدَّهُمَا لِذَلِكَ وَطَحَنَهُ ثُمَّ عَجَنَهُ فِي بَقِيرٍ لَهُ ثُمَّ أَجَجَ نَارًا وَأَوْقَدَهَا بِالْحَطْبِ ثُمَّ وَضَعَ الْعَجِينَ عَلَيْهَا ثُمَّ جَلَسَ يَتَحَدَّثُ مَعَهُمْ هُنَيْهَةً ثُمَّ نَهَضَ وَقَدْ نَضَّ جَبْتُ خُبْرَتُهُ فَوَضَّعَهَا فِي النَّفِيرِ وَفَلَقَهَا وَوَضَعَ عَلَيْهَا مِلْحًا وَوَضَعَ إِلَى جَانِبِهِ مِظْهَرَةً فِيهَا مَاءٌ وَجَلَسَ عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَأَخَذَ لُقْمَةً وَكَسَّرَهَا وَوَضَعَهَا فِيهِ وَقَالَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* فَلَمَّا ارْزَدَرَدَهَا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ\* ثُمَّ فَعَلَ ذَلِكَ بِأُخْرَى فَأُخْرَى ثُمَّ أَخَذَ الْمَاءَ فَشَرِبَ مِنْهُ وَحَمِدَ اللَّهَ تَعَالَى وَقَالَ لَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَأَوْلَيْتَهُ مِثْلَ مَا أَوْلَيْتَنِي إِذْ صَحَّحْتَ بَدَنِي وَسَمِعْتَنِي وَبَصَّرْتَنِي وَجَوَّجْتَنِي حَتَّى ذَهَبْتُ إِلَى شَجَرٍ لَمْ أَغْرِسْهُ بِيَدِي وَلَا زَرَعْتُهُ بِقُوَّتِي وَلَمْ أَهْتَمَّ بِحِفْظِهِ فَجَعَلْتَهُ لِي رِزْقًا وَأَعَنْتَنِي عَلَى قَطْعِهِ وَحَمَلْتَهُ وَسَمَّيْتَهُ إِلَى مَنْ اشْتَرَاهُ مِنِّي وَاشْتَرَيْتُ بِمَنْبِهِ طَعَامًا لَمْ أَرْزَعُهُ وَلَمْ أَنْعَبْ فِيهِ وَسَخَّرْتَنِي لِي حَجْرًا طَحْنْتُهُ وَنَارًا أَنْصَحْتُهُ وَجَعَلْتَنِي لِي شَهْوَةً قَابِلَةً لِذَلِكَ فَصِرْتُ أَكُلُهُ بِشَهْوَةٍ وَأَقْوَى بِذَلِكَ عَلَى طَاعَتِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا ثُمَّ بَكَى بُكَاءً عَالِيًا فَقَالَ دَاوُدُ لِابْنِهِ سُلَيْمَانَ يَا بُنَيَّ يَحِقُّ لِمِثْلِ هَذَا الْعَبْدِ الشَّاكِرِ أَنْ يَكُونَ صَاحِبَ الْمَنْزِلَةِ الْكُبْرَى فِي الْجَنَّةِ فَلَمْ أَرَّ عَبْدًا أَشَدَّ كَرَمًا مِنْ هَذَا. (متن فارسی با اندکی ویرایش به نقل از مجموعه ورام، ص 43 45 و متن عربی به نقل از دیلمی إرشاد القلوب، ج 1، ص 119-120)

2- عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَلَا فَاصِدُّوْا فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّادِقِينَ وَ جَانِبُوا الْكَاذِبَ فَإِنَّ الْكَاذِبَ مُجَانِبُ الْإِيمَانَ أَلَا وَإِنَّ الصَّادِقَ عَلَى شَفَا مَنْجَاةٍ وَكَرَامَةٍ أَلَا وَإِنَّ الْكَاذِبَ عَلَى شَفَا مَخْرَاةٍ وَ هَلَاكَةٍ؛ راست بگوئید که خداوند با راستگویان میباید از دروغ دوری کنید که دروغ با ایمان مغایرت دارد راستی آدمی را از لغزش نجات می دهد و گرامیش می دارد ولی دروغ انسانی را به سقوط می کشاند و هلاک می کند. (مجلسی، بحار الانوار، ج 69، ص 260)

دو طرف، محبت میان آنان را از بین میبرد و همین امر، بنیان خانواده را فرو می پاشد. به همین جهت است که این ویژگی به کامل ترین شکل در معصومان علیهم السلام وجود داشته است. عایشه گوید:

پس از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم، هرگز کسی را راستگوتر از فاطمه ندیدم. (1)

مقام معظم رهبری دام ظلّه می فرماید:

اگر زن احساس کرد شوهرش به او دروغ می گوید یا مرد احساس کرد که زنش به او دروغ می گوید و هر کدام احساس کردند دیگری در اظهار محبت صادق نیست، این دیگر پایه های محبت را سست خواهد نمود. (2)

آیت الله مکارم شیرازی دامت برکاته درباره ی پرهیز از دروغ در زندگی می فرماید:

در زندگی نه تنها مرد یا زن، بلکه هر دو باید صداقت داشته باشند، به هم راست بگویند و از دروغ گفتن به یک دیگر به شدت پرهیزند تا همیشه روح اعتماد و اطمینان برفضای خانواده حاکم باشد. (3)

## 7-2. خوش خلقی و معاشرت پسندیده

خوش اخلاقی، داشتن خوی های نیک در ارتباط و رفتار با دیگران به ویژه با شوهر است. در روایات به بعضی از مصادیق فرد خوش اخلاق اشاره شده و آمده است که دشنام نمی دهد، بدزبانی نمی کند، اهل هیاهو در کوچه و بازار نیست، بدی را با بدی پاسخ نمیدهد و اهل بخشش و گذشت است. (4)

امام صادق علیه السلام بهترین زنان را چنین معرفی کرده است :

ص: 116

---

1- حَلِيَّةُ أَبِي نُعَيْمٍ وَ مَسَّةُ نَدَى أَبِي يَعْلَى، قَالَتْ عَائِشَةُ: مَا رَأَيْتُ أَحَدًا قَطَّ أَصْدَقَ مِنْ فَاطِمَةَ غَيْرِ أَبِيهَا. (ابن شهر آشوب، المناقب، ج 3، ص 341)

2- بیانات در خطبه ی عقد، 1381/6/6 .

3- وافی، نسیم هدایت، ص 493 .

4- ر.ک: محمدی ری شهری تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ص 204.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: خَيْرٌ نِسَائِكُمُ الَّتِي إِنْ غَضِبَتْ أَوْ أَغْضَبَتْ لَزَوْجَهَا يَدِي فِي يَدِكَ لَا أَكْتَجِلُ بِعُضْوٍ حَتَّى تَرْضَى عَنِّي؛ (1) بهترین زنان شما زنی است که اگر عصبانی شد یا شوهر از دست او عصبانی شد، به شوهرش بگوید: دستم در دست تو، نخواهم خوابید مگر این که از من راضی شوی!

امام خمینی قدس سره در در ابتدای عقد به دختران و پسران سفارش می کردند:

سعی کنید با هم رفیق باشید. اگر مرد هستی، در بیرون از خانه مسأله داری؛ وقتی به خانه می آیی، ناراحتی هایت را پشت در بگذار و سعی کن با لطف و مهربانی داخل خانه شوی. امام خطاب به عروس خانم ها می فرمودند: تو هم ممکن است در خانه خیلی کار کرده و خسته باشی؛ ولی نباید خستگی خودت را به شوهرت منتقل کنی. به استقبالش برو و زندگی گرمی را برای خودتان درست کنید. (2)

دختر حضرت امام قدس سره نیز در خاطره ای نقل می کند:

در ابتدای ازدواج، خدمت حضرت آقا رسیدم که توصیه ای بفرمایند. ایشان به بنده فرمودند: «اگر شوهرتان ناراحتی داشت، به هر دلیل به شما چیزی گفت بدسلوکی کرد، شما همان وقت هیچ نگویی؛ گرچه حق با شما باشد. بگذارید آن حالت عصبانیت که فروکش کرد، حرف خود را بزنید.» عین همین توصیه را به شوهرم نیز کرد. بنده وقتی این حرف را شنیدم، در ابتدا خیلی به آن اهمیت ندادم بعدها که فکر کردم دیدم انصافاً ریشه بسیاری از اختلافات خانوادگی به همین جا بر می گردد و لذا از آن به بعد، هر وقت کسی از من توصیه ای درباره مسایل خانوادگی خواسته است، همین سفارش حضرت امام را گفته ام. (3)

ص: 117

1- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 389.

2- ستوده، پایه پای آفتاب، ج 1، ص 107.

3- مجله حوزه، ش 55، ص 58، به نقل از آیت الله سید حسن مرتضوی لنگرودی.

آیت الله مظاهری دامت برکاته نیز چنین می فرماید:

خانه باید برای ما مکتب باشد. بهترین مکتب ها، بهترین کتاب های اخلاقی، بهترین معلم های اخلاق برای زن و مرد، مخصوصاً برای خانم ها، خانه است. اگر خدای ناکرده آقا بدی کرد و زیر بار نرفت، عذرخواهی کند. تقاضا دارم از خانم ها فوراً عذرخواهی کنید؛ قهر نکنید؛ فخر نداشته باشید؛ اخم نکنید؛ بی نشاط نباشید. قهر از جهنمی هاست، نه بهشتی ها. بی نشاطی و ترش رویی و اخم کردن از اهل جهنم است. و اگر میخواهی بهشتی باشی، خانه ات باید بانشاط باشد. اگر یکی از زن و شوهر زیر بار نرفت و عذرخواهی نکرد، تو تقصیر را به گردن بگیر و عذرخواهی کن. نگو تقصیر تو است، بگو تقصیر من است. بالا-خره در نزاع ها هم همین طور است که اگر یک طرف کوتاه بیاید، نزاع تمام می شود. اگر می بینی نزاع تمام نمی شود برای این است که کوتاه نمی آییم؛ یا هر دو یا یک نفر؛ و اگر بهشت می خواهی کوتاه بیا. اگر نشاط و آن تخت های زبرجد و در مقابل یک دیگر نشستن و بالاخره آن نعمت های عجیب بهشتی را می خواهی کوتاه بیا. اگر اختلافی آمد، فوراً این اختلاف را رفع کن. مواظب باش این اختلاف در خانه نماند. حتی یک ساعت در خانه نماند. مرد باید مردانگی داشته باشد. زن باید خانم باشد. و قرآن می گوید: زن وقتی خانم است که در مقابل شوهر ولو شوهر تقصیرکار، متواضع باشد. قرآن می گوید زن شایسته این است: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ (1)». (2)

## 8-2. وفاداری

اعلام وفاداری به همسر در سخت ترین شرایط، تأثیری بسیار شگرف در تقویت محبت میان همسران خواهد داشت. نمونه این ابراز وفارا در زندگی

ص: 118

- 1- پس زنان درستکار فرمانبردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده اسرار [شوهران خود] را حفظ می کنند. (نساء، آیه 34)
- 2- معاونت تربیتی فرهنگی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، مجله خانه خوبان، ش 7، ص 4.

میرزا کوچک خان جنگلی می بینیم:

میرزا [کوچک خان جنگلی] برای آخرین بار به دیدار همسرش رفت و

هنگام وداع به همسرش چنین گفت:

اوضاعمان از همه ی جهات مغشوش و نامعلوم است؛ خطر از هر سو احاطه مان نموده و در معرض طوفان حوادث قرار گرفته ایم جزئیات آینده به قدر کفایت مبهم و و تاریک به نظر می رسد و امکان هست که باز تاریک تر شود و تو گناهی نداری، جز این که همسر من هستی و سزاوار نیست بی سرپرست و بلا تکلیف بمانی و زندگی ت سیاه و تباه شود، یا خدای نکرده در معرض خطر قرار بگیری... طلاق حلال همه ی این مشکلات است و تو بعد از طلاق به حکم شرع و عرف مجاز خواهی بود شالوده نوینی را برای زندگی آینده ات بریزی.

همسرش گفت: من این پیشنهاد را نمی پذیرم؛ زیرا مایل نیستم به پیمان شکنی و بی وفایی متهم شوم... من اگر این پیشنهاد را بپذیرم، مردم به من چه خواهند گفت؟ آیا نمی گویند هنگام خوشی و اقبال روزگار با شوهرش انباز اما زمان بروز مصیبت ناساز گشته است؟ نه، نه، تسلیم به چنین امری به من گوارا نیست... من که به مراتب فرزاندگی ات آگاهم، از آن چه بر من گذشته است، تأسفی ندارم و به آنچه به من وارد خواهد شد راضیم؛ زیرا به خدای عادل رثوف توکل دارم... تو اگر زنده بمانی، خدای بزرگ را سپاسگزار خواهم بود از اینکه به کالبدم روح تازه دمیده است و اگر از پای درآیی که طلاق خدایی خود به خود جاری شده است. با این همه محال است که پیوند دیگری درآیم و شخص دیگری را به همسری برگزینم و مطمئن خواهی بود که عهد خود را تا لب گور ادامه خواهم داد. این بگفت و های های گریست و اشک از دیدگانش جاری شد. میرزا از این حالت همسرش سخت منقلب و متأثر گردید و از او پوزش طلبید و شخصیت و نجابتش را ستود... (1)

ص: 119

## اشاره

طلبه و روحانی نمی تواند در تحصیل، پژوهش و تبلیغ موفق باشد، مگر اینکه همسرش با او همراه باشد. بخش بزرگی از موفقیت های یک روحانی را همسرش فراهم می کند؛ چرا که اگر او نبود، شاید دست یابی به قله های موفقیت ممکن نمی نمود. علمای بزرگی که بر قله های موفقیت گام نهاده اند، به این امر معترف اند و در موقعیتهای گوناگون به آن اذعان کرده اند.

اولین جلد «تفسیر المیزان» که درآمد، علامه طباطبایی همسرش را صدا کرد. کتاب سبزرنگ را گذاشت زمین و گفت: «جلد اول تفسیر است.» او همان طور که نشسته بود، کمی آمد جلو و دست کشید به کتاب، بعد به علامه نگاه کرد و گفت: «آن همه زحمات شما بالأخره نتیجه داد.» و علامه ی طباطبایی در جواب فرمود: «و آن همه زحمات شما.» (1)

نجمه سادات طباطبایی، دختر علامه رحمه الله نیز چنین نقل می کند که:

پدرم پیوسته می فرمود: «این زن بود که مرا به اینجا رساند. او شریک من بوده است و هر چه کتاب نوشته ام، نصفش مال این خانم است.» (2)

مواردی که در ادامه به آن اشاره شده صفت همدلی و همراهی را در همسران تسهیل می کند.

## 1. درک و پذیرش شرایط همسر

### اشاره

همسر طلبه برای این که بتواند شرایط شوهرش را درک کند نیازمند آشنایی با رسالت ها و اهدافی است که طلبه برای دست یابی به آنها تلاش

ص: 120

1- جعفریان، زندگی نامه سید محمد حسین طباطبایی، ص 25.

2- جمعی از پژوهشگران، گلشن ابرار، ج 2، ص 872؛ به نقل از نجمه سادات طباطبایی.

می‌کند. توضیح آنکه عالمان، وارثان و جانشینان پیامبران هستند (1) و از این رو مسئولیت‌های آنان را بر عهده دارند. آیه ی 122 سوره ی توبه به این سه تکلیف اشاره می‌کند.

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ؛ و شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد] کوچ کنند. پس چرا از هر فرقه ای از آنان دسته ای کوچ نمی‌کنند تا [دسته ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند، بیم دهنده باشد که آنان از [کیفر الهی] بترسند.

در این آیه که پس از آیات جهاد نازل شده، گروه معینی از مؤمنان از حکم وجوب جهاد و حرکت به سوی جبهه ی جنگ استثنا شده اند تا این سه هدف را دنبال کنند :

1. فهم عمیق دین و دریافت پیام وحی از منابع دینی (لِيَتَفَقَّهُوا تفقه)؛

2. بازگشت به میان مردم انذار و هشدار آنها و ابلاغ پیام دین (لِيُنذِرُوا تبلیغ)؛

3. تلاش برای تحقق آرمان‌های دینی (هدف مند بودن تبلیغ و امید اثرگذاری آن اشاره به این وظیفه دارد؛ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ / اجرای دین).

سه وظیفه ی تفقه، تبلیغ و اجرای دین از وظایف انبیا و امامان % است که پس از آنها، بر عهده ی علمای دین گذاشته شده است. بنابراین روحانیت، سیمت و مقامی نیست که در سایه ی آن روحانیان امتیازهای مادی کسب کنند یا حرفه ای که نظیر حرفه های دیگر، یک دسته آن را پیشه و وسیله ی امرار معاش خود قرار دهند. روحانیت در اسلام به معنای آراسته بودن به

ص: 121

---

1- إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ. (کلینی، الکافی، ج 1، ص 34)



فضیلت علم و تقوا و مجهز بودن برای انجام یک سلسله وظایف اجتماعی دینی و واجبات کفایی است؛ (1) بی آنکه علم و تقوا سرمایه دنیاطلبی گردد. (2) برای انجام این وظایف، طلبه باید چند سال به تحصیل علوم دینی بپردازد، جهت تبلیغ دین خدا، به مناطق مختلف برود یا برای اجرای احکام و رسالت دینی، در ارگان های کشور ارائه خدمت دهد. برخلاف دیگر مردم که عمده ی زمان و توان خود را در برنامه های دیگر می گذرانند، طلبه سرمایه ی توان و زمان خود را عمدتاً به ارتباط با منابع دینی و تلاش برای فهم و تبلیغ آن یا دفاع از آن یا گسترش زندگی دینی در سطح جامعه صرف می کند. (3)

بنابراین لازم است همسر طلبه خود را با این وضعیت وفق دهد. با توجه به شرایط فردی و اجتماعی یک طلبه، همسر او نمی تواند انتظار یک زندگی تشریفاتی داشته باشد، هر جایی خواست برود و در هر مجلسی شرکت کند، مثل سایر مردم لباس بپوشد و...؛ چراکه او در نقش همسر فردی است که دارای موقعیت اجتماعی خاصی (نماینده ی دین) است و به عنوان الگوی رفتاری در جامعه شناخته می شود.

دختر علامه می گوید:

مادرم مشکلات را از پدرم پنهان می کرد و معتقد بود حتی یک ساعت اشتغال ذهن پدرم به مسائل زندگی، برای مادر گناه محسوب خواهد شد و تمامی مشکلات زندگی را از پدر پنهان می کردند تا ایشان با خیال آسوده به تحصیل

ص: 122

---

1- بهشتی، ولایت، رهبری، روحانیت، ص 139 .

2- برای آگاهی بیشتر، ر.ک عالم زاده نوری، راه و رسم طلبگی، ص 40-43.

3- ر.ک: همان، ص 45 .

همسر علامه که در خانه ی ایشان خیلی سختی کشید؛ ولی هیچ وقت

گلایه ای نداشت، همیشه به دخترش نجمه سادات می گفت:

مردها تحملشان کم است. اگر زن زندگی را یک جوری اداره کند که مرد فکرش آزاد باشد، آن وقت می تواند پیشرفت کند، کارش را بهتر انجام بدهد. الآن نورالدین مریض است؛ نafش چرک کرده؛ هیزمشان برای اجاق تمام شده؛ بچه ها لباس زمستانی ندارند؛ اما آقا چون هیچ کدام اینها را نمی داند. مادر نمی گذارد بفهمد. می گوید: حاج آقا روحش لطیف است، با تلنگری به هم می ریزد. (2)

همسر شهید قدوسی رحمه الله نیز می گوید:

در اوایل ازدواجمان بسیار فعال و درس خوان بود. از ساعت 6 صبح تا 12 شب یک سره درس می خواند. 6 ساعت صبح و 4 ساعت بعد از ظهر و پس از نماز مغرب نیز تا ساعت 12 شب، بدون این که خستگی بشناسد، مشغول درس خواندن بود. حتی روزهای تعطیل نیز کار می کرد و بلکه کارش بیشتر هم بود؛ چون در روزهای جمعه، جلساتی برای مسائل سیاسی داشت. حدود 10 سال با همین جدیت درس خواند. ما نیز به این وضع عادت کرده بودیم و من سعی می کردم در این زمینه ها به او کمک کنم.

از خرداد 42 به بعد، درس های ایشان سبک و کارهای سیاسی و فرهنگی جایگزین آن شد. مدرسه حقانی و مکتب توحید را نیز در همین سال ها به کمک دوستان دایر کرد. با تأسیس این مدارس، تراکم کارش بسیار زیاد شد تا آنجا که بیش از 3 یا 4 ساعت در شبانه روز استراحت نمی کرد. من در این میان به راستی خوشحال بودم که همسری اینگونه فعال و پرتلاش دارم و کوشش می کردم محیط خانه، محیطی مساعد برای آماده کردن او در

ص: 123

---

1- «فداکاری مثال زدن همسر علامه طباطبایی»، خیرگزاری حوزه شناسه خبر: 355816، 1394/05/15.

2- جعفریان، زندگی سید محمدحسین طباطبایی، ص 25 و محمدی، صیفار، مشق عشق، ص 32.

ایشان پس از انقلاب، به فرمان امام خمینی قدس سره به سمت دادستان کل انقلاب اسلامی برگزیده شد. همسر شهید می گوید :

هنگامی که به تهران آمدم و ایشان منصبی گرفت، بسیار متواضع تر هم شد. تراکم کارش بسیار زیاد بود و مکرر از ما معذرت می خواست و می گفت: من شما را در این خانه چون زندانیان محبوس کرده ام، اما اینها همه گذراست و به امور دنیا مربوط می شود. در عوض اجر اخروی بسیار در انتظارتان است و وقتی احساس می کرد من این مسائل را کاملاً پذیرفته ام، بسیار خوشحال می شد. (2)

در تابستان 1331 شمسی، وقتی استاد مطهری رحمه الله برای زیارت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و دیدار با والدین و خویشاوندان، به مشهد مقدس رفتند، از سوی والدین به ایشان پیشنهاد تشکیل خانواده می شود. به همین دلیل پس از مشورت‌ها و بررسی‌های لازم، تصمیم گرفتند به خواستگاری دختر یکی از علمای وارسته خراسان به نام آیت الله روحانی بروند. خانواده استاد مطهری، موضوع را با آیت الله روحانی در میان گذاشتند. از آن جا که ایشان، پیش از این در مدرسه فیضیه ی قم مدتی به عنوان مهمان، در حجره ی استاد مطهری اقامت داشته و کاملاً با اخلاق و ویژگی‌های روحی و خصوصیات فکری و اعتقادی وی آشنا بودند، با این وصلت خجسته موافقت کردند. به دنبال آن، مراسم بسیار مختصر و ساده ای برگزار شد و چند روز پس از آن استاد مطهری، همراه همسرش عازم قم شدند و با تهیه ی یک خانه بسیار کوچک استیجاری،

ص: 124

1- همان.

2- همان، ص 75.

زندگی مشترک سرشار از صفا و صمیمیت شان را آغاز کردند. (1)

همسر شهید مطهری رحمه الله در خاطراتش تعریف می کند:

زن باید بداند چه کاری باید انجام بدهد. من بچه ها را طوری تربیت کرده بودم که برای پدرشان ایجاد مزاحمت نکنند. تا وقتی استاد مشغول نوشتن و مطالعه بود، با سر و صدای آنها آرامششان به هم نخورد. به بچه ها دائم تذکر می دادم: آقا جان درس دارند، مبادا داد و قال کنید. به یاد دارم که یک روز آقای فلسفی خطاب به همسرم گفتند: چقدر نوشته های شما زیاد است. حتماً به این دلیل است که فرزند ندارید و فرصتتان زیاد است؟ آقا پاسخ داد: من پنج بچه دارم و همگی هم کم سن و سال! آقای فلسفی با تعجب گفت: پس چرا هر وقت به منزلتان می آیم، صدایی از آنها نمی شنوم؟! (2)

حجت الاسلام والمسلمین احمد مروی می گوید:

این را هم خودشان [مقام معظم رهبری دام ظلّه] فرمودند که من برای اینکه بیشتر در داخل خانه حضور داشته و کنار بچه ها - باشم چون قبل از انقلاب که همه اش مبارزه و زندان و تبعید و اینها بود و ما نبودیم که بچه ها خیلی خلاء نبود پدر را احساس نکنند - فرمودند من به دفتر گفتم که یک مبل دو نفره - نه یک سرویس - برای ما تهیه کنند که وقتی داخل خانه و زندگی شخصی می روم، روی مبل باشم که کمر و پایم درد می گیرد، راحت باشم؛ ضمناً بتوانم در آن فرصت به کارها هم برسم؛ نامه ها و گزارش ها را مطالعه کنم. در ضمن در خانه حضور داشته باشم تا بچه ها وجود پدر را احساس کنند. بعد فرمودند: یک روز آمدم دیدم این مبل را که آورده اند، خانواده ما آن را بیرون گذاشته اند. به ایشان گفتم که چرا بیرون گذاشتید؟ خانواده گفتند که آقا! تا حالا در خانه ما مبل نبوده تا الآن زندگی ما طلبگی بوده؛ الآن هم مبل در

ص: 125

---

1- حکمت مطهر؛ ویژه شهادت استاد مطهری مجله گلبرگ اردیبهشت 1383، ش 50، ص 87.

2- مجله خانه خوبان، ش 7، ص 39.

خانه نیاورید. حضرت آقا فرمودند: گفتم این را از پول شخصی ام تهیه کردند، نه از پول دفتر که حضورم در خانه بیشتر باشد. گفتند: خیلی خوب؛ حالا اگر این باعث می شود شما حضورتان در خانه بیشتر باشد؛ بچه ها بیشتر پدر را احساس بکنند، ما این مبل دو نفره را تحمل می کنیم.

بعد من سؤالی از دوستان دفتر کردم، گفتند: این یک مبل دست دومی بود. این را تهیه کردیم، دادیم تعمیرش کردند، پارچه ای روی آن کشیدند و برای آقا آوردیم. این خاطره ای بود که خود آقا تعریف کردند. (1)

برای درک و پذیرش شرایط، همسر توجه به امور زیر بسیار کمک کننده خواهد بود:

### 1-1. درک متقابل، عامل محبت

زن و شوهر باید یک دیگر را درک کنند و بفهمند. این یک تعبیر اروپایی است، ولی تعبیر خوبی است...؛ یعنی هر کسی درد و خواسته های طرف مقابل را بفهمد و با او راه بیاید. به این می گویند درک کردن؛ یعنی به قول معروف، در زندگی تفاهم و درک متقابل باشد. این ها محبت را زیاد می کند. (2)

مرحوم علامه [طباطبایی رحمه الله] در مدتی که در نجف مشغول تحصیل بودند، به علت تنگی معیشت و نرسیدن مُقَرَّری (3) که از ملک زراعی شان در تبریز به دست می آمد، مجبور به مراجعت به ایران می شود و مدت ده سال در قریه شادآباد تبریز به زراعت و کشاورزی مشغول می شود؛ اما دوباره تصمیم می گیرد به قم عزیمت کند. کاش می توانست به همسرش بگوید که دیگر بی طاقت شده و دوست دارد قم برود یا هر جای دیگری

ص: 126

---

1- «نگاهی به سلوک و ساده زیستی مقام معظم رهبری»، خبرگزاری تسنیم 1393/3/13، شناسه خبر: 390623.

2- بیانات در مراسم خطبه عقد، 1371/6/31.

3- ماهیانه حقوق، دست مزد.

که بشود بیشتر از این ها درس خواند، درس داد، بحث کرد و نوشت. هر بار که صورت همسرش را می دید که پس از سال ها سختی و نداری زندگی در نجف به آسایش نسبی رسیده و چشم هایش برق می زند، سست می شد و دیگر دلش نمی آمد چیزی بگوید. خانه شان بزرگ بود. اندرونی و بیرونی داشت... فرزند ایشان سید عبدالباقی طباطبایی می گوید:

هنگامی که خواستیم به قم عزیمت کنیم، به مادرم گفتم: شب عید که وقت مسافرت نیست. در این هوای سرد، کجا می خواهیم برویم؟! مادرم نگاهی به من کرد و در حالی که اشک چشمانش را پاک می کرد، این شعر را خواند:

رشته ای برگردنم افکنده دوست \*\*\* می کشد هر جا که خاطر خواه اوست

رشته برگردن نه از بی مهری است \*\*\* رشته عشق است و برگردن نکوست (1)

همسر شهید آیت الله مهدی شاه آبادی در رابطه با درک و پذیرش شرایط خاص همسرش چنین نقل می کند:

ایشان گفتند: من مادر ناتوانی دارم که از او مراقبت می کنم. البته برادر و خواهر هم دارم، اما دوست دارم خودم مستخدم مادرم باشم و به ایشان خدمت کنم. مادرم داغ دیده هستند و خیلی نیاز به مراقبت دارند. من هم به خاطر علاقه و احترام خاصی که نسبت به مادرم دارم، دوست دارم ایشان پیش خودم باشند. من هم قبول کردم. (2)

## 2-1. پذیرش لباس روحانیت

لباس روحانیت، نماد دین، معنویت، اخلاق، علم و کارشناس دین است و کسی که با طلبه ازدواج می کند، با توجه به این نوع پوشش، وارد زندگی

ص: 127

---

1- پایگاه اینترنتی راسخون، صفحه مشاهیر، شناسه مطلب: 602215.

2- «گفت وگو با همسر شهید حجت الاسلام مهدی شاه آبادی»، نشریه شاهد یاران، ش 62، ص 88.

مشترک با طلبه می شود. در جامعه و در بین مردم برخی دوست دار این لباس هستند و عده ای هم مخالف از این رو ممکن است برخی از مخالفان در شرایط خاص، رفتارهای نامناسبی از خود نشان دهند و موجب رنجش طلبه یا خانواده اش گردند. درک این مطلب، همسر را برای رویارویی با شرایط ناگوار آماده می سازد و او را از زندگی با یک طلبه، ناامید نمی گرداند؛ زیرا می داند که تلاش در راه خدا با سختی ها و ناگواری هایی همراه است و صبر و تحمل در این راه، اجر و پاداش بسیار در پی دارد. عالمان راستین دین، همواره در طول تاریخ کوشیده اند که لباس روحانیت را به عنوان نماد دین حفظ کنند.

آیت الله علامه حسن زاده آملی می فرمود:

در ایام کشف حجاب که پوشیدن لباس بلند - جز برای عده ای از علمای بزرگ و مجتهدان با سابقه - ممنوع اعلام شده بود و مأموران دولت رضاخان، لباس روحانیت را به زور از تن طالبان علوم دین بیرون می کردند، یکی از علمای بزرگ خود را موظف کرده بود که روزانه یکی دو ساعت در بازار شهر حضور یابد و قدم بزند. ایشان می فرمودند: می خواهم با این عمل از فراموش شدن دین و روحانیت جلوگیری کنم. (1)

بنابراین لباس روحانیت از آن جهت که لباس دین و منتسب به

معصومین علیهم السلام است، بسیار ارزشمند می باشد و بر روحانی و همسرش لازم است که حرمت آن را پاس دارند.

ص: 128

---

1- عالم زاده نوری لباس روحانیت، ص 35.

هر فردی در جامعه، دارای موقعیت اجتماعی، شغلی و خانوادگی خاصی است. ازدواج با او پذیرش این موقعیت‌ها است و به طور طبیعی، فرصت‌ها و برکاتی متوجه فرد می‌کند؛ همچنان که محدودیت‌هایی را نیز تحمیل می‌کند. زندگی با طلبه نیز این گونه است. کسی که زندگی با طلبه را بر می‌گزیند، فرصت‌ها و منافع زیادی را به دست می‌آورد و در مقابل، آگاهانه محدودیت‌هایی را می‌پذیرد. همسر یک طلبه نمی‌تواند هر مجلسی برود، هر لباسی را در بیرون از منزل بپوشد و...؛ اما زمینه‌های بسیاری برای رشد علمی، معنوی، اخلاقی و ایمانی او فراهم می‌شود و اگر بخواهد می‌تواند با ارتقای علمی و معنوی خود، شوهرش را در امور تبلیغی و فرهنگی یاری کند و فرزندانی صالح تحویل جامعه دهد.

آیت الله کوهستانی رحمه الله در خاطراتش می‌گوید:

هنگامی که از نجف به مازندران آمدم، به همسرم گفتم: تو حاضری در حق طلاب مادری کنی و من پدری کنم و آنها را تربیت نمایم تا نزد پروردگار روسفید باشیم؟ قبول کرد و من هم تصمیم گرفتم در آن زمان که رضاشاه نمی‌گذاشت یک نفر معمم در ایران وجود داشته باشد، طلاب زیادی را تحت تربیت و پوشش قرار دهم. (1)

داشتن همسری صالح و شایسته، از عوامل موفقیت آیت الله کوهستانی بود. طلاب حوزه علمیه «کوهستان» بسیاری از موفقیت‌های خود را مدیون فداکاری، سعه‌ی صدر و محبت‌های بی‌دریغ این بانو می‌دانند؛ چون در

ص: 129



آن سال ها وضع معیشتی طلاب آشفته بود و بیشتر آنان از خانواده های کم درآمد بودند که محبت آن مادر و رفع بخشی از نیازهای آنان در دلگرمی طلاب فوق العاده مؤثر بود. به همین دلیل حاج شیخ محمد شاهرودی بهشهری می گوید: نیمی از کارهای حوزه ی کوهستان و کمک به ریاست دینی آیت الله بر دوش همسرش بود. (1)

شهید هاشمی نژاد نیز در این باره می گوید:

اگر نه جان نبود آقا نمی توانست این طور در کارشان موفق باشند و چنین حوزه با عظمتی را اداره کنند. (2)

فرزند آیت الله کوهستانی می گوید:

مادرم برای من نقل کرد که: در یکی از روزها که کارگران مشغول ساختن بنای مدرسه بودند، یکی از فرزندانم سخت بیمار و در حال احتضار بود. من می بایست از یک طرف کارگران را پذیرایی و برای مهمان ها غذا تهیه نمایم و از طرف دیگر با پنبه، لبان خشکیده ی فرزندم را با آب ترکم تا او را از مرگ نجات دهم. گرچه فرزند عزیزم با آن بیماری از دست رفت؛ اما اینگونه خود را تسلی می دادم که ادای وظیفه کردم و خوشحال بودم که من نیز در پایه ریزی و اساس این هدف بزرگ و مقدس سهمی دارم. (3)

## 2. یاری و همراهی

### اشاره

پس از آنکه همسر طلبه، شناخت نسبی از راه و روش طلبگی پیدا کرد و دانست که همراهی او با شوهرش در مسیر تحصیل و تبلیغ بسیار تأثیرگذار است، چه بهتر که در این مسیر مقدس، تصمیم خود را بگیرد و گام در جهادی مقدس بگذارد و آن همان،

ص: 130

1- همان، ص 77.

2- همان، ص 76.

3- همان، ص 75.

خوب شوهرداری کردن و یاری شوهر در تحصیل، تبلیغ یا وظایف دیگر است. این مسیر، پرپیچ و خم است و کسانی در آن موفق می شوند که به هدف و آرمان الهی خود ایمان داشته باشند. این یاری و همراهی به شکل‌های مختلف امکان پذیر است:

## 2-1. داشتن انتظارات متناسب با موقعیت

گاهی همراهی کردن با همسر به معنای تنظیم انتظارات و خواسته های خود با توان مالی اوست. مطالعه ی زندگی خانوادگی بسیاری از علمای دین بیانگر این امر است. نجمه سادات، دختر علامه طباطبایی رحمه الله در این باره چنین نقل می کند:

مادرم مشکلات را از پدرم پنهان می کرد و معتقد بود حتی یک ساعت اشتغال ذهن پدرم به مسائل زندگی، برای مادر گناه محسوب خواهد شد و تمامی مشکلات زندگی را از پدر پنهان می کردند تا ایشان با خیال آسوده به تحصیل و تدریس بپردازند. (1)

در خاطرات همسر شهید آیت الله اشرفی اصفهانی نیز آمده است:

هنگامی که [ شهید آیت الله اشرفی اصفهانی ] به قم رفته بود، به دلیل ناتوانی مالی نتوانسته بود همسرش را با خود به همراه ببرد. همسرش نیز با صرفه جویی، زندگی را با سختی و تنهایی در شهر اصفهان می گذراند، تا او بتواند در قم درس بخواند. (2)

## 2-2. همکاری روحی و معنوی

درباره ی یاری رساندن زن به همسر خود در زندگی، رسول مكرم اسلام صلی الله علیه وآله وسلم می فرمایند:

یک زن صالح بهتر از هزار مرد غیر صالح است و هر زنی که شوهرش را هفت

ص: 131

---

1- خبرگزاری رسمی حوزه، شناسه خبر: 355816، 1394/05/15.

2- مجله شاهد یاران ش 44، سال 1388، ص 37.

روز یاری دهد، خداوند، هفت در دوزخ را به روی او می بندد و هفت در بهشت را به رویش می گشاید تا از هر دری که می خواهد وارد شود. (1)

مقام معظم رهبری دام ظلّه می فرماید:

همکاری و کمک گاهی به این نیست که وارد حجم کار یک دیگر بشوند، نه؛ بلکه یک دیگر را روحاً تدارک کنند. مردها معمولاً با مسائل مشکل تری در جامعه برخورد دارند. زنها می توانند به آنها روحیه بدهند؛ می توانند خستگی آنها را از تنش‌ها بیرون کنند؛ به آنها تبسم کنند آنها تبسم کنند و به آنها دل خوشی دهند. (2) مراد از همکاری، همکاری روحی است. اینکه زن ضرورت‌های مرد را درک کند؛ فشار اخلاقی روی او وارد نیاورد؛ کاری نکند که او در امر زندگی مستأصل شود و خدای نکرده به راه‌های نادرست متوسل بشود. او را به ایستادگی و مقاومت در میدان‌های زندگی تشویق کند و تحریص نماید. (3)

علاوه بر یاری روحی و روانی، همسران می توانند در مسائل معنوی نیز یاور هم دیگر باشند. سیر موازی آنان در افق معنویات، کمک شایانی به حل مشکلات احتمالی خواهد داشت.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم از علی پرسیدند: همسرت را چگونه یافتی؟ عرض کرد: خوب یآوری است در طاعت و بندگی خدا. (4)

مقام معظم رهبری دام ظلّه در جلسه عقدی می فرماید:

به هم کمک کنید، خصوصاً در امر دین اگر می بینید طرف شما، شوهر یا زن شما کاهل نماز است؛ به نماز کم اهمیت می دهد، به راست گویی کم اهمیت می دهد؛ به مال مردم کم اهمیت می دهد؛ به شغل دولتی کم اهمیت می دهد؛

ص: 132

---

1- الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ رَجُلٍ غَيْرِ صَالِحٍ وَأَيُّمَا امْرَأَةٍ خَدَمْتَ زَوْجَهَا سَبْعَةَ أَيَّامٍ عَلَقَ سَبْعَةَ أَبْوَابِ النَّارِ وَفَتَحَ لَهَا ثَمَانِيَةَ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ تَدْخُلُ مِنْ أَيَّمَا شَاءَتْ. (دیلمی، ارشاد القلوب، ج 1، ص 175)

2- بیانات در مراسم خطبه ی عقد، 1378/1/15.

3- همان، 1375/2/10.

4- فَسَأَلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَيْفَ وَجَدْتَ أَهْلَكَ ؟ قَالَ : نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَيَّ طَاعَةَ اللَّهِ . (مجلسی، بحار الأنوار، ج 43، ص 117)

او را بیدار کنید؛ به او بگویید؛ به او بفهمانید و کمک کنید که خودش را اصلاح کند یا اگر می بینید که در امر محرم و نامحرم، در امر پاکی و نجسی، در امر حلال و حرام، آدم بی اعتنا و بی مبالاتی است؛ به او توجه بدهید؛ او را آگاه کنید؛ کمک کنید که خوب شود. دروغ گوشت، غیبت کن است، به او تفهیم کنید. نه این که دعوا کنید؛ نه اینکه اوقات تلخی کنید؛ نه اینکه مثل یک منتقد بد اخلاق بنشینید یک کناری، هی نق بزنید! (1)

زن و شوهر باید همدیگر را در راه صحیح و صراط مستقیم الهی حمایت کنند. اگر هر کدام از این ها مشاهده می کنند یک عمل خیر و یک کار شایسته ای از همسرشان سر میزند، آن را تشویق کنند و اگر بر عکس، احساس کردند که خطایی، یک انحرافی - خدای نخواستہ - وجود دارد، سعی در اصلاح آن بکنند. یک دیگر را در راه خدا کمک و تشویق کنند. (2)

وجه مشترک زوجین در زندگی، باید عبارت باشد از توجه به خدا و اطاعت دستورات الهی و عمل به فرامین خدا. زن و شوهر باید هم دیگر را در این جهت حفظ کنند. اگر زن می بیند که شوهر او بی اعتنا به مسائل دینی است، او را با حکمت و اخلاق خوش و ظرافت و زیرکی زنانه، وادار به آمدن در راه خدا کند. مرد هم اگر می بیند زنش بی اعتناست، او هم باید همین تکلیف را انجام دهد. این از کارهای اساسی زندگی است. (3)

همسر شهید نواب صفوی رحمه الله می گوید :

در این هشت سال زندگی پر ماجرا با نواب، من یک بار معترض نشدم که آقای نواب! من تا کی باید مخفی بمانم، استقلال نداشته باشم، بلکه همیشه مطیع بودم. اگر زندگی برای رضای خدا باشد، راحت تر می گذرد. مردم بیگانه آن قدر به من علاقه داشتند و مثل یک خواهر و مادر به من لطف داشتند و

ص: 133

1- همان، 1374/6/13.

2- همان، 1379/6/4.

3- همان 1372/2/13.

همیشه می آمدند به من می گفتند خانم نیره سادات، همه زحمات ما برگردن شماست و اگر آقا رهبر آقایان است، شما هم رهبر خانم ها هستید و همه مطیع شما هستیم. (1)

### 3-2. مشورت و هم فکری

مشورت دادن همسر به شوهرش در اموری که تخصص یا تجربه ی را لازم دارد و نیز در مسائل خانوادگی اشکالی ندارد .

یکی از همزمان شهید اندرزگو نقل می کند :

همسر شهید، پشتوانه و مشاور عالی برای ایشان بود و افکار و راهکارهای خوبی ارائه می داد. حتی گاهی شهید اندرزگو در برنامه ریزی برخی کارها به من می گفت که مثلاً فلان مطلب را خانمم به من گفته است. (2)

### 4-2. رازداری

زن با جلب اعتماد همسرش میتواند محرم اسرار او گردد و در این صورت، حتی اگر نتواند در حل مشکلات او را یاری کند میتواند سنگ صبور همسرش باشد و با شنیدن درد دل او و پوشیده داشتن رازهایش، مرهمی برغم او نهد. همانگونه که اگر رازدار اسرار شوهرش نباشد، ضمن تشدید دلسردی و افسردگی وی، تزلزل نظام خانواده را نیز موجب می شود. (3)

مقام معظم رهبری دام ظلّه در این باره می فرماید:

زن و شوهر باید راز هم را حفظ کنند، زن نباید راز شوهر را پیش کسی بازگو کند. مرد هم مثلاً نرود پیش رفقاییش در باشگاه یا مثلاً فلان مهمانی و ... راز

ص: 134

---

1- «روایت همسر شهید نواب صفوی از زندگی مخفیانه تا هشدار به رزم آرا» خبرگزاری تسنیم، شناسه خبر: 624647، 1393/10/30.

2- افشار صفوی به نقل از قاصد نیوز، شناسه خبر: 1512، 1393/06/01 .

3- حسین خانی، تربیت الگویی زنان در قرآن، ص 133 .

همسرش را بازگو کند، حواستان جمع باشد، اسرار هم باشد، اسرار هم را محکم نگه دارید تا زندگی ان شاء الله شیرین و مستحکم شود.

(1)

## 5-2. صبر و تحمل در مشکلات مادی

چنان که پیش تر نیز گفته شد، سطح زندگی عموم طلاب نسبت به سایر مردم، اغلب پایین است و در اوایل زندگی مشترک با مشکلات معیشتی مواجه هستند؛ چرا که بیشتر وقتشان را مشغول درس و بحث می باشند. با این همه، وضعیت معاش طلاب در زمان حاضر، بسیار بهتر از روزگار گذشته است و سختی هایی که طلاب و علمای آن روزگار می کشیدند، قابل مقایسه با الآن نیست.

مقام معظم رهبری دام ظلّه در خاطراتش نقل می کند:

من شب هایی را از کودکی به یاد می آورم که در منزل شام نداشتیم و مادر با پول خردی که بعضی از وقت ها مادر پدر بزرگم به من یا یکی از برادران و خواهرم می داد، قدری کشمش یا شیر می خرید تا با نان بخوریم. (2)

اوضاع که عادی می شد، شب های جمعه برنج دم می کردند؛ و این پلو، موضوع مهم و جالبی در جدول غذایی این خانواده بود و باز در این اوضاع، آب گوشت که با پنج سیر گوشت عمل می آمد، قوت غالب به شمار می رفت. سهمی از این غذای کهن در کاسه ای چینی جا میگرفت و در طبقه بالا جلو پدر گذاشته می شد و خیلی زود با رفت و آمد هفت دست، هفت نفری که دور آن نشسته بودند، خالی می شد. مادر و خواهران بزرگ ملاحظه کودکان را می کردند. با این حال «گاهی اتفاق می افتاد که نفری دو لقمه می رسید ... باقی را باید با نان و پنیری، چیزی، خودمان را سیر می کردیم ... مادرم زن

ص: 135

---

1- بیانات در اجرای خطبه عقد زوجهای جوان، 1378/1/24.

2- مؤسسه فرهنگی قدر ولایت خاطرات و حکایت ها، ص 30؛ بهبودی، شرح اسم ص 46.

کم توقع و بی اعتنایی به خوراک [بود]... برایش مهم نبود یک لقمه هم بخورد؛ اما برای ماها خیلی جوش میزد که بچه هایش... سیر [شوند].» (1)

همسر آیت الله الهی رحمه الله نقل می کند:

اگر ایشان نداشت و من خودم چیزی داشتم، شب می بردم می گذاشتم توی جیب ایشان که پیش بچه ها ناراحت نشوند که دارم یا ندارم. بعد فهمیدند، گفتند: تو این قدر نسبت به من دل واپس هستی که پول در جیب من می گذاری؟ گفتم: بله، نمی خواهم پیش بچه ها ناراحت شوی. اول که تشکر کردند و بعد دعا کردند که خدا یک تومان تو را هزار تومان کند. الحمد لله شده. ایشان نیستند؛ اما همه کارهای من درست شده. مکه رفتم، زیارت همه معصومین رفتم. هشت سال فقط بود به خاطر ایشان مکه نمی رفتم. پاسپورتم را می آوردند در خانه که خانم بیا برو مکه، من نمی رفتم؛ چون ایشان مریض بودند. اگر می رفتم غصه می خوردند که نمی توانند بروند. اگر ایشان ناراحت می شدند، مکه و حج من چه می شد؟ من خودم چه می شدم؟ (2)

## 2-6. مهاجرت

فراگیری دانش دین از چیزهایی است که در روایات به آن سفارش زیادی شده است و کسی که در این راه قدم بردارد و به سبب آن از خانه و وطن و خانواده ی خود جدا بیفتد و سختی غربت را تحمل کند، پاداش بزرگی در انتظار اوست. همسران طلاب و روحانیان نیز از جمله ی آن کسانی هستند که به سبب دانش اندوزی شوهرانشان، اغلب از خانه، شهر و گاه از کشور خود هجرت می کنند و اگر نیتشان الهی باشد، به طور قطع نزد خداوند دارای اجر و ثواب فراوان هستند.

ص: 136

---

1- بهبودی شرح اسم، ص 46-47.

2- مؤسسه شمس الشموس، الهیه، ص 66.

همسر شهید آیت الله سید محمد باقر صدر رحمه الله درباره ی مهاجرت به عراق و دوری از خانواده خویش می گوید:

من پس از ازدواج، از ایران به عراق منتقل شدم. دوری و فراق از خانواده و تفاوت زیادی که بین آنجا و ایران بود، مرا رنج می داد. یک روز به حرم امیرالمؤمنین شدم و درخواست نمودم تا خداوند به من قدرت و تحمل شرایط سخت زندگی را بدهد. پس از زیارت احساس عجیبی به من دست داد. با خود گفتم: من با یک شخصی عادی زندگی نمی کنم، بلکه با یکی از اولیای خدا و رهبری دانشمند ازدواج کردم. پس از آن دعا و زیارت، آرامشی خاص و ظرفیتی بزرگ در برابر همه ی سختی ها در خود احساس کردم و به تمام اوامر ایشان با کمال رضایت و خوشحالی حاضر بودم. (1)

حتی بعضی از همسران، خود مقدمات سفر را آماده می کردند. در مورد همسر علامه طباطبایی رحمه الله نقل است :

قمر سادات می دید که شوهرش مثل روزهای اول نیست. خوشحال نیست. حتی چند ماه بعد، وقتی پسرشان دنیا آمد، باز هم محمد حسین خوشحال نبود. یعنی این طور نشان می داد که خوش و خوب است، اما او می فهمید محمد حسین متأثر است. دلش می خواست برود نجف، اما خرج راه را نداشتند. قمر سادات گفت: «شما چرا این قدر ناراحت می کنید خودتان را؟ پول نمی دهند، خب ندهند. بالاخره يك مقدار ائاثیه داریم. اینها را می فروشیم، خرج سفرمان در می آید.» ائاثیه، همان جهاز قمر سادات بود: چینی های خوشگل لب طلایی، طلاهای ریز و درشت بیست و چهار عیار چند صد تومان پول داشتند که می توانستند بدهند خرج کجاوه و کاروان و خورد و خوراک تا برسند به نجف. (2)

ص: 137

---

1- گفت وگو با سیده فاطمه صدر (همسر شهید صدر)، شاهد یاران، ش 18، 1386، ص 35.

2- جعفریان، زندگی نامه سید محمد حسین طباطبایی ص 11 و 12.



اشاره

مجاهدت، جنگ در راه خدا و مبارزه با هواهای نفسانی است. کسی که

آسایش و راحتی زندگی را رها کند و برای اعتلای دین خدا، به تلاش علمی یا مبارزه با دشمن و پشتیبانی از آن روی آورد، مجاهد است و همراهی با این مجاهدان، پاداش جهاد دارد. مجاهدت در کنار همسر به سه شکل قابل تصور است:

1-7-2. همراهی در مجاهدت علمی

تحمل و کنار آمدن با شرایط سخت زندگی، چشم پوشی از برخی خواسته ها، تدبیر درست منزل، فراهم نمودن شرایط مناسب برای تحصیل علم و... بخشی از فعالیت هایی است که زمینه را برای رشد علمی و معنوی طلبه فراهم می سازد. بسیاری از علما به این امر اذعان کرده و در مواقع مناسب، از تلاش های همسران خود تقدیر و تجلیل کرده اند.

یکی از فرزندان امام خمینی قدس سره می گوید:

[همسر امام خمینی] دختری بودند که در تهران و در خانواده ای بزرگ شده بودند که تقریباً از وسایل رفاهی نسبتاً خوبی برخوردار بودند و بعد آمده بودند تا در قم زندگی کنند. تا کسی قم شصت - هفتاد سال پیش را ندیده باشد، نمی تواند تصور کند که چطور بود. در عین حال، خانم تحمل می کردند، به خاطر محبتی که به آقا داشتند و محبتی آقا نسبت به ایشان اعمال می کردند، خانم هم غریبی و زندگی در غربت را تحمل می کردند. من یادم است که در بچه داری، خانه داری، مهمان داری و کارهای دیگر، ابداً این طور نبود که خانم کلامی بگویند و حرفی بزنند که سردی بیاورد یا خدا نا کرده شماتتی باشد. (1)

ص: 138

برنامه‌ی معمول استاد [علامه جعفری رحمه الله] این بود که پیش از اذان صبح از خواب برمی‌خاست و پس از نماز و مناجات، به کتابخانه می‌رفت و تا ظهر مشغول کار بود. هنگام ظهر به نماز و استراحت می‌پرداخت و مجدداً به کتابخانه می‌رفت و تا پاسی از شب، با شاگردان و محققان به تدریس و مباحثه و تحقیق می‌پرداخت. رفت و آمد افراد به منزل استاد، با پذیرایی‌هایی همراه بود و مدیریت همه‌ی آن را جمیله خانم بر عهده می‌گرفت. بسیاری از اوقات، در هر هفته دو سه بار جمعیتی در حدود 100 تا 200 نفر برای استفاده از محضر استاد به حضورش می‌رسیدند و همسر صبور ایشان همه را پذیرایی می‌کرد و خم به ابرو نمی‌آورد!! (1)

علامه جعفری رحمه الله پس از دفن پیکر همسرشان در جمع ارادت‌مندان به پا خاست و مطالبی درباره آن بانوی فداکار گفت؛ از جمله: حدود 40 سال این بانوی از دست رفته در زندگی ما بود. مشکلات کارهای ما را تحمل کرد و مقتضیات نفس را کنار گذاشت... حقیقت این است که من جز این که از ایشان تشکر کنم و از ایشان طلب عفو کنم، امشب هیچ چاره‌ای غیر از این نمی‌بینم؛ چون خیلی خیلی گذشت کرد... خدایا! پروردگارا این بانو را با فاطمه زهرا علیها السلام محشور بفرما. (2)

ملاعباس [تریتی رحمه الله] از فضای آموزشی محروم بود و هم مباحثه‌ای نداشت. وی برای جبران محرومیت از فضای آموزشی، از همسر مهربانش تقاضا کرد که به عنوان هم مباحثه، وی را در این راه یاری رساند؛ زیرا بحث و تمرین آموخته‌ها، آن هم در محیط گرم خانواده، تأثیر شایانی در رشد و

ص: 139

- 
- 1- جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، گلشن ابرار، ج 3، ص 522-523.
  - 2- جوادی، فیلسوف شرق، ص 196 و 197 (در احوالات علامه محمدتقی جعفری)

تعالی آن خواهد داشت. از آن جایی که همسر مکرمه ی وی، دختر آخوند ملا علی اکبر مزگردی، در خواندن قرآن و ادعیه نیز موفق بود، به این پیشنهاد جواب مثبت داد. این بانوی گرامی، خاطرات آن روزها را برای فرزندش چنین بازگو کرده است:

پدرت مرا با خودش به مزرعه می برد و کتاب را به دست من می داد که از روی آن، آن چه را از بر می خواند، گوش بکنم. و او متن بعضی از کتاب ها را هم چنان که بیل میزد، می خواند و من از روی کتاب گوش می دادم. گاهی مطلبی را چنان که برای هم مباحثه ای تقریر می کند، برایم تقریر میکرد تا در یاد خودش بماند... روزی یونجه درو میکرد و اشعار الفیه ابن مالک را یک بار از اول تا به آخر و بار دیگر از بیت آخر وارونه تا به اول خواند و من از روی کتاب گوش دادم و هیچ اشتباه نکرد. (1)

## 2-7-2. همراهی در تبلیغ

نقش همسران مبلغان در تبلیغ، همانند پشتیبانی جبهه را دارد و بسیار برجسته است؛ چرا که اگر خیال یک مبلغ از اداره ی خانواده توسط همسرش راحت نباشد، نمی تواند به تبلیغ برود یا اگر همسرش مدام بی تابی کند و به اصطلاح نق بزند، مبلغ در کار تبلیغی اش موفق نخواهد بود.

بنابراین همسر مبلغ می تواند با زمینه سازی، یعنی ایجاد انگیزه ی تبلیغ، صبر و تحمل، حفظ نشاط خانواده و تدبیر درست، شوهرش را برای تبلیغ دین خدا، روانه ی عرصه های تبلیغی و فرهنگی کند. آیت الله حائری شیرازی در درس اخلاق خود می گوید:

ص: 140

زمانی که زن، نشاط، محبت و لطف خود را اندوخته و برای همسرش صرف کند، مبلغ نیز می تواند با جدیت بیشتری به فعالیتهای دینی و تبلیغی پردازد؛ در چنین شرایطی، اجری که مبلغ از تبلیغ خود می برد، همسر او نیز از آن بهره مند می شود. (1)

همچنین وی می تواند با یادگیری بعضی از مهارت ها (مثل کلاس داری، مهارت های ارتباطی، مهارت بیان احکام و...) و دانش ها (مثل احکام، آموزش قرآن و...) گام در عرصه ی تبلیغ گذاشته و هم دوش با شوهر به تبلیغ پردازد و مسائل مبتلابه و دامن گیر بانوان را آموزش دهد.

امام حسن عسکری علیه السلام از پدرشان امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل می کنند که :

زنی به حضور فاطمه زهرا رسید و عرض کرد مادری ناتوان دارم که در نمازش مشکل دارد و مرا به سوی شما فرستاده تا از آن پرسم. او پرسش خود را مطرح کرد و حضرت فاطمه به آن پاسخ داد. آن زن پرسش دیگری پرسید و پاسخ گرفت. سپس پرسش سوم و چهارم و تا ده پرسش پرسید و حضرت همه را پاسخ داد. زن از فراوانی پرسش ها خجالت کشید و گفت: ای دختر پیامبر خدا! دیگر مزاحم نمی شوم. فاطمه فرمود: نه بیا و هرچه می خواهی بپرس. به نظر تو اگر کسی را یک روز برای بالا بردن باری سنگین به پشت بام استخدام کنند و در عوض به او یک صد هزار دینار مزد دهند، آیا این کار برای او دشوار و سنگین به نظر می آید؟ آن زن گفت: نه حضرت فرمود: مزدی که من در برابر پاسخ هر پرسش می گیرم، ارزشش بیش از مرواریدهایی است که از زمین تا آسمان را پر کرده باشد! پس چنین کاری با چنین مزدی سزاوارتر است که بر من گران نیاید. از پدرم شنیدم که می فرمودند: دانشمندان شیعیان ما پس از آن که محشور شوند، به اندازه فراوانی دانششان و مقداری که در راه هدایت

ص: 141

---

1- «سخنرانی آیت الله حائری شیرازی در اختتامیه ششمین همایش همیاران تبلیغ در قم» خبرگزاری حوزه، شناسه خبر: 282174، 1391/4/5.

بندگان خدا تلاش کرده باشند، بر آنها خلعت های کرامات پوشانده خواهد شد، تا آن جا که بر برخی از آنها هزار هزار خلعت نور پوشانند. (1)

نیز در روایت دیگری امام عسکری علیه السلام نقل می کنند که :

روزی بین یک زن مؤمن و یک زن کافر مشاجره ای بر سر دین پیش آمد. این موضوع خدمت حضرت فاطمه علیها السلام مطرح شد. آن حضرت استدلال زن مؤمن را تأیید و تشریح نمود. در نتیجه او بر رقیب خود پیروز شد و از این پیروزی شادمان گشت. حضرت زهرا علیها السلام به آن زن مؤمن فرمود: بدان که شادی فرشتگان به واسطه پیروزی تو بر او بیش از خوشحالی توست. خداوند به فرشتگان فرمود: به جهت پشتیبانی فاطمه از آن زن، هزار هزار درجه در بهشت برین بیش از آن چه برای این زن تعیین شده، برایش منظور دارید و این را ملا-کی قرار دهید که هر کس به کمک یاران حق بشتابد و راه پیروزی آنان را هموار سازد، هزار هزار مرتبه بیش از پاداش مقرر به او عطا شود. (2)

اگر برای همسر، زمینه های یادگیری مهارت ها و دانشها فراهم نیست، حداقل می تواند در صورت حضور در محل تبلیغ، با گفتار و رفتار نیک و

ص: 142

1- حَضَرَتْ امْرَأَةٌ عِنْدَ الصَّدِيقَةِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقَالَتْ إِنَّ لِي وَالِدَةً ضَعِيفَةً وَقَدْ لَبَسَ عَلَيْهَا فِي أَمْرِ صَلَاتِهَا شَيْءٌ وَقَدْ بَعَثْتَنِي إِلَيْكَ أَسْأَلُكَ فَأَجَابْتَهَا فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ عَنْ ذَلِكَ فَتَنَّتْ فَأَجَابَتْ ثُمَّ ثَلَّثَتْ إِلَيَّ أَنْ عَشَرَتْ فَأَجَابْتُ ثُمَّ خَجَلْتُ مِنَ الْكَثْرَةِ فَقَالَتْ لَا أَسْأَلُكَ يَا ابْنَةَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَتْ فَاطِمَةُ: هَاتِي وَسَلِّي عَمَّا بَدَأَ لَكَ أَرَأَيْتِ مَنْ أَكْثَرِي يَوْمًا يَصَدُّعِدُ إِلَى سَطْحٍ بِحِمْلٍ ثَقِيلٍ وَكَرَاهٍ مِائَةَ أَلْفِ دِينَارٍ يُنْقَلُ عَلَيْهِ فَقَالَتْ لَا فَقَالَتْ: أَكْثَرِيَتْ أَنَا لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ بِأَكْثَرٍ مِنْ مِائَةِ مَا بَيْنَ الشَّرِيِّ إِلَى الْعَرْشِ لَوْلَا فَأَحْرَى أَنْ لَا يُنْقَلَ عَلَيَّ سِمْعَتُ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ عُلَمَاءَ شَيْعَتِنَا يُحْشِرُونَ فَيُخْلَعُ عَلَيْهِمْ مِنْ خِلْعِ الْكِرَامَاتِ عَلَيَّ وَقَدْ كَثُرَ عُلُومِهِمْ وَجِدِهِمْ فِي إِرْشَادِ عِبَادِ اللَّهِ حَتَّى يُخْلَعُ عَلَيَّ الْوَاحِدِ مِنْهُمْ أَلْفُ أَلْفِ حُلَّةٍ مِنْ نُورٍ.. (مجلسی، بحار الانوار، ج 2، ص 3)

2- الإحتجاج بالإسناد عن أبي محمد صلى الله عليه وآله وسلم قال: قالت فاطمة عليها السلام وقد اختصم إليها امرأتان فتنارعتا في شيء من أمر الدين إحداهما معايدة والأخرى مؤمنة ففتحت على المؤمنة حجتها فاستظهرت على المعايدة ففرحت فرحاً شديداً فقالت فاطمة عليها السلام إن فرح الملائكة باستظهارك عليهما أشد من فرح وإن حزن الشيطان ومردته بحزنهما أشد من حزنهما وإن الله تعالى قال لملائكته أوجبوا لفاطمة بما فتحت على هذه المسكينة الأسيرة من الجنان ألف ألف ضعف مما كنت أعددت لها وأجعلوا هذه سنة في كل من يفتخ على أسير مسكين فيغلب معايداً مثل ألف ألف ما كان معدداً له من الجنان. (همان، ص 8)

اخلاقی خود، بانوان را تحت تأثیر قرار دهد. به ویژه دلسوزی و یاری آنان در مسائل مختلف، تأثیر عمیق و ماندگاری دارد. البته سختی هایی هم دارد که نیازمند حوصله، صبر و تحمل است؛ یعنی احتمال دارد گاهی تنها باشند، با آداب و رسوم سخت گیرانه بسازند و سختی های زندگی در یک مکان ناآشنا و کم امکانات را تحمل کنند.

### 3-7-2. همراهی در مبارزه

مقام معظم رهبری دام ظلّه در سومین نشست اندیشه های راهبردی می فرماید:

ما در دوران مبارزه و بعد از دوران مبارزه، دوران پیروزی انقلاب، آزمایش کردیم؛ مردانی که همسران همراه داشتند، هم در مبارزه توانستند پایدار بمانند، هم بعد از انقلاب توانستند خط درست را ادامه بدهند. البته عکسش هم بود. من گاهی به این دخترها و پسرهایی که می آمدند خطبه عقدشان را می خواندم - آن وقت هایی که می خواندم؛ حالا - که توفیق ندارم - می گفتم خیلی از خانم ها هستند که شوهرهاشان را اهل بهشت می کنند؛ خیلی خانم ها هم هستند که شوهرانشان را اهل جهنم می کنند؛ دست آنهاست بنابراین نقش همسری، یک نقش بسیار مهمی است. (1)

ایشان درباره همسر حضرت امام خمینی قدس سره اظهار می دارند:

خانم خیلی قوی اند. در قوت خانم همین بس که توانستند این همه سال، پا به پای امام بیایند. کار آسانی نبود؛ زن ها معمولاً به فغان می آیند. ... (2) خانم را، من یک زنی دیدم با یک شخصیت مستحکم و قوی. خیلی برای من این مهم بود. البته شنیده بودم قبلاً، وقتی قم بودیم. آن جا با رفقا صحبت بود. نقل می کردند به مناسبت کارهای مرحوم حاج آقا مصطفی و شلوغ کاری که

ص: 143

1- بیانات در سومین نشست اندیشه های راهبردی، 1390/10/14.

2- یاد و یادگار (خاطراتی از دیدار حضرت آیت الله خامنه ای با همسر مکرمه حضرت امام)، ص 9.

می کرد (در دوره نوجوانی) می گفتند، خانم خیلی مستحکم است این را در قضایای مختلف؛ نجف رفتند، سال ها بودند؛ امام را آنگونه دستگیر کردند؛ مرحوم آقا مصطفی در نجف از دنیا رفت، بعد هم حاج احمد آقا؛ این خانم قرص و محکم. خیلی شخصیت محکمی داشت. ... اگر این شخصیت را ایشان نداشت، با امام هم مشکل بود بتواند زندگی کند و آن علاقه ای هم که امام داشتند به خانم، خیلی علاقه داشتند، پیداست. (1) من همیشه میگفتم که واقعاً یکی از نعمتهای خدای متعال به امام وجود این خانم بود که این جور با استقامت و قرص و محکم، مشکلات زندگی امام را تحمل بکند؛ در همه ی دوران ها؛ طلبگی یک جور، دوران مبارزه یک جور دیگر، بعد از پیروزی یک جور دیگر..... (2)

هم چنین می فرمایند:

بعضی از زن ها تاب سختی های زندگی مردشان را نمی آورند؛ اما هستند خانم هایی که نه تنها شکوه نمی کنند، بلکه حتی دلگرمی هم می دهند. به مرد می گویند: ناراحت نباش، چیزی نیست؛ صبر می کنیم؛ می گذرد. چنین زن هایی واقعاً قیمت دارند. ... الحمد لله از این جهت خدای متعال به من هم لطف کرده است. عیال من چنین خانمی است. وقتی در زندان بودم، به دیدن که می آمد، از اوضاع و احوال می پرسیدم، می گفت: اصلاً و ابداً ناراحتی و مشکلی ندارم، با اینکه ما بچه ی کوچک هم داشتیم. بعدها که من از زندان بیرون آمدم، فهمیدم که چه مشکلاتی داشته. مریض بوده؛ بی پول بوده؛ سختی فراوان کشیده؛ اما اصلاً و ابداً یک ذره اش هم در زندان به من منتقل نمی شد.

خدا می داند بعضی از این حوادثی که برای ایشان پیش آمده بود، من بعد از انقلاب فهمیدم؛ یعنی همین طور در خلال صحبت به مناسبتی پیش آمد

ص: 144

1- همان، ص 27.

2- همان، ص 70.

که ایشان گفتند. وقتی هم می گفتند، من دیدم واقعاً طاقت نمی آورم. می گفتم: چطور این ها را آن موقع به من نگفتی؟! مرحوم مادرم به خانم من می گفت که شما چرا ساکتی؟ چیزی بگو، آه و ناله کن! چون شما همه اش احساس راحتی می کنی، او هم دلگرم می شود و دنبال این کارها می رود! به هر حال، ایشان نعمت بزرگی است؛ خدا را شکر می کنم. (1)

شهید سید علی اندرزگو از مبارزان و انقلابیون پیش از انقلاب است که برای سرنگونی رژیم پهلوی، بسیار کوشید تا جایی که رژیم، حکم اعدام او را به صورت غیابی صادر کرد. وی برای مخفی ماندن و فرار از دست مأموران رژیم پهلوی، مخفیانه از شهری به شهری یا به بعضی از کشورها می رفت و گاهی برای در امان ماندن خانواده اش آنها را با خود همراه می کرد.

همسر شهید سید علی اندرزگو، از جمله زنان مقاوم و مبارزی است که

خاطرات همراهی او با آن شهید بزرگوار شنیدنی است. وی می گوید:

سال 1349 یک ماه مانده بود به تولد حضرت زهرا علیها السلام که عقد کردیم. یک ماه عقد کرده ماندم و روز تولد حضرت زهرا به خانه ی بخت رفتم. ایشان خانه ای در [محلّه] چیندر [تهران] گرفته بود. مستأجر بودیم با دو اتاق. ... مهدی چهار ماهه بود که از این خانه رفتیم. خانه ای رهن کرده بودند کنار خانه ی آقای صدری. حدود چهار ماه آنجا بودیم که یک روز ایشان آمدند و گفتند: من تحت نظر هستم و باید فرار کنیم. اگر شما مایل هستید با من بیایید. مقداری از اسباب ها را زود جمع کردیم و آمدیم به قم. .... چند ماهی در همین کوچه که آن روزها در اطراف شهر قم بود زندگی کردیم؛ ولی به خاطر این که خانه لورفته بود، دوباره فرار کردیم تهران. البته دیگر اسباب و اثاثیه نیاوردیم. یک ساک برداشتم و مهدی را.

ص: 145



... وقتی رسیدیم تهران، سه روز ماندیم... با قرض گرفتن یک اتومبیل پیکان از دوستی به طرف مشهد رفتیم. ده روزی مشهد ماندیم و دوباره مجبور به فرار شدیم. رفتیم زابل تا از آن جا برویم افغانستان و گذرنامه ای درست کنیم و برویم عراق و در این کشور ماندگار شویم

... در آن چند سال، آن قدر خانه عوض کردیم که تعداد آنها از یادم رفته است. آن قدر جابه جا شدیم که امید استقرار در یک خانه را ولو به مدت یک سال نداشتیم. البته در خانه ی آخری که فرزند سوممان به دنیا آمد، یک سالی بود که نشسته بودیم. سه فرزند من در مشهد به دنیا آمدند. چون کسی را نداشتیم، موقع وضع حمل، همه ی کارها را خودم می کردم و بعد از چند روز بلند می شدم و به کارهایم می رسیدم. حالا خدا چه قوتی به من داده بود، فقط خودش می داند. البته هفته اول را خود شهید اندرزگو از خانه بیرون نمی رفت و به کارهایم می رسید.

... [ساواک همسر شهید را با فرزندان کوچکشان دستگیر می کند و به زندان می برد. در زندان] بازجویی از من حدود دو ماه طول کشید. ... یادم هست که برایم جانماز آوردند. دو، سه تا پتو آوردند که همه اش پر از شپش بود! بچه ام دایم گریه می کرد. گرسنه بود. یک شب سربازی آمد دم سلول و گفت: چرا این بچه این قدر گریه می کند؟ گفتم گرسنه است؛ سلول هم تاریک است؛ این پتوها هم پر از شپش است؛ آدم بزرگ با این شرایط نمی تواند بخوابد؛ این طفل شیرخوار چطور بخوابد؟ سرباز سرش را پایین انداخت و رفت یک شیشه شیر پاستوریزه کوچک آورد. اول یک تکه نان آورد که پس دادم و گفتم، این بچه که نمی تواند نان بخورد. رفت و شیر آورد. به سرباز گفتم: این بچه، اگر شیر را بخورد، دل درد می گیرد. سرباز گفت: می روم کمی نبات می آورم و آورد. به من هم گفت: به کسی نگویی که اینها را برایت آوردم. دلم برای این بچه می سوزد. (1)

ص: 146

---

1- «شهید اندرزگو در قامت یک همسر» در گفت وگو با کبری سیل سه پور، شاهد یاران، ش 24، ص 52-56.

در 15 خرداد سال 42 که امام دستگیر شدند، عوامل رژیم دنبال آقای مطهری آمدند. شب عاشورایی بود که ایشان سخنرانی عجیبی کرده بودند و به منبری ها گفته بودند که: باید واقعیت را بگویید و در مقابل همه نوع حادثه و گرفتاری بایستید. بعد از آن سخنرانی بود که نیم ساعت بعد از نیمه شب، ایشان به منزل آمدند. منزل ما یک حیاط 100 متری در کوچه [دردار] بود آن روز بچه ای دو ماهه نیز داشتم. ایشان طبق معمول یک ذره پنیر و یا کره می خوردند. همان شام مختصر را از من طلب کردند و من رفتم شام بیاورم. در زدند و استاد برای بازکردن در به حیاط رفتند. آنها دائم مطهری را می کشیدند و ایشان می خواستند لباس عوض کنند؛ ولی اجازه نمی دادند. من آمدم جلو. ایشان به من گفتند: [لباس های مرا بیاور] در جیب قبای ایشان پر بود از اعلامیه و دفتر تلفن و مدارک. من فوراً رفتم و قبای دیگری برای ایشان آوردم. آن شب ایشان را دستگیر کردند و نزدیک به دو ماه زندانی بودند. وقتی آزاد شدند، در اولین دیدار با من خندیدند و گفتند: اگر کار تو نبود و آن قبا را عوض نکرده بودی، رازهای ما کشف شده بود! تو خیلی زرنگی کردی. (1)

شجاعت انقلابی و دفاع از راه و هدف شهید نواب صفوی، از زبان همسر وی شنیدنی است :

همسر شهید نواب صفوی پیرامون واکنش به تیر باران آن مرد بزرگ گفت: من به مسگرآباد محلی که آقای نواب را دفن کرده بودند، رفتم. 28 کامیون نظامی آن جا بود، سربازهای دربار صف به صف آنجا ایستاده بودند. عده ای از مردم هم داشتند و در کل فضا زیاد شلوغ بود. من داشتم به شدت گریه می کردم تا اینکه یکی از سربازهای شاه با پوتین به من زد و گفت: بلند شو اتفاقی نیفتاده است! من بلند شدم و گفتم: شما هم کسانی هستید که آل محمد را مانند بنی امیه

ص: 147

دلدار می دادید و شروع کردم حماسی صحبت کردن، طوری که نظامی ها گریه می کردند؛ گفتم: نواب همیشه می گفت: ای کاش من عاشورا بودم و جدم را یاری می کردم و چه خوب یاری کردی جدت را. خدایا این قلیل قربانی را از ما بپذیر و همین طور ادامه می دادم و سربازها گریه می کردند رو کردم به آنها و گفتم گریه کنید که اشک های شما هرگز خشک نخواهد شد. به خدا اگر مردهای ما را بکشید ما زنان مقابلتان خواهیم ایستاد و شروع کردم به خاندان پهلوی اعتراض کردن. یک ساعت و نیم بدون انقطاع صحبت کردم که بعضی ها تعجب می کردند چطور من در آن حال و هوا می توانستم این گونه صحبت کنم. دلم می خواست رگبار را به من ببندند و من نیز به شهادت برسم.

یکی از علمای بزرگ تهران رفته بودند پیش پدرم و به ایشان گفته بودند: آقای نواب احتشام من خطبه حضرت زینب علیها السلام را در کتاب ها خوانده بودم؛ ولی امروز با چشم خودم دیدم که شبیه شما چه سخنرانی کرد. بلا تشبیه مثل عمه ایشان حضرت زینب علیها السلام سخنرانی گفتند که همه را به تعجب وا داشته بود. در روزنامه ها آن زمان هم نوشته بودند سخنرانی های همسر نواب صفوی مردم را آماده انقلاب کرده و سخنان آتشین همسر نواب شوری به پا کرده که ممکن است مردم انقلاب کنند. (1)

مادر شهیدی خدمت حضرت امام قدس سره رسید عکس اول را تقدیم کرد و گفت: پسر اولم، اسمش آقا محسن. عکس دوم را تقدیم کرد و گفت: پسر دومم، اسمش آقا محمد بود. دو سال از آقا محسن کوچیکتره. عکس سوم را که می خواست تقدیم کند دید، شانه های امام از گریه می لرزد. مادر شهید عکس ها را جمع کرد، گذاشت زیر چادرش و گفت: چهار پسر دادم تا اشکت را نبینم عزیز زهرا علیها السلام. (2)

ص: 148

1- «همسر شهید نواب صفوی در گفت وگو با صابرنیوز» پایگاه خبری - تحلیلی صابر، شناسه خبر: 91358، 1395/02/27.

2- «عشق به امام در نگاه مادر شهید» پایگاه بدریون، شناسه خبر: 1392/07/04، 1127.





این سخن حکیمانه حضرت امام قدس سره که فرمود: «مرد از دامن زن به معراج می رود»<sup>(1)</sup>، اشاره به بانوان بزرگوار و مردآفرینی دارد که بسیاری از موفقیت های مردان بزرگ و اثرگذار تاریخ، مرهون زحمت ها و فداکاری های آنان است. در رأس ایشان، سرور زنان دو عالم حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا علیها السلام قرار دارد که الگویی کامل و جاویدان برای همیشه تاریخ بشریت می باشند و به پاس داشت آن بانوی گرامی، روز میلادش از سوی امام خمینی قدس سره در روز زن و روز مادر نام گرفت.

روز بزرگ و اجتماع عظیم و محل مبارک، روز ولادت زهرای مرضیه (روز زن) است؛ روز پیروزی زن و روز نمونه ی زن در عالم. زن نقش بزرگی در اجتماع دارد و مظهر تحقق آمال بشر می باشد. زن پرورش ده زنان و مردان ارجمند است. مرد از دامن زن به معراج می رود. دامن زن، محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ مردان است. روز بزرگی ست، زیرا زنی به دنیا آمد که مقابل همه مردان است؛ زنی به دنیا آمد که نمونه ی انسان است و زنی به دنیا آمد که تمام هویت انسانی در او جلوه گر است پس روز روز بزرگی ست؛ روز شما زنان است!<sup>(2)</sup>

در طول تاریخ، زنان بسیاری با الگو گرفتن از آن بانوی نمونه و بی همتای اسلام، به روشنی درخشیدند و فرزندان را به جامعه اسلامی تحویل دادند

ص: 151

---

1- صحیفه امام، ج 7، ص 341

2- همان.

که نامشان پس از گذشت قرن ها، مثل خورشید فروزان، هنوز می درخشد و به جان ها روشنی می بخشد .

از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام گرفته تا همه بزرگان و اندشمندان مسلمان و حتی غیر مسلمان براهمیت و جایگاه حساس و والای مادر در تربیت فرزند تأکید دارند. امام خمینی قدس سره در اهمیت نقش مادر می فرماید:

اول مدرسه ی کودک، دامن مادر است. مادر خوب، بچه ی خوب تربیت می کند؛ و خدای نخواستہ، اگر مادر منحرف باشد، بچه از همان دامن مادر، منحرف بیرون می آید؛ چون بچه ها آن علاقه بی که به مادر دارند، به هیچ کس ندارند، و تمام آرزوهایی که دارند، خلاصه می شود در مادر و همه چیز را در مادر می بینند حرف مادر، خُلق مادر، و عمل مادر، در بچه ها اثر دارد. لامحاله یک بچه در دامن مادر که اول کلاس است، رشد می کند. این دامن اگر دامنی طاهر، پاکیزه و مهذب باشد، بچه از همین اول که دارد رشد می کند، با آن اخلاق صحیح و با آن تهذیب نفس و با آن عمل خوب رشد می نماید. بچه وقتی در دامن مادرش هست، می بیند ما در اخلاق خوش، اعمال صحیح گفتار خوش دارد. از این رو از همان جا، اعمال و گفتارش به تقلید از مادر که از همه تقلیدها بالاتر است و به تزریق مادر که از همه تزریق ها مؤثرتر است، تربیت می شود. (1)

نیز خطاب به مادران چنین می فرماید :

با بچه رو راست باشید تا آنها هم رو راست باشند. الگوی بچه، پدر و مادر هستند. اگر با بچه ها درست رفتار کنید، بچه ها درست بار می آیند. هر حرفی را که به بچه ها زدید، به آن عمل کنید. (2)

دامن مادرها دامنی است که «انسان» از آن باید درست بشود. یعنی اول

ص: 152

---

1- صحیفه امام، ج 7، ص 283 .

2- رجایی برداشت هایی از سیره امام خمینی، ج 1، ص 31.

مرتبه ی تربیت، تربیت بچه است در دامن مادر و برای اینکه علاقه بچه به مادر، بیشتر از همه علایق هست و هیچ علاقه ای بالاتر از علاقه مادری و فرزندی نیست. بچه ها از مادر بهتر [مسائل] را اخذ می کنند. آن قدری که تحت تأثیر مادر هستند، تحت تأثیر پدر نیستند، تحت تأثیر معلم نیستند، تحت تأثیر استاد نیستند. (1)

از این رو، در این بخش به بیان نکاتی ارزشمند و کاربردی از سیره ی همسران علما و بزرگان در زمینه فرزند پروری پرداخته شده است.

## 1. استمداد از خداوند در تربیت

از آنجا که شیطان برای انسان دشمنی قسم خورده است و با از دست دادن ثمره ی عبادت چندین هزار ساله خود، چیزی برای از دست دادن ندارد، پیوسته به دنبال وسوسه و به انحراف کشاندن انسان است. انسان در شرایط طبیعی، قدرت رویارویی با فریب های شیطان را ندارد و لازم است با یاری از قدرتی که مافوق قدرت اوست، به دفع حملات او پردازد: «وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»؛ (2) به طوریقین، اگر از شیطان به خدای متعال پناه ببریم، از سوی او تهدیدی متوجه ما نخواهد بود؛ به همین دلیل، همسر عمران همین که فرزندش را به دنیا آورد و نام «مریم» بر او نهاد او را برای همیشه از شیطان به خدا پناه داد و نشان داد که انسان پیش از هر چیز باید به فکر سلامتی فرزند از شر شیطان باشد. (3) خدای

ص: 153

---

1- صحیفه امام، ج 8، ص 90.

2- و اگر از جانب شیطان دست خوش وسوسه ای گردی، به خدا پناه ببر که او شنوا و داناست. (فصلت، آیه 36)

3- قرائتی، تفسیر نور، ج 2، ص 56.



سبحان نیز این خواسته مادر مریم را اجابت کرده، خود تربیت او را برعهده گرفت و پیامبرش زکریا را نیز سرپرست امور وی قرار داد و ثابت کرد که اگر کسی به تربیت معنوی فرزند خود اهتمام ورزد و این بخش مهم از تربیت را به خدا واگذار نماید، خدا نیز این وکالت را پذیرفته و به نحو شایسته ای به انجام می رساند. «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ ... وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّحِيمِ فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَ أُنَبِّئُهَا نَبَأًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا.» (1)

## 2. تربیت فرزند بهترین عبادت مادر

در خاطرات یکی از نوه های حضرت امام خمینی قدس سره آمده است:

امام همیشه به مادرم توصیه می کردند که بهترین عبادت برای مادر، نگه داری از فرزندان و تربیت آنان است. چنان که مادرم، در اوایل انقلاب خواسته بودند که در کارهای اجتماعی شرکت کنند؛ ولی به دلیل کوچک بودن بچه ها، امام از ایشان خواستند که به تربیت فرزندان خود بپردازند. (2)

در فرمایش های رهبری دام ظلله نسبت به اهمیت نقش زن در خانواده آمده است:

علت اینکه اسلام این قدر به نقش زن در داخل خانواده اهمیت می دهد، همین است که زن اگر به خانواده پای بند شد، علاقه نشان داد، به تربیت فرزند اهمیت داد، به بچه های خود رسید، آنها را شیر داد، آنها را در آغوش خود بزرگ کرد، برای آنها آذوقه های فرهنگی - قصص، احکام، حکایت های قرآنی، ماجراهای آموزنده - فراهم کرد و در هر فرصتی به فرزندان خود مثل غذای جسمانی چشاند، نسل ها در آن جامعه، بالنده و رشید خواهند شد.

ص: 154

- 
- 1- هنگامی که زن عمران گفت: ... او و فرزندانش را از شیطان رجیم در پناه تو می آورم. پس پروردگارش آن دختر را به نیکی از او پذیرفت و به وجهی پسندیده پرورش داد و زکریا را به سرپرستی او گماشت. (آل عمران آیه 37-35)
  - 2- ستوده، پایه پای آفتاب، ج 1، ص 330.

این هنرزن است و منافاتی هم با درس خواندن و درس گفتن و کار کردن و ورود در سیاست و امثال این ها ندارد. (1)

### 3. نقش مادر در تربیت انسان های والا

علامه حسن زاده آملی در خاطراتش می گوید :

پدرم کاسب بود و مادرم خانه دار. در خردسالی مادرم را از دست دادم، ولی آن چه برکت زندگی من است، از مادرم و روزی حلال پدرم بوده است. مادر من به قداست، طهارت، پاکی، نجابت و تقوا زبان زد بود. در کتاب قانونِ شیخ الرئیس ابوعلی سینا هم هست که نیت و حالات پدر و مادر در شرایط نطفه بر کودک اثر دارد؛ رفتار و کردار والدین بر کودک اثر می گذارد؛ خلق و خوی و رحم مادر در کودک اثر می گذارد. مادر هر چه پاک تر، شایسته تر، نجیب تر و با تقواتر باشد، فرزندش هم ارزنده تر خواهد شد.

کودکی ده ساله بودم، در کلاس دوم ابتدایی که مادر جوانم مخاطب به خطاب «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً» (2) گشته، به رحمت الهی رفت. در همه ی آثارم به فارسی و عربی گفته ام: خیر و برکتی که دارم، از مادرم دارم. من خیلی مفتخرم و به خود میبالم که در دامان پاکی رشد کرده ام. (3)

مرحوم خانم میردامادی (مادر مقام معظم رهبری دام ظلّه) نیز در اهمیت نقش مادر چنین می گوید :

به بچه هایتان ظلم نکنید تا بچه هایتان ظالم نشوند؛ به بچه هایتان رحم کنید تا بچه هایتان رحم دل شوند؛ به بچه هایتان دروغ نگوئید تا بچه هایتان دروغ نگویند؛ مال حرام به بچه هایتان ندهید؛ شیر ناپاک به بچه هایتان

ص: 155

1- بیانات در اجتماع بانوان خوزستان 1375/12/20.

2- فجر، آیه 27-28.

3- واحد پژوهش انتشارات هنارس شیخ خرابات، ص 19-20.

ندهید؛ غذای ناپاک به بچه هایتان ندهید؛ بچه هایتان را فقط تشویق به درس [خواندن] نکنید، تشویق به امور دینی هم نکنید. بچه هایم وقتی قصه می خواستند، قصه های قرآن را می گفتم. مادر در [تربیت] اولاد خیلی تأثیر دارد ... من بچه هایم را این طور بزرگ کرده ام. [\(1\)](#)

#### 4. اثر روحيات و معنويت مادر بر فرزند

گاهی پرسیده می شود که چه کنیم بچه ها در خانه معنوی بار ببینند؟ بهترین پاسخ آن است که والدین و به ویژه مادران باید از خودشان شروع کنند. وقتی فرزندان، پدر و مادر خود را اهل ذکر، دعا، نماز، عبادت و به طور کلی اهل معنویت ببینند، به طور فطری از آنان الگو می گیرند.

حضرت امام قدس سره در اهمیت نقش مادر در این زمینه می فرماید:

اسلام از شما این معنا را می خواهد که فرزندان را، در دامان خود مهذب کنید! دامن خود را منور نمایید به نور این بچه های اسلامی، که اینها فرزندان اسلامند و بعد از این، مقدرات اسلام و مملکت به دست آنهاست. [\(2\)](#)

مقام معظم رهبری دام ظلّه نیز در بیان خاطرات کودکی خود می فرماید:

یادم است هنوز بالغ نبودم که اعمال روز عرفه را به جا آوردم. اعمال آن روز، طولانی هم هست - لابد آشنا هستید؛ خیلی از جوانان با آن اعمال آشنا هستند - چند ساعت طول می شد. اعمال از بعد از نماز ظهر و عصر شروع می شود و اگر انسان بخواهد به همه ی آن اعمال برسد، شاید تا نزدیک غروب، روزهای نه چندان بلند، به طول می انجامد. آن وقت من یادم است که با مادرم چون مادرم، هم خیلی اهل دعا و توجه و اعمال مستحبی بود، می رفتیم یک گوشه ی حیاط که سایه بود، منزل ما حیاط کوچکی داشت، آن جا فرش پهن می کردیم؛

ص: 156

---

1- بهبودی، شرح اسم، ص 26.

2- صحیفه امام، ج 7، ص 239.

چون مستحب است که زیر آسمان باشد. هوا گرم بود. آن سالهایی که الآن در ذهنم مانده یا تابستان بود، یا شاید پاییز بود، روزها نسبتاً بلند بود. در آن سایه می نشستیم و ساعت های متمادی، اعمال روز عرفه را انجام می دادیم. دعا داشت، هم ذکر و هم نماز. مادرم می خواند، من و بعضی از برادر و خواهرها هم بودند، می خواندیم. دوره ی جوانی و نوجوانی من اینگونه بود؛ دوره ی انس با معنویات و با دعا و نیایش. (1)

## 5. دقت در لقمه ی حلال

از مادر مقدس اردبیلی رحمه الله سبب مقام ارجمند فرزندش را سؤال کردند، فرمود:

من هرگز لقمه ی شبهه ناک نخوردم و قبل از شیر دادن به او، وضو می گرفتم؛ و ابداً چشم به نامحرم نینداختم و در تربیت کودک بعد از شیر باز گرفتن، کوشیدم و نظافت و طهارت او را مراعات داشتم و با بچه های خوب، او را می نشاندم. (2)

شهید بزرگوار حاج شیخ فضل الله نوری، چون مشروطه را در جهت اسلام نمی دید، با آن مخالفت کرد. عاقبت او را گرفتند و زندانی کردند. شیخ پسری داشت که این پسر بسیار اصرار داشت پدرش را اعدام کنند! یکی از بزرگان گفته بود به زندان رفته و علت را از شیخ فضل الله پرسیده بود که چرا یکی از پسران شما از باب «يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ» به این اندازه شرور شده است؟ مرحوم شیخ فضل الله ابراز داشت که خود من هم انتظارش را داشتم. پسر من چنین از کار درآمد و فرمود: «آن چیزهایی که من از او دیده ام و می بینم، شما ندیده اید و بعداً خواهید دید. این فرزند همانا قاتل من خواهد بود و کسی است که در پای دار

ص: 157

---

1- گفت و شنود صمیمانه رهبر انقلاب با جمعی از جوانان و نوجوانان، 1376/11/14.

2- حسینی یزدی، «داستان هایی از زندگی فقیه محقق مقدس اردبیلی»، مجله پیام حوزه، ش 10 و 11، تابستان و پاییز 1375.

چون شیخ شهید، اثر تعجب را در مخاطب دید، اضافه کرد: «شیری که خورده، نجس و خبیث بوده و زن شیردهی که او را تربیت نموده، نجس و پلید بوده است.» و ماجرایش را بیان کرد که: «آن زمانی که در سامرا در محضر استاد بزرگ میرزای شیرازی مشرف بودم، خداوند این پسر را به من داد. مادرش بیمار بود و شیر نداشت لذا برای شیر دادن به او ناچار به گرفتن دایه شدیم. بدون تحقیق زنی را برای دایگی او اجیر کرده و به تربیت او گماشتیم تا حدود دو سال او را شیر داد. بعد معلوم گردید که آن زن ناصبی و از خوارج و از دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است و دو سال شیر ناپاک به او داده است. نجس و حرام مجهول هم تأثیر خود را می گذارد.» آن پسر فاسد، پسری دیگر تحویل جامعه داد به نام «کیانوری» که رئیس حزب توده شد. (1)

علامه محمد باقر مجلسی رحمه الله فرزند علامه محمدتقی مجلسی رحمه الله، وقتی که هفت ساله بود، هر روز با پدر خود به مسجد می رفت. یک شبی در صحن مسجد بازی می کرد. سقایی مشک آبی داشت. مشک آب خود را در صحن مسجد گذاشت و به نماز رفت. این بچه هفت ساله، یک سوزن در مشک آب آن سقا زد و آب از مشک فوران کرد. این کودک هم لذت می برد و وقتی که سقا آمد، دید که مشک سوراخ شده و آبی در مشک نیست، گفت: چه کسی این کار را کرده؟ گفتند: پسر علامه مجلسی.

ص: 158

این قضیه به گوش علامه مجلسی اول رسید. خیلی از این قضیه ناراحت شد. آمد خانه پیش خانمش؛ به خانمش گفت که من آنچه باید قبل از انعقاد نطفه مراعات کنم، مراعات کردم؛ آن چه در وقت انعقاد نطفه دستور بود، عمل کردم و از نظر غذا مواظب بودم و این کاری که بچه کرده است، تقصیر تو باید باشد. فکرکن بین چه کاری کردی؟ اتفاقاً زن به یادش آمد، گفت که بله تقصیر من است. من وقتی که باردار بودم به خانه ی همسایه رفتم. در موقع بازگشت در دالان خانه ی همسایه ، یک درخت انار بود و من خیال کردم که این انار ترش است و چون باردار بودم، تمایل به ترشی پیدا کردم؛ لذا برای همین سوزنم را از زیر گلویم در آوردم و به انار زدم و انار را مکیدم و دیدم انار شیرین است و انار را رها کردم و به صاحب منزل نگفتم. آن آب انار غصبی، اثر گذاشت روی بچه و بچه در سن هفت سالگی سوزن را فرو کرد در مشك سقا! (1)

بانوی مجتهده مرحوم نصرت امین در این باره می گوید:

پدر و مادری که عمر خورا با لهو و لعب و فساد اخلاق و الکل و مشروبات دیگر می گذرانند و پروایی از غذای حلال و حرام ندارند، اخلاق آنها در طفل تأثیر کلی دارد؛ زیرا که روحیه ی طفل بسیار مناسب روحیه ی پدر و مادر است . (2)

## 6. آموزش احکام اسلامی

تربیت دینی از وظایف مهم والدین است و باید نسبت به آن توجه کرده و آموزه ها و آداب اسلامی را به فرزندان خود یاد بدهند. از همسر شهید

ص: 159

---

1- محمدی صیفار مشق عشق، ص 67.

2- همایونی، زندگانی بانوی ایرانی ص 243.

مطهری رحمه الله نقل شده است :

ما اوایلی که به تهران آمده بودیم، خانه ای در خیابان ری، کوچه ی دردار داشتیم و چون در داخل منزل حمام نبود، ایشان (شهید مطهری) روز جمعه به من می گفتند: خانم! من امروز غذا درست می کنم و شما این دختر خانم ها را به حمام ببرید و به ایشان غسل جمعه را یاد بدهید. این ها باید روش غسل یا احکام مبتلابه شان را بدانند. در آینده ممکن است ما نباشیم و نتوانند سؤال کنند و دچار مشکل شوند.

(1)

نکته ای که در تربیت دینی و مذهبی کودکان باید توجه داشت، آن است که در تربیت از افراط و تفریط باید پرهیز کرد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

جوان بودم و در عبادت کوشش بسیار می کردم. پدرم به من فرمود: کمتر از این مقدار عبادت که از تو می بینم، به جای آور؛ زیرا خداوند وقتی بنده ای را دوست دارد، با عبادت کم از او راضی می شود. (2)

### 7. دقت در گزینش مربی شایسته برای فرزند

وظیفه ی تربیت فرزند در سالهای نخستین زندگی بر عهده ی مادر است؛ ولی پس از طی مراحل نخستین رشد، نیاز به مربی به ویژه در زمینه ی پرورش عمیق الهی و معنوی احساس می شود. از آنجا که ویژگی های مربی نیز چون مادر در شکل دهی شخصیت کودک مؤثر است، لازم است والدین به ویژه مادر در تعیین مربی فرزند خود، دقت و حساسیت لازم را داشته باشند.

همان گونه که مادر مریم او را تحت حمایت الهی قرار داد، خداوند نیز به نیکویی مریم را پرورش داد و آنگاه زکریا را به عنوان مربی و سرپرست او معرفی نمود. (3)

ص: 160

---

1- محمدی صیفار، مشق عشق، ص 89.

2- مجلسی، بحار الانوار، ج 47، ح 95، ص 55.

3- حسین خانی، تربیت الگویی زنان در قرآن، ص 117.

فاطمه، مادر سید رضی و سید مرتضی که هر دو از دانشمندان بزرگ شیعه هستند، بانویی پاک دامن و زاهد بود که روزهای گرم را روزه می گرفت و در تاریکی شب ها به عبادت خداوند می پرداخت.

مرحوم شیخ مفید رحمه الله که از بزرگ ترین علمای شیعه است و تمام متأخرین از او استفاده کرده اند، شبی در عالم رؤیا دید که حضرت فاطمه علیها السلام دست امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را گرفته وارد مسجد شدند و به شیخ مفید فرمودند: فرزندانم را بپذیر و به آنها فقه بیاموز!

شیخ مفید از خواب بیدار می شود و شگفت زده با خود فکر می کند که موضوع چیست؟! هنگامه ی درس فرا می رسد و شیخ مثل هر روز به محل تدریس می رود. در آغاز درس، خانمی به همراه دو فرزندش وارد مسجد می شوند و به نزدیک شیخ مفید می روند. مادر به استاد می گوید: فرزندانم را بپذیر و به آنها فقه بیاموز! شیخ مفید که راز خوابش را فهمیده بود، مشغول تعلیم آن دو که کسی جز سید رضی و سید مرتضی نبودند، شد و سرانجام آن دو بزرگوار، از علمای بزرگ شیعه شدند که هر دو، آثار بزرگ علمی، فقهی و تفسیری مفیدی از خود به یادگار گذاشته اند.

همه این ارزش ها، مرهون ایمان، اخلاص و پاکی مادرشان فاطمه بود. سید رضی، خود درباره مادرش می گوید: «اگر همه مادران، به خوبی، پاکی و وظیفه شناسی او بودند، فرزندانشان به پدر نیازی نداشتند.» (1)

فاطمه کوهستانی، همسر حاج شیخ مهدی کوهستانی بهشهری [ و مادر

ص: 161



مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد کوهستانی]، بانویی با ایمان و پاک دامن و مادری خردمند و با کفایت بود. قناعت و ساده زیستی همراه با کیاست و تدبیر از صفات این بانوی صالح به شمار می آمد. از جهت معیشتی، وضعیت مناسبی نداشت اما بسیار سخاوتمند بود و به فقرا و مستمندان رسیدگی می کرد و در برآوردن حوایج آنان می کوشید. به خاندان عصمت و طهارت به ویژه سیدالشهدا علیه السلام علاقه ی وافر داشت و هفتگی در منزل، مراسم روضه و عزا برپا می کرد. از آنجا که وی زنی لایق و مسئولیت شناس بود، با از دست دادن همسر دانشمند خود، ضعف و سستی به خود راه نداد، بلکه به خوبی از عهده ی مسئولیت خطیر تربیت تنها یادگارش برآمد و در رشد فکری و تعالی روحی او اهتمام ورزید. مادر، پس از اتمام دوره مکتب خانه محمد، فرزندش را جهت تحصیل علوم دینی به حوزه فرستاد و به ادامه دادن راه پدرش تشویقش کرد. اسباب و مقدمات تحصیل فرزندش را خود مهیا می ساخت و زحمات و دشواری ها را بر خود هموار می کرد تا طلبه نوجوانش فقدان پدر را احساس نکند و با خیالی آسوده، راه پیشرفت و ترقی را بیپیماید. خود، ساده زندگی می کرد و لباس کرباس برتن می نمود و در پاسخ آنان که به وی اعتراض می کردند که چرا از لباس بهتری استفاده نمی کنی و بیشتر به خود نمی رسی، می گفت: فرزندم مشغول تحصیل است، باید طوری زندگی کنم که بتوانم مخارج تحصیل او را فراهم کنم. آن مادر فداکار، آن قدر در جهت تحصیل و رشد علمی فرزندش اهتمام ورزید که یک بار ناچار شد مقداری از زمین های مزروعی خود را بفروشد و

هزینه‌ی زندگی‌اش را تأمین کند. هیچگاه حاضر نمی‌شد که دیگران مخارج زندگی و تحصیل فرزندش را به عهده بگیرند. معمولاً هزینه و مخارج زندگی‌اش را علاوه بر داشتن مقداری زمین کشاورزی از طریق هنر دستی مثل کلاه بافی و غیره اداره می‌کرد.

از جمله قضایایی که نشان دهنده‌ی علو همت و روح بلند آن زن شایسته است. آنکه وقتی به او خبر دادند یکی از تاجر خیرخواه عده‌ای از مؤمنین را تشویق نمود که برای مخارج زندگی پسرش اعانه‌ای جمع‌آوری کنند برایش به نجف بفرستند، از این خبر برآشفته و به آن تاجر پیغام فرستاد که: «شیخ محمد مقنی نیست تا برای او جیره جمع کنید! پسرم احتیاج به این پول‌ها ندارد، خودم هزینه‌اش را تأمین می‌کنم.» وقتی این سخن به پدر مرحوم آیت‌الله برهانی رسید، از همت بلند آن مادر شگفت‌زده شد و گفت: «به راستی که او زنی بلند همت و مردآفرین است.» (1)

## 8. تقویت روحیه‌ی انقلابی و جهادی فرزندان

زنان مردآفرین، هم خود روحیه‌ی انقلابی و مبارزه‌دارند و هم فرزندان خود را چنین تربیت می‌کنند. تاریخ انقلاب (چه پیش از آن و چه پس از آن)، سرشار از شیرزنانی است که هم دوش شوهرانشان در مبارزه حضور داشتند. درباره‌ی زندگی مادر مقام معظم رهبری دام‌ظله آمده است:

بانو خدیجه، زنی شجاع بود و این خصلت در همه‌ی امور زندگی او نمود داشت. این ویژگی در زمان مبارزه‌ی پسرانش با حکومت پهلوی، بارها، چه در

ص: 163

برخورد با مأموران و چه در ملاقات با پسران زندانی اش بروز داشت. (1)

می گویند در این موارد دیده نشده که زبان التماس به کار برد و در برابر اهانت یا درشت گویی های مأموران کوتاه بیاید. کسی یاد ندارد بانو خدیجه در میان خانواده یا نشست های خویشاوندی از زندان رفتن فرزندان خود شکوه کرده باشد. او در برابر اظهار ترحم دیگران می ایستاد و به آنان گوشزد می کرد که این اقدام دل سوزی ندارد. مبارزه کرده، در راه خدا زندان رفته؛ اگر افتخار نمی کنید، به ترحم شما هم نیازی نیست. «هر بار از زندان می آمدم بیرون، می شنیدم که مادرم برخوردهایش این طوری بوده، مقدار زیادی از خستگی من در می آمد.» خانم میردامادی وقتی برای دیدار پسرانش به زندان می رفت، مادرانه حرف نمی زد و از رنجی که می کشید واگویی نمی کرد. آنان را به کوتاه آمدن در فعالیت های سیاسی تشویق نمی نمود. کلمه ای نمی گفت که روحیه پسرانش را بلرزاند. با مأموران زندان در بیرون یا درون اتاق ملاقات بی اعتنا رفتار می کرد و زبانش تند و تیز بود. پسر کوچکش، سید محمد حسن، می گوید: «شیری که مادرمان به ما داد با نفرت از پهلوی عجین بود.» (2)

واخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

ص: 164

---

1- بهبودی، شرح اسم، ص 19-20 .

2- همان، ص 19-20 .

الف. فارسی و عربی

. قرآن کریم.

. نهج البلاغه .

1. آیت الهی، زهرا و دیگران؛ اخلاق خانواده؛ قم نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، 1392

2. ابراهیم هلال، ابراهیم؛ من بطولات المرأة في القرآن الكريم؛ مصر: مكتبة النهضة المصرية، 1406ق.

3. ابن ابی الحدید، عبدالحمید؛ شرح نهج البلاغه، قم: مکتب اسماعیلیه ، [ بیتا].

4. ابن بابویه ، محمد بن علی ( شیخ صدوق)؛ الخصال؛ تهران: کتابچی، 1377.

5. امالی؛ نجف المطبعة الحیدریه ، 1389ق.

6. من لا یحضره الفقیه ؛ قم : جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1404.

7. ابن شاذان القمی، ابوالفضل؛ الفضائل؛ قم: رضی، 1363.

8. ابن هشام، ابو محمد عبد الملک السیره النبویه؛ بیروت: دارالمعرفه ، [بی تا] .

9. امیری سوادکوهی، محمد قوام الدین ایازی از ملکوت (شرح حال آیت الله ابوالحسن ایازی)؛ قم: سلسله، 1387.

10. امین، محسن، اعیان الشیعه؛ بیروت: دارالتعارف، 1403ق.

11. ایمانی، محسن؛ بررسی ابعاد تربیتی و روان شناختی دوران عقد تهران: سازمان انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، 1386.

12 . بانکی پور فرد، امیر حسین؛ عیش و معاش (زندگی گوارا در پرتو اقتصاد

اسلامی)، اصفهان: حدیث راه عشق، 1393 .

13. بستان، حسین؛ اسلام و تفاوت‌های جنسیتی؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388-1391.
14. بهبودی، هدایت الله؛ شرح اسم (زندگی نامه آیت الله خامنه‌ای)؛ تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی .
- 15 . پاینده، ابوالقاسم؛ نهج الفصاحه؛ تهران: علمی، [بی تا].
16. تمیمی آمدی، عبدالواحد غرر الحکم و دررالکلم؛ ترجمه محمد رحمتی؛ قم: صبح پیروزی، 1392 .
17. جبل عاملی، احمد؛ یادگاران (10): کتاب زین الدین؛ تهران: روایت فتح، 1386.
18. جعفریان، حبیب؛ زندگی سید محمدحسین طباطبایی؛ تهران: روایت فتح، 1390.
19. جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم گلشن ابرار؛ زیر نظر پژوهشکده باقر العلوم قم: نشر معروف، 1382.
20. جوادی، محمدرضا؛ فیلسوف شرق؛ تهران: نشر فرهنگ اسلامی، 1381.
21. حایری مازندرانی، مهدی؛ شجره طوبی؛ قم: مکتبه الحیدریه، 1378.
22. حرّ عاملی، محمد بن حسن و سائل الشیعة قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، 1416ق (1374ش).
23. حسن زاده، صادق اسوه: عارفان گفته‌ها و ناگفته درباره عارف کامل علامه سید علی آقا قاضی تبریزی؛ قم: آل علی، 1379.
24. حسین خانی، هادی؛ تربیت الگویی زنان در قرآن؛ قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، 1382.

25/ حسین زاده علی؛ مهارت های سازگاری؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1379.

26. حسینی بهشتی، سید محمد؛ ولایت، رهبری، روحانیت؛ تهران: بقیه، 1386.

27. حسینی زبیدی، محمد مرتضی؛ تاج العروس من جواهر القاموس

تحقیق علی هلالی و علی سیری؛ بیروت: دار الفکر، 1414ق.

28. حسینی طهرانی، سید محمد حسین؛ روح مجرد (یادنامه سید هاشم موسوی حداد)، مشهد: علامه طباطبایی، 1427ق.

29. مهردادان (یادنامه علامه طباطبایی)؛ مشهد: علامه طباطبایی، 1431ق.

30. حسینی، سید علی اکبر؛ اخلاق در خانواده؛ قم: قدسیان، 1389. 31. حسینی، نعمت الله؛ مردان علم در میدان عمل؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1373.

32. خامنه ای، سیدعلی؛ مطلع عشق (گزیده ای از رهنمودهای حضرت آیت الله سیدعلی خامنه ای به زوج های جوان)؛ گردآورنده محمد جواد حاج علی اکبری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1383. 33. خویی، سیدابوالقاسم، صراط النجاة فی اجوبة الاستفتات؛ تهران: دفتر نشر برگزیده، 1416ق.

34. دشتی، محمد؛ نهج الحیاه؛ قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرمؤمنان علی، 1373.

35. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه، تهران: مؤسسه لغت نامه دهخدا؛ دانشگاه تهران، 1377.

36. دیلمی، شیخ حسن؛ ارشاد القلوب الی الصواب؛ قم: شریف رضی، 1412.

37. راوندی، قطب الدین؛ الدعوات قم مدرسه امام مهدی، 1407ق.

38. راوندی، سید فضل الله؛ النوادر؛ قم: دار الکتاب، [بی تا].

39. رجایی غلام علی برداشتهایی از سیره امام خمینی تهران مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1387.

40. رخشاد، محمدحسین؛ در محضر آیت الله بهجت؛ قم: مؤسسه فرهنگی سماء، 1387.

41. زمخشری، محمود؛ الکشاف عن حقائق التنزیل؛ بیروت: دارالکتب العربی 1987م.

42. زن و بازیابی هویت حقیقی (گزیده بیانات حضرت آیت الله خامنه ای)؛ به کوشش محسن کربلایی نظر و جمعی از محققین؛ تهران: انقلاب اسلامی، 1390.

43. سبحانی نیا، محمدرضا و سعیدرضا علی عسگری؛ مهر و قهر ((گلچینی از لطافت ها و صلابت ها در زندگی امام خمینی))؛ اصفهان: مرکز فرهنگی شهید مدرس، چاپ 12، 1379.

44. ستوده، امیررضا؛ پایه پای آفتاب (گفته ها و ناگفته ها از زندگی امام خمینی تهران): نشر پنجره، 1391.

45. شاکر برخوردار، فرید؛ آداب الطلاب (سلسله مباحث اخلاقی و حوزوی آیت الله مجتهدی تهرانی)؛ تهران: انتشارات لاهوت، ج 1، 1385.

46. شورای سردبیری؛ حاج آقا مجتبی؛ تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی مصابیح الهدی، 1392.

47. شورای نظارت بر نشر آثار استاد مطهری؛ استاد مطهری از نگاه خانواده؛

48. شیری، زهره مهارت حل تعارض (برای همسران)؛ تهران: سازمان بهزیستی کشور، اداره کل روابط عمومی، 1387.
49. طاهری خرم آبادی، سیدحسن؛ پاسخ به شبهات وهابیت؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، تابستان 1386 .
50. طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان في تفسير القرآن؛ ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1374.
51. طبرسی، فضل بن حسن مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی، 1370.
52. مجمع البيان في تفسير القرآن، تهران: ناصر خسرو، 1383.
53. طبری، محمد بن جریر؛ تاریخ الامم و الملوک؛ ترجمه ابوالقاسم پاینده؛ تهران: اساطیر 1383 .
54. عاکف، سعید؛ ساکنان مُلک اعظم (2)؛ شهید عبدالحسین برونسی؛ تهران: ملک اعظم، 1387.
55. عالم زاده نوری، محمد راه و رسم طلبگی؛ قم و لاء منتظر، 1387.
56. لباس روحانیت؛ چراها و بایدها؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1389.
57. عبدوس، محمدتقی و محمد محمدی اشتهاردی آموزه های اخلاقی - رفتاری امامان شیعه؛ قم بوستان کتاب، 1388-1390.
58. عمید، حسن فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیرکبیر، 1387 .



59. قرآنی، محسن؛ تفسیر نور؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، 1388.

60. قمی، شیخ عباس؛ سفینه البحار؛ تهران: دار الاسوه، 1416ق.

61. منتهی الآمال؛ تحقیق علی نظری منفرد؛ قم: جلوه کمال، 1421ق.

62. کرمانشاهی، احسان و محمد علی گو؛ مجمع ملکوتیان گزیده ای از خاطرات چهل شهید شاخص روحانیت در یک صد سال اخیر قم دارالهدی، 1390.

63. کلینی، شیخ یعقوب الکافی؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، 1365. 64. کوهستانی، عبدالکریم؛ بر قله پارسایی شرح حال آیت الله شیخ محمد کوهستانی تهران انتشارات ادباء، چاپ 7، 1392

65. گلی زواره، غلام رضا، سرای اهل صفا؛ تهران: مکتب القرآن، 1380.

66. متقی هندی، علاء الدین کنز العمال؛ بیروت مؤسسه الرساله، 1405ق.

67. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، 1403ق. 68. محمدی ری شهری، محمد؛ تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث؛ ترجمه حمیدرضا شیخی؛ قم: دارالحدیث، 1387.

69. محمدی صیفار، مهدی؛ مشق عشق (151 خاطره از سیره خانوادگی بزرگان دین)؛ قم: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه، 1393.

70. مصباح یزدی، محمدتقی؛ به سوی خودسازی؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1380.

71. معاونت تربیتی - فرهنگی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛ خانواده پویا؛ قم مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1387.

72. مقدسیان، محمد و محمد مهدی محمدی؛ آداب معاشرت؛ قم: زمزم

73. موسوی خمینی، سید روح الله؛ صحیفه امام تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1389.
74. موسوی خمینی، سید روح الله؛ صحیفه نور؛ تهران: سازمان مدارك فرهنگي انقلاب اسلامي، 1369.
75. مهدوی، ابوالحسن؛ اسوه بندگی (زندگی نامه مرحوم آیت الله سید بهاء‌الدین مهدوی)؛ اصفهان نسیم رحمت، 1392.
76. مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی یاد و یادگار (خاطراتی از دیدار حضرت آیت الله خامنه ای با همسر مکرمه حضرت امام؛ تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، 1394.
77. مؤسسه تحقیقاتی اهل بیت علیهم السلام؛ فریادگر توحید (عارف کامل حضرت آیت الله بهجت)؛ قم انتشارات انصاری، چ15، 1388.
78. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت؛ خاطرات و حکایت ها؛ تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، 1381 ش.
79. مؤسسه فرهنگی مطالعاتی شمس الشموس؛ الهیه تهران شمس الشموس، 1384.
80. نراقی، محمد مهدی؛ جامع السعادات؛ بیروت اعلمی، بی تا، چاپ چهارم.
81. نظری، مرتضی؛ آن مرد آسمانی (خاطره هایی از زندگی فیلسوف بزرگ قرن آیت الله علامه طباطبایی)؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1380.
82. نوری، حسین بن محمد تقی؛ مستدرک الوسائل؛ طهران المكتبة الاسلاميه، مكتبة العلميه، 1382 ق.

83. واحد انتشارات هنارس؛ شیخ خرابات (حضرت آیت الله علامه حسن زاده آملی)؛ قم: هنارس، 1390
84. وافی، علی؛ نسیم هدایت (رهنمودهای بزرگان به طلاب جوان)، قم: انتشارات شفق، 1388.
- 85/ وجدانی، مصطفی؛ سرگذشتهای ویژه از زندگی حضرت امام خمینی؛ تهران پیام آزادی، 1367.
86. همایونی علویه؛ زندگانی بانوی ایرانی؛ اصفهان گل بهار، 1382.

ب. مقالات و سایت ها

89. «کاوشی در نقش مادری و همسری حضرت فاطمه»؛ مجله اشارات ایام، شماره 150، بهار 1392.
90. «گفت وگو با خانم نجمه سادات طباطبایی»؛ مجله ی زن روز، شماره 892، آبان 1361.
91. «مهر افروخته؛ روایتی تازه از زندگی و شخصیت علامه طباطبایی»؛ معارف؛ شماره 72 دی 1388.
92. «نسیم بهشت از کرانه عشق دوران کودکی و زندگی خانوادگی شهید آیت الله قدوسی»؛ مجله پیام زن، شماره 126، شهریور 1381.
93. «نکته هایی از زندگی حضرت آیت الله مدنی»، ماهنامه امتداد، شماره 36 سال 1387.
94. «نگاهی به سلوک و ساده زیستی مقام معظم رهبری»؛ خبرگزاری تسنیم 1393/3/13.

ص: 172

95. اخوی ابراهیم؛ «امان از من»؛ مجله آشنا شماره 194، سال 1395. 96. «یادمان شهید آیت الله سید محمد باقر صدر»؛ ماهنامه شاهد یاران؛ انتشارات شاهد، شماره 18، 1386.
97. «یادمان شهید آیت الله علی قدوسی»؛ ماهنامه شاهد یاران؛ انتشارات شاهد، شماره 38، دی 1387.
98. «یادمان شهید آیت الله محمدرضا سعیدی»؛ ماهنامه شاهد یاران؛ انتشارات شاهد، شماره 32، تیر 1387.
99. «یادمان شهید سید علی اندرزگو»؛ ماهنامه شاهد یاران، انتشارات شاهد، شماره 24، آبان 1386.
100. «یادمان شهید مهدی شاه آبادی»؛ ماهنامه شاهد یاران، انتشارات شاهد، شماره 62، دی 1389.
101. «یادمان شهید نواب صفوی»؛ ماهنامه شاهد یاران انتشارات شاهد، شماره 2 دی 1384.
102. «یادمان هفتم تیر سالروز شهادت آیت الله بهشتی و یارانش»؛ ماهنامه شاهد یاران، انتشارات شاهد، شماره 8، تیر 1385.
103. «خانواده و وظایف مبلغان دینی» عبدالکریم تبریزی؛ مجله مبلغان، شماره 50، بهمن و اسفند 1382.
104. «نقش قناعت در بهره مندی از زندگی» علی حسین زاده؛ مجله معرفت اخلاقی، شماره 4، سال 1، 1379.
105. «نقش عفت و حیا در رضایتمندی زن و شوهر»؛ مجله معرفت اخلاقی،

106. «داستان هایی از زندگی فقیه محقق مقدس اردبیلی»؛ سید محمد علی حسینی یزدی؛ مجله پیام حوزه، شماره 10 و 11، 1375.
107. «نگاهی گذرا به زندگی بزرگان؛ مرحوم محمدتقی فلسفی»؛ سید محمدرضا حسینی؛ مجله معارف اسلامی شماره 45، سال 1379.
108. «نقش الگوهای نمادین و غیر کلامی در ارتباط همسران»؛ سید علی اکبر حسینی؛ سلسله گفتارهای تربیتی و اخلاقی شماره 110، مدیریت تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
109. «حریم نامحرمان»، سلسله گفتارهای تربیتی و اخلاقی، شماره 44، مدیریت تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
110. «بازشناسی مرزهای ارتباطی با خانواده همسر»؛ عباس رضائی فرانی؛ روزنامه خراسان، 1391/2/12.
111. «تبیین مبارزات انقلابی شهید مطهری در عرصه خاطره ها» مرتضی شیرودی؛ مجله رواق، اندیشه شماره 40 فروردین 1384.
112. «خانواده و رسانه (3 ماهواره)»؛ کاظم علی محمدی؛ سایت مدیریت مطالعات تربیتی و فرهنگی معاونت تهذیب حوزه های علمیه.
113. «حریم نامحرمان (سلسله گفتارهای تربیتی و اخلاقی)» معاونت تربیتی - فرهنگی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛ قم: آموزشی و پژوهشی امام خمینی، شماره 44.
114. «خانه، کانون مهر و محبت (سلسله گفتارهای تربیتی و اخلاقی)»؛ قم:

آموزشی و پژوهشی امام خمینی شماره 45 .

115. «عوامل تقویت محبت میان همسران (سلسله گفتارهای تربیتی و اخلاقی)»؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، شماره

40. 116. «مدارا در خانواده (سلسله گفتارهای تربیتی و اخلاقی)»؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، شماره 37 .

117. نشریه خانه خوبان؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، پیش شماره 2، شماره 1، 6، 7، 19، 26، 51.

118. «نگاهی به ویژگی های رفتاری اولین بانوی مسلمان نسبت به پیامبر»؛ محمد میانجی؛ مجله مبلغان، شماره 23 آذر 1380، ص 39-49 .

119. [www.akhlagh.net](http://www.akhlagh.net).

120. [www.akhlagh.tahzib-howzeh.ir](http://www.akhlagh.tahzib-howzeh.ir).

121. [www.farhangisite.ir](http://www.farhangisite.ir).

122. [www.farsi.khamenei.ir](http://www.farsi.khamenei.ir).

123. [www.hajimad.mihanblog.com](http://www.hajimad.mihanblog.com).

124. [www.hawzahnews.com](http://www.hawzahnews.com).

125. [www.masomiye-qom.kowsarblog.ir](http://www.masomiye-qom.kowsarblog.ir).

126. [www.mesbahyazdi.ir](http://www.mesbahyazdi.ir).

127. [www.mortezamotahari.com](http://www.mortezamotahari.com).

128. [www.motahari.ir](http://www.motahari.ir).

129. [www.motaleat.tahzib-howzeh.com](http://www.motaleat.tahzib-howzeh.com).

130. [www.motaleat.tahzib-howzeh.ir](http://www.motaleat.tahzib-howzeh.ir).

131. [www.nahad.kashanu.ac.ir](http://www.nahad.kashanu.ac.ir).

132. [www.navideshahed.com](http://www.navideshahed.com).

133. [www.quran.al-shia.org](http://www.quran.al-shia.org).

.www.rahbordi.ir.134

.www.sabernews.com.135

ص: 175

[www.v0.bahjat.ir](http://www.v0.bahjat.ir).136

[www.aghatehrani.ir](http://www.aghatehrani.ir).137

[www.andisheqom.com](http://www.andisheqom.com).138

[www.bahjat.ir](http://www.bahjat.ir).139

[www.fardanews.com](http://www.fardanews.com).140

[www.farsnews.com](http://www.farsnews.com).141

[www.ghasednews.com](http://www.ghasednews.com).142

[www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir).143

[www.gholleha.ir](http://www.gholleha.ir).144

[www.hawzah.net](http://www.hawzah.net).145

[www.imam-khomeini.ir](http://www.imam-khomeini.ir).146

[www.noorhadith.ir](http://www.noorhadith.ir).147

[www.noorlib.ir](http://www.noorlib.ir).148

[www.rajanews.com](http://www.rajanews.com).149

[www.rasanews.ir](http://www.rasanews.ir).150

[www.tasnimnews.com](http://www.tasnimnews.com).151

[www.tebyan.net](http://www.tebyan.net).152

[www.isfahan.ir](http://www.isfahan.ir).153

[www.motahari.ir](http://www.motahari.ir).154

[www.rasekhoon.net](http://www.rasekhoon.net).155

[www.tasnimnews.com](http://www.tasnimnews.com).156



.www.vajehyab.com.157

.www.ghadeer.org.158

.www.talabegi.com.159

\*\*\*\*\*

ص: 176

تازه های نشر :

□

ص: 177

بخشی از آثار منتشر شده:

□

ص: 178

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

